



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

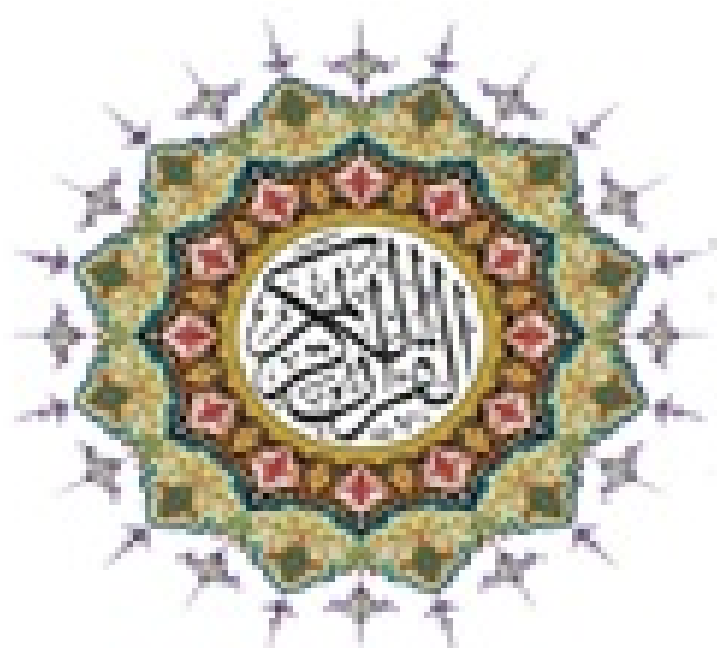
گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۸۳

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 83

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۳۳	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۸۳
۳۳	مشخصات کتاب
۳۳	۱- کفران
۳۳	۱- آثار اجتماعی کفران نعمت
۳۴	۲- آثار اجتناب از کفران نعمت
۳۵	۳- آثار روحیه کفران
۳۵	۴- آثار کفران
۳۵	۵- آثار کفران انسان
۳۶	۶- آثار کفران انسان ها
۳۷	۷- آثار کفران اهل مکه
۳۷	۸- آثار کفران قارون
۳۷	۹- آثار کفران قوم سبأ
۳۷	۱۰- آثار کفران نعمت
۴۹	۱۱- آثار کفران نعمت
۴۹	۱۲- آسایش طلبی کفران کنندگان
۴۹	۱۳- اجتناب از کفران
۴۹	۱۴- اجتناب از کفران نعمت
۵۱	۱۵- اقرار به کفران
۵۱	۱۶- اقرار به کفران نعمت
۵۲	۱۷- اقرار کفران کنندگان
۵۳	۱۸- امکانات مادی کفران کنندگان
۵۳	۱۹- انذار از کفران نعمت
۵۳	۲۰- انذار کفران کنندگان

- ۵۴ ..... ۲۱- اهمیت اجتناب از کفران
- ۵۵ ..... ۲۲- بی ارزشی امکانات مادی کفران کنندگان
- ۵۵ ..... ۲۳- تداوم عذاب کفران کنندگان
- ۵۵ ..... ۲۴- تشخیص کفران کنندگان
- ۵۶ ..... ۲۵- تفکر در فرجام کفران کنندگان
- ۵۷ ..... ۲۶- تهدید کفران کنندگان
- ۵۷ ..... ۲۷- حرمت کفران نعمت
- ۵۷ ..... ۲۸- خطر عذاب کفران کنندگان
- ۵۸ ..... ۲۹- خطر کفران کنندگان
- ۵۹ ..... ۳۰- ذکر آثار کفران نعمت
- ۵۹ ..... ۳۱- رذایل کفران کنندگان
- ۵۹ ..... ۳۲- زشتی کفران نعمت
- ۵۹ ..... ۳۳- زلیخا و کفران یوسف(ع)
- ۶۱ ..... ۳۴- زمینه کفران
- ۶۱ ..... ۳۵- زمینه کفران انسان
- ۶۱ ..... ۳۶- زمینه کفران دنیاطلبان
- ۶۳ ..... ۳۷- زمینه کفران نعمت
- ۶۵ ..... ۳۸- زیادی کفران کنندگان
- ۶۵ ..... ۳۹- زیان کفران نعمت
- ۶۷ ..... ۴۰- سرزنش تداوم کفران نعمت
- ۶۷ ..... ۴۱- سرزنش کفران کنندگان
- ۶۹ ..... ۴۲- سرزنش کفران نعمت
- ۷۱ ..... ۴۳- سنگینی گناه کفران نعمت
- ۷۱ ..... ۴۴- شگفتی تداوم کفران نعمت
- ۷۱ ..... ۴۵- شگفتی کفران نعمت
- ۷۲ ..... ۴۶- صفات کفران کنندگان

- ۴۷- ضعف کفران کنندگان ..... ۷۳
- ۴۸- ظلم کفران کنندگان ..... ۷۳
- ۴۹- ظلم کفران نعمت ..... ۷۳
- ۵۰- عبرت از فرجام کفران کنندگان ..... ۷۵
- ۵۱- عذاب کفران کنندگان ..... ۷۵
- ۵۲- علم به کفران نعمت ..... ۷۵
- ۵۳- علم کفران کنندگان ..... ۷۷
- ۵۴- عمل کفران کنندگان ..... ۷۷
- ۵۵- عوامل تهدید کفران کنندگان ..... ۷۷
- ۵۶- عوامل کفران نعمت ..... ۷۷
- ۵۷- غفلت کفران کنندگان ..... ۷۹
- ۵۸- فرجام شوم کفران کنندگان ..... ۷۹
- ۵۹- فرجام کفران کنندگان ..... ۷۹
- ۶۰- فرجام کفران نعمت ..... ۸۱
- ۶۱- کفران آدم(ع) ..... ۸۱
- ۶۲- کفران ابلیس ..... ۸۱
- ۶۳- کفران اکثریت ..... ۸۱
- ۶۴- کفران اکثریت انسان ها ..... ۸۳
- ۶۵- کفران اکثریت مردم ..... ۸۳
- ۶۶- کفران انسان ..... ۸۳
- ۶۷- کفران انسان ها ..... ۸۹
- ۶۸- کفران بدعت ..... ۹۱
- ۶۹- کفران بنی اسرائیل ..... ۹۱
- ۷۰- کفران ثروتمندان ..... ۹۶
- ۷۱- کفران حوا ..... ۹۷
- ۷۲- کفران خائنان ..... ۹۷

- ۷۳- کفران در سختی ..... ۹۷
- ۷۴- کفران دشمنان اسلام ..... ۹۷
- ۷۵- کفران دشمنان دین ..... ۹۹
- ۷۶- کفران دشمنان مؤمنان ..... ۹۹
- ۷۷- کفران دین ..... ۹۹
- ۷۸- کفران رهبران شرک ..... ۱۰۰
- ۷۹- کفران رهبران کفر ..... ۱۰۱
- ۸۰- کفران سامری ..... ۱۰۱
- ۸۱- کفران شیطان ..... ۱۰۱
- ۸۲- کفران قوم سبأ ..... ۱۰۳
- ۸۳- کفران قوم عاد ..... ۱۰۳
- ۸۴- کفران قوم نوح ..... ۱۰۴
- ۸۵- کفران کافران ..... ۱۰۵
- ۸۶- کفران کنندگان ..... ۱۰۵
- ۸۷- کفران کنندگان در سختی ..... ۱۰۷
- ۸۸- کفران کنندگان نعمت ..... ۱۰۷
- ۸۹- کفران مردم ..... ۱۰۷
- ۹۰- کفران مردم مقارن بعثت ..... ۱۰۷
- ۹۱- کفران مشرکان ..... ۱۰۹
- ۹۲- کفران مشرکان صدراسلام ..... ۱۱۰
- ۹۳- کفران مشرکان مکه ..... ۱۱۱
- ۹۴- کفران منافقان ..... ۱۱۱
- ۹۵- کفران موسی(ع) ..... ۱۱۱
- ۹۶- کفران نسبت به مربی ..... ۱۱۳
- ۹۷- کفران نعمت ..... ۱۱۳
- ۹۸- کفران نعمت اکثریت ..... ۱۳۲



- ۹۹- کفران نعمت انسان ..... ۱۳۲
- ۱۰۰- کفران نعمت در جامعه ..... ۱۳۳
- ۱۰۱- کفران نعمت قوم سبأ ..... ۱۳۳
- ۱۰۲- کفران نعمت کافران ..... ۱۳۳
- ۱۰۳- کفران نعمت مرفهان ..... ۱۳۴
- ۱۰۴- کفران نعمت مشرکان ..... ۱۳۵
- ۱۰۵- کفران نعمت مشرکان مکه ..... ۱۳۵
- ۱۰۶- کیفر دنیوی کفران کنندگان ..... ۱۳۶
- ۱۰۷- کیفر کفران ..... ۱۳۷
- ۱۰۸- کیفر کفران کنندگان ..... ۱۳۷
- ۱۰۹- کیفر کفران نعمت ..... ۱۳۷
- ۱۱۰- گناه کفران نعمت ..... ۱۴۱
- ۱۱۱- مراتب کفران نعمت ..... ۱۴۲
- ۱۱۲- مرفهان کفران کننده ..... ۱۴۳
- ۱۱۳- مشکلات کفران کنندگان ..... ۱۴۳
- ۱۱۴- مکر کفران کنندگان ..... ۱۴۳
- ۱۱۵- ممنوعیت اطاعت از کفران کنندگان ..... ۱۴۳
- ۱۱۶- منشأ کفران نعمت ..... ۱۴۵
- ۱۱۷- موارد کفران ..... ۱۴۵
- ۱۱۸- موارد کفران نعمت ..... ۱۴۵
- ۱۱۹- موانع کفران ..... ۱۴۹
- ۱۲۰- موانع کفران نعمت ..... ۱۵۰
- ۱۲۱- موجبات عذاب کفران کنندگان ..... ۱۵۲
- ۱۲۲- مؤاخذه بر کفران نعمت ..... ۱۵۲
- ۱۲۳- ناپایداری امکانات کفران کنندگان ..... ۱۵۲
- ۱۲۴- ناپسندی کفران ..... ۱۵۲

- ۱۲۵- ناپسندی کفران نعمت ..... ۱۵۵
- ۱۲۶- نبوت و کفران نعمت ..... ۱۵۵
- ۱۲۷- نشانه های کفران نعمت ..... ۱۵۶
- ۱۲۸- نهی از کفران نعمت ..... ۱۵۷
- ۱۲۹- وضوح کفران نعمت ..... ۱۵۷
- ۱۳۰- هلاکت کفران کنندگان ..... ۱۵۸
- ۱۳۱- یوسف(ع) و کفران نعمت ..... ۱۵۹
- ۱۳۲- آسایش طلبی کفران کنندگان ..... ۱۶۱
- ۱۳۳- اقرار کفران کنندگان ..... ۱۶۱
- ۱۳۴- امکانات مادی کفران کنندگان ..... ۱۶۱
- ۱۳۵- انذار کفران کنندگان ..... ۱۶۱
- ۱۳۶- بی ارزشی امکانات مادی کفران کنندگان ..... ۱۶۳
- ۱۳۷- تداوم عذاب کفران کنندگان ..... ۱۶۳
- ۱۳۸- تشخیص کفران کنندگان ..... ۱۶۳
- ۱۳۹- تفکر در فرجام کفران کنندگان ..... ۱۶۳
- ۱۴۰- تهدید کفران کنندگان ..... ۱۶۵
- ۱۴۱- خطر عذاب کفران کنندگان ..... ۱۶۵
- ۱۴۲- خطر کفران کنندگان ..... ۱۶۵
- ۱۴۳- رذایل کفران کنندگان ..... ۱۶۶
- ۱۴۴- زیادی کفران کنندگان ..... ۱۶۷
- ۱۴۵- سرزنش کفران کنندگان ..... ۱۶۷
- ۱۴۶- صفات کفران کنندگان ..... ۱۶۹
- ۱۴۷- ضعف کفران کنندگان ..... ۱۶۹
- ۱۴۸- ظلم کفران کنندگان ..... ۱۶۹
- ۱۴۹- عبرت از فرجام کفران کنندگان ..... ۱۷۰
- ۱۵۰- عذاب کفران کنندگان ..... ۱۷۱

- ۱۵۱- علم کفران کنندگان ..... ۱۷۱
- ۱۵۲- عمل کفران کنندگان ..... ۱۷۲
- ۱۵۳- عوامل تهدید کفران کنندگان ..... ۱۷۳
- ۱۵۴- غفلت کفران کنندگان ..... ۱۷۳
- ۱۵۵- فرجام شوم کفران کنندگان ..... ۱۷۳
- ۱۵۶- فرجام کفران کنندگان ..... ۱۷۴
- ۱۵۷- کفران کنندگان ..... ۱۷۵
- ۱۵۸- کفران کنندگان در سختی ..... ۱۷۵
- ۱۵۹- کفران کنندگان نعمت ..... ۱۷۵
- ۱۶۰- کیفر دنیوی کفران کنندگان ..... ۱۷۶
- ۱۶۱- کیفر کفران کنندگان ..... ۱۷۷
- ۱۶۲- مشکلات کفران کنندگان ..... ۱۷۷
- ۱۶۳- مکر کفران کنندگان ..... ۱۷۷
- ۱۶۴- ممنوعیت اطاعت از کفران کنندگان ..... ۱۷۹
- ۱۶۵- موجبات عذاب کفران کنندگان ..... ۱۷۹
- ۱۶۶- ناپایداری امکانات کفران کنندگان ..... ۱۷۹
- ۱۶۷- هلاکت کفران کنندگان ..... ۱۷۹
- ۱۶۸- آثار اجتماعی کفران نعمت ..... ۱۸۰
- ۱۶۹- آثار اجتناب از کفران نعمت ..... ۱۸۱
- ۱۷۰- آثار کفران نعمت ..... ۱۸۲
- ۱۷۱- اجتناب از کفران نعمت ..... ۱۹۳
- ۱۷۲- اقرار به کفران نعمت ..... ۱۹۳
- ۱۷۳- انذار از کفران نعمت ..... ۱۹۵
- ۱۷۴- حرمت کفران نعمت ..... ۱۹۵
- ۱۷۵- ذکر آثار کفران نعمت ..... ۱۹۵
- ۱۷۶- زشتی کفران نعمت ..... ۱۹۵

- ۱۷۷-زمینه کفران نعمت ----- ۱۹۵
- ۱۷۸-زیان کفران نعمت ----- ۱۹۹
- ۱۷۹-سرزنش تداوم کفران نعمت ----- ۲۰۰
- ۱۸۰-سرزنش کفران نعمت ----- ۲۰۱
- ۱۸۱-سنگینی گناه کفران نعمت ----- ۲۰۲
- ۱۸۲-شگفتی تداوم کفران نعمت ----- ۲۰۳
- ۱۸۳-شگفتی کفران نعمت ----- ۲۰۳
- ۱۸۴-ظلم کفران نعمت ----- ۲۰۳
- ۱۸۵-علم به کفران نعمت ----- ۲۰۵
- ۱۸۶-عوامل کفران نعمت ----- ۲۰۵
- ۱۸۷-فرجام کفران نعمت ----- ۲۰۵
- ۱۸۸-کفران نعمت ----- ۲۰۶
- ۱۸۹-کفران نعمت اکثریت ----- ۲۲۵
- ۱۹۰-کفران نعمت انسان ----- ۲۲۵
- ۱۹۱-کفران نعمت در جامعه ----- ۲۲۵
- ۱۹۲-کفران نعمت قوم سبأ ----- ۲۲۷
- ۱۹۳-کفران نعمت کافران ----- ۲۲۷
- ۱۹۴-کفران نعمت مرفهان ----- ۲۲۷
- ۱۹۵-کفران نعمت مشرکان ----- ۲۲۸
- ۱۹۶-کفران نعمت مشرکان مکه ----- ۲۲۹
- ۱۹۷-کیفر کفران نعمت ----- ۲۲۹
- ۱۹۸-گناه کفران نعمت ----- ۲۳۲
- ۱۹۹-مراتب کفران نعمت ----- ۲۳۳
- ۲۰۰-منشأ کفران نعمت ----- ۲۳۴
- ۲۰۱-موارد کفران نعمت ----- ۲۳۵
- ۲۰۲-موانع کفران نعمت ----- ۲۳۸

- ۲۴۰ ..... مؤاخذة بر کفران نعمت ..... ۲۰۳
- ۲۴۱ ..... ناپسندی کفران نعمت ..... ۲۰۴
- ۲۴۱ ..... نبوت و کفران نعمت ..... ۲۰۵
- ۲۴۲ ..... نشانه های کفران نعمت ..... ۲۰۶
- ۲۴۳ ..... نهی از کفران نعمت ..... ۲۰۷
- ۲۴۳ ..... وضوح کفران نعمت ..... ۲۰۸
- ۲۴۴ ..... یوسف(ع) و کفران نعمت ..... ۲۰۹
- ۲۴۵ ..... کلاغ ..... ۲
- ۲۴۵ ..... ۱- کلاغ ..... ۱
- ۲۴۵ ..... ۲- تاریخ خلقت کلاغ ..... ۲
- ۲۴۵ ..... ۳- تعلّم از کلاغ ..... ۳
- ۲۴۷ ..... ۴- شعور کلاغ ..... ۴
- ۲۴۸ ..... ۵- علم کلاغ ..... ۵
- ۲۴۹ ..... ۶- قدرت کلاغ ..... ۶
- ۲۵۰ ..... ۳- کلمه الله ..... ۳
- ۲۵۰ ..... ۱- اعتلای کلمه الله ..... ۱
- ۲۵۰ ..... ۲- زمینة اعتلای کلمه الله ..... ۲
- ۲۵۰ ..... ۳- عوامل اعتلای کلمه الله ..... ۳
- ۲۵۱ ..... ۴- {کلمات الله} ..... ۴
- ۲۵۱ ..... ۵- بی شماری کلمات الله ..... ۵
- ۲۵۲ ..... ۶- تبدیل کلمات الله ..... ۶
- ۲۵۲ ..... ۷- تغییر ناپذیری کلمات الله ..... ۷
- ۲۵۲ ..... ۸- مراد از کلمات الله ..... ۸
- ۲۵۲ ..... ۹- اظهار کلمه توحید ..... ۹
- ۲۵۵ ..... ۱۰- پاکی کلمه توحید ..... ۱۰
- ۲۵۵ ..... ۱۱- جذابیت کلمه توحید ..... ۱۱

- ۱۲- کلمه توحید ----- ۲۵۵
- ۱۳- کلمه توحید در صدراسلام ----- ۲۵۶
- ۴- کم فروشی ----- ۲۵۸
- ۱- آثار کم فروشی ----- ۲۵۸
- ۲- آثار کم فروشی تاجران ----- ۲۶۰
- ۳- اجتناب از کم فروشی ----- ۲۶۰
- ۴- احکام کم فروشی ----- ۲۶۰
- ۵- اهمیت اجتناب از کم فروشی ----- ۲۶۰
- ۶- حرمت کم فروشی ----- ۲۶۲
- ۷- زیان کم فروشی ----- ۲۶۴
- ۸- شگفتی کم فروشی مؤمنان به معاد ----- ۲۶۴
- ۹- کم فروشی اصحاب ایکه ----- ۲۶۴
- ۱۰- کم فروشی اهل مدین ----- ۲۶۴
- ۱۱- کم فروشی اهل مدینه ----- ۲۶۶
- ۱۲- کم فروشی تاجران ----- ۲۶۸
- ۱۳- کم فروشی صدر اسلام ----- ۲۶۸
- ۱۴- کم فروشی مکذبان معاد ----- ۲۶۸
- ۱۵- گناه کم فروشی ----- ۲۶۸
- ۱۶- موانع کم فروشی ----- ۲۷۰
- ۱۷- نهی از کم فروشی ----- ۲۷۰
- ۱۸- آثار تکذیب عذاب کم فروشان ----- ۲۷۲
- ۱۹- حتمیت احضار کم فروشان ----- ۲۷۲
- ۲۰- حسابرسی اخروی کم فروشان ----- ۲۷۲
- ۲۱- زمینه کیفر کم فروشان ----- ۲۷۳
- ۲۲- عذاب کم فروشان ----- ۲۷۴
- ۲۳- کم فروشان در جهنم ----- ۲۷۴

- ۲۷۴ ..... ۲۴- کم فروشان در قیامت
- ۲۷۵ ..... ۲۵- کیفر اخروی کم فروشان
- ۲۷۶ ..... ۲۶- کیفر مکذبان عذاب کم فروشان
- ۲۷۶ ..... ۲۷- محافظت از نامه عمل کم فروشان
- ۲۷۶ ..... ۲۸- محرومیت کم فروشان
- ۲۷۷ ..... ۲۹- مکان نامه عمل کم فروشان
- ۲۷۸ ..... ۳۰- مکذبان عذاب کم فروشان در جهنم
- ۲۷۹ ..... ۵- کمال
- ۲۷۹ ..... ۱- آثار کمال
- ۲۷۹ ..... ۲- آثار کمال انسان
- ۲۷۹ ..... ۳- آثار کمال عقل محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۸۰ ..... ۴- آثار کمال قرآن
- ۲۸۰ ..... ۵- ایمان به کمال بخشی خدا
- ۲۸۰ ..... ۶- دلایل کمال خدا
- ۲۸۲ ..... ۷- زمینه کمال زن
- ۲۸۲ ..... ۸- زمینه کمال مرد
- ۲۸۲ ..... ۹- عوامل کمال
- ۲۸۲ ..... ۱۰- فقدان استعداد کمال
- ۲۸۳ ..... ۱۱- فطرت کمال طلبی
- ۲۸۴ ..... ۱۲- کمال آفرینش
- ۲۸۵ ..... ۱۳- کمال ابراهیم(ع)
- ۲۸۶ ..... ۱۴- کمال اسلام
- ۲۸۶ ..... ۱۵- کمال انسان
- ۲۸۸ ..... ۱۶- کمال ایمان
- ۲۸۸ ..... ۱۷- کمال جسمانی انسان
- ۲۹۰ ..... ۱۸- کمال حورالعین

- ۱۹- کمال خدا ..... ۲۹۰
- ۲۰- کمال رسولان خدا ..... ۲۹۷
- ۲۱- کمال زن ..... ۲۹۸
- ۲۲- کمال زنان ..... ۳۰۰
- ۲۳- کمال شهیدان ..... ۳۰۰
- ۲۴- کمال طلبی انسان ..... ۳۰۰
- ۲۵- کمال علم خدا ..... ۳۰۲
- ۲۶- کمال قدرت خدا ..... ۳۰۳
- ۲۷- کمال قرآن ..... ۳۰۴
- ۲۸- کمال محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۳۰۶
- ۲۹- کمال مطلق ..... ۳۰۶
- ۳۰- کمال معبود راستین ..... ۳۰۸
- ۳۱- کمال موجودات ..... ۳۰۸
- ۳۲- کمال موسی(ع) ..... ۳۰۹
- ۳۳- کمال مؤمنان ..... ۳۱۰
- ۳۴- کمال هارون(ع) ..... ۳۱۰
- ۳۵- کمال همسران بهشتی ..... ۳۱۰
- ۳۶- مراتب کمال انسان ها ..... ۳۱۱
- ۳۷- مراتب کمال موجودات ..... ۳۱۲
- ۳۸- منشأ کمال ..... ۳۱۲
- ۳۹- منشأ کمال ابراهیم(ع) ..... ۳۱۸
- ۴۰- منشأ کمال انسان ..... ۳۱۸
- ۴۱- منشأ کمال دین ..... ۳۲۰
- ۴۲- موانع کمال خدا ..... ۳۲۰
- ۴۳- نشانه های کمال ..... ۳۲۰
- ۴۴- نشانه های کمال ابراهیم(ع) ..... ۳۲۰



- ۴۵- نشانه های کمال خدا ..... ۳۲۱
- ۶- کمبود ..... ۳۲۳
- ۱- آثار ابتلا به کمبود ..... ۳۲۳
- ۲- ابتلا به کمبود باران ..... ۳۲۳
- ۳- ابتلا به کمبود محصول ..... ۳۲۳
- ۴- ابتلای بنی اسرائیل به کمبود ..... ۳۲۵
- ۵- امتحان با کمبود محصول ..... ۳۲۵
- ۶- برادران یوسف و کمبود غلات ..... ۳۲۵
- ۷- دعای کمبود آب ..... ۳۲۵
- ۸- سوء استفاده از کمبود ها ..... ۳۲۷
- ۹- عوامل ابتلا به کمبود ..... ۳۲۷
- ۱۰- عوامل کمبود ..... ۳۲۷
- ۱۱- عوامل کمبود امکانات مادی ..... ۳۲۷
- ۱۲- فلسفه ابتلا به کمبود ..... ۳۲۹
- ۱۳- قوم عاد و کمبود باران ..... ۳۲۹
- ۱۴- کمبود آب ..... ۳۲۹
- ۱۵- کمبود آب در بنی اسرائیل ..... ۳۲۹
- ۱۶- کمبود روزی ..... ۳۳۱
- ۱۷- کمبود غذا در بنی اسرائیل ..... ۳۳۱
- ۱۸- مصلحت در کمبود روزی ..... ۳۳۱
- ۱۹- منشأ کمبود روزی ..... ۳۳۲
- ۲۰- نجات از کمبود آب ..... ۳۳۳
- ۲۱- سوء استفاده از کمبود ها ..... ۳۳۳
- ۷- کنترل اجتماعی ..... ۳۳۵
- ۱- کنترل اجتماعی ..... ۳۳۵
- ۲- ابزار کنترل اجتماعی ..... ۳۳۷

- ۳- اهمیت کنترل اجتماعی ..... ۳۳۷
- ۴- روش کنترل اجتماعی ..... ۳۳۹
- ۵- روشهای کنترل اجتماعی ..... ۳۳۹
- ۶- زمینه کنترل اجتماعی ..... ۳۳۹
- ۷- شیوه کنترل اجتماعی ..... ۳۴۱
- ۸- عوامل کنترل اجتماعی ..... ۳۴۲
- ۹- لوط(ع) و کنترل اجتماعی ..... ۳۴۵
- ۱۰- مسؤول کنترل اجتماعی ..... ۳۴۵
- ۸- کنز ..... ۳۴۶
- ۱- کیفر اخروی کنز ..... ۳۴۶
- ۲- کیفر کنز ..... ۳۴۶
- ۳- مراد از کنز ..... ۳۴۶
- ۴- مقدار کنز ..... ۳۴۶
- ۹- کنیز ..... ۳۴۸
- ۱- آثار تملک کنیز ..... ۳۴۸
- ۲- آموزش کنیز گناهکار ..... ۳۴۸
- ۳- آمیزش با کنیز ..... ۳۴۸
- ۴- اباحه کنیز ..... ۳۵۰
- ۵- احسان به کنیز ..... ۳۵۰
- ۶- احکام کنیز ..... ۳۵۰
- ۷- ازدواج با کنیز ..... ۳۵۲
- ۸- استمتاع از کنیز ..... ۳۵۶
- ۹- استیذان کنیز ..... ۳۵۶
- ۱۰- اکراه کنیز ..... ۳۵۷
- ۱۱- اتفاق به کنیز ..... ۳۵۸
- ۱۲- تملک کنیز ..... ۳۵۸

- ۱۳- حجاب کنیز ..... ۳۵۸
- ۱۴- حد زناى کنیز ..... ۳۶۰
- ۱۵- حقوق کنیز ..... ۳۶۰
- ۱۶- حلیت کنیز برای محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۳۶۰
- ۱۷- حمایت از کنیز ..... ۳۶۱
- ۱۸- زمینه ازدواج کنیز ..... ۳۶۲
- ۱۹- شخصیت کنیز ..... ۳۶۲
- ۲۰- عفت کنیز ..... ۳۶۲
- ۲۱- کنیز صالحه ..... ۳۶۴
- ۲۲- کنیز مؤمن ..... ۳۶۴
- ۲۳- مالکیت کنیز ..... ۳۶۴
- ۲۴- محرومیت مالک کنیز گناهکار ..... ۳۶۵
- ۲۵- مشروعیت تملک کنیز ..... ۳۶۶
- ۲۶- معاشرت با کنیز ..... ۳۶۶
- ۲۷- مهریه کنیز ..... ۳۶۶
- ۱۰- کودک ..... ۳۶۸
- ۱- احکام کودک ..... ۳۶۸
- ۲- استماع سخن کودک ..... ۳۶۸
- ۳- اهمیت حقوق کودک ..... ۳۶۸
- ۴- تصرفات کودک ..... ۳۶۸
- ۵- تغذیه کودک ..... ۳۷۰
- ۶- حقوق کودک ..... ۳۷۲
- ۷- روانشناسی کودک ..... ۳۷۴
- ۸- روش برخورد با کودک ..... ۳۷۴
- ۹- عوامل مؤثر در رشد کودک ..... ۳۷۵
- ۱۰- کودک مظلوم ..... ۳۷۶

- ۱۱- مالکیت کودک ..... ۳۷۶
- ۱۲- محجوریت کودک ..... ۳۷۶
- ۱۳- محرمیت کودک ..... ۳۷۸
- ۱۴- نجات کودک ..... ۳۷۸
- ۱۵- نقش کودک ..... ۳۷۸
- ۱۶- نیازهای کودک ..... ۳۷۹
- ۱۷- استیذان کودکان ..... ۳۸۰
- ۱۸- اهمیت تربیت کودکان ..... ۳۸۰
- ۱۹- سختی استیذان کودکان ..... ۳۸۰
- ۲۰- مسؤولیت کودکان ..... ۳۸۲
- ۲۱- ممنوعیت تحریک جنسی کودکان ..... ۳۸۲
- ۲۲- امامت در کودکی ..... ۳۸۲
- ۲۳- بازگشت به کودکی ..... ۳۸۲
- ۲۴- بازی در کودکی ..... ۳۸۴
- ۲۵- حکمت در کودکی ..... ۳۸۴
- ۲۶- دوران کودکی ..... ۳۸۴
- ۲۷- ذکر نیازهای کودکی ..... ۳۸۶
- ۲۸- قضاوت در کودکی ..... ۳۸۶
- ۲۹- کودکی ابراهیم(ع) ..... ۳۸۶
- ۳۰- کودکی انسان ..... ۳۸۶
- ۳۱- کودکی محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۳۸۸
- ۳۲- کودکی موسی(ع) ..... ۳۸۹
- ۳۳- کودکی یحیی(ع) ..... ۳۹۱
- ۳۴- کودکی یوسف(ع) ..... ۳۹۲
- ۳۵- گرایشها در کودکی ..... ۳۹۴
- ۳۶- نبوت در کودکی ..... ۳۹۴

- ۳۷- وحی در کودکی ..... ۳۹۶
- ۳۸- ویژگیهای کودکی ..... ۳۹۷
- ۱۱- کور ..... ۳۹۸
- ۱- تشبیه به کور ..... ۳۹۸
- ۲- تمثیل به کور ..... ۳۹۸
- ۳- شخصیت کور ..... ۳۹۸
- ۴- محدوده اختیارات کور ..... ۴۰۰
- ۵- معذوریت کور ..... ۴۰۰
- ۶- احترام کوران ..... ۴۰۱
- ۷- تشبیه به کوران ..... ۴۰۲
- ۸- همسفرگی با کوران ..... ۴۰۲
- ۹- {کوردلان} ..... ۴۰۴
- ۱۰- بینایی اخروی کوردلان ..... ۴۰۶
- ۱۱- سرنوشت کوردلان ..... ۴۰۶
- ۱۲- شخصیت کوردلان ..... ۴۰۶
- ۱۳- کوردلان در آخرت ..... ۴۰۶
- ۱۴- کوردلان در دنیا ..... ۴۰۸
- ۱۵- گمراهی اخروی کوردلان ..... ۴۰۹
- ۱۶- هدایت ناپذیری کوردلان ..... ۴۱۰
- ۱۷- آثار کوردلی ..... ۴۱۰
- ۱۸- آثار کوردلی قوم لوط ..... ۴۱۲
- ۱۹- آثار کوردلی کافران ..... ۴۱۲
- ۲۰- زمینه کوردلی کافران ..... ۴۱۲
- ۲۱- عوامل کوردلی ..... ۴۱۲
- ۲۲- کوردلی اشراف قوم نوح ..... ۴۱۴
- ۲۳- کوردلی قوم لوط ..... ۴۱۴

- ۴۱۵ ..... ۲۴- کوردلی قوم نوح
- ۴۱۶ ..... ۲۵- کوردلی کافران
- ۴۱۸ ..... ۲۶- کوردلی کافران حق ناپذیر
- ۴۱۸ ..... ۲۷- کوردلی گمراهان
- ۴۱۸ ..... ۲۸- کوردلی مشرکان
- ۴۲۰ ..... ۲۹- کوردلی مشرکان صدراسلام
- ۴۲۰ ..... ۳۰- کوردلی معبودان باطل
- ۴۲۰ ..... ۳۱- کوردلی مکذبان آخرت
- ۴۲۰ ..... ۳۲- کوردلی مکذبان آیات خدا
- ۴۲۱ ..... ۳۳- کوردلی مکذبان انبیا
- ۴۲۲ ..... ۳۴- کوردلی مکذبان قرآن
- ۴۲۲ ..... ۳۵- کوردلی مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۲۲ ..... ۳۶- کوردلی منکران آیات خدا
- ۴۲۴ ..... ۳۷- نشانه های کوردلی
- ۴۲۴ ..... ۳۸- نشانه های کوردلی کافران
- ۴۲۴ ..... ۳۹- نشانه های کوردلی کافران صدراسلام
- ۴۲۶ ..... ۴۰- آثار کوری
- ۴۲۶ ..... ۴۱- زمان کوری یعقوب(ع)
- ۴۲۶ ..... ۴۲- شفا کوری
- ۴۲۷ ..... ۴۳- شفای کوری
- ۴۲۸ ..... ۴۴- عوامل کوری
- ۴۲۸ ..... ۴۵- عوامل کوری اخروی
- ۴۲۹ ..... ۴۶- عوامل کوری در قیامت
- ۴۳۰ ..... ۴۷- عوامل کوری یعقوب(ع)
- ۴۳۰ ..... ۴۸- کوری اخروی تارکان حج
- ۴۳۰ ..... ۴۹- کوری اخروی غافلان

- ۴۳۲ ..... ۵۰- کوری اخروی غافلان از خدا
- ۴۳۲ ..... ۵۱- کوری اخروی گمراهان
- ۴۳۳ ..... ۵۲- کوری اخروی مسرفان
- ۴۳۴ ..... ۵۳- کوری اخروی معرضان از خدا
- ۴۳۴ ..... ۵۴- کوری اخروی معرضان از خدا
- ۴۳۴ ..... ۵۵- کوری بنی اسرائیل
- ۴۳۵ ..... ۵۶- کوری بیمار دلان
- ۴۳۶ ..... ۵۷- کوری تارکان جهاد
- ۴۳۶ ..... ۵۸- کوری درقیامت
- ۴۳۶ ..... ۵۹- کوری دنیا طلبان
- ۴۳۶ ..... ۶۰- کوری عبدالله بن ام مکتوم
- ۴۳۸ ..... ۶۱- کوری غافلان
- ۴۳۸ ..... ۶۲- کوری قوم لوط
- ۴۳۸ ..... ۶۳- کوری کافران
- ۴۴۲ ..... ۶۴- کوری کافران حق ناپذیر
- ۴۴۲ ..... ۶۵- کوری متجاوزان به مهمانان لوط(ع)
- ۴۴۲ ..... ۶۶- کوری مرتدان
- ۴۴۲ ..... ۶۷- کوری مشرکان
- ۴۴۴ ..... ۶۸- کوری مشرکان حق ناپذیر
- ۴۴۴ ..... ۶۹- کوری مفتریان بر خدا
- ۴۴۵ ..... ۷۰- کوری مفسدان
- ۴۴۶ ..... ۷۱- کوری مکذبان قرآن
- ۴۴۶ ..... ۷۲- کوری هواپرستان
- ۴۴۶ ..... ۷۳- مرض کوری
- ۴۴۶ ..... ۷۴- منشأ کوری
- ۴۴۸ ..... ۷۵- منشأ کوری اخروی انسان ها

- ۴۴۸ ..... ۷۶- نشانه های کوری دهریون
- ۴۴۸ ..... ۷۷- یوسف(ع) و کوری یعقوب(ع)
- ۴۴۹ ..... ۱۲- کوه
- ۴۴۹ ..... ۱- آتش کوه طور
- ۴۵۱ ..... ۲- آثار آتش کوه طور
- ۴۵۲ ..... ۳- آثار استحکام کوه ها
- ۴۵۳ ..... ۴- آثار عظمت کوه ها
- ۴۵۳ ..... ۵- اتقان کوه ها
- ۴۵۳ ..... ۶- اجزای کوه ها
- ۴۵۳ ..... ۷- ارزش کوه طور
- ۴۵۳ ..... ۸- استبعاد تلاشی کوه ها
- ۴۵۵ ..... ۹- استحکام کوه ها
- ۴۵۶ ..... ۱۰- استقرار کوه ها
- ۴۵۷ ..... ۱۱- استقرار کوه ها در زمین
- ۴۵۷ ..... ۱۲- اسکان در کوه ها
- ۴۵۷ ..... ۱۳- اطرافیان آتش کوه طور
- ۴۵۸ ..... ۱۴- امتناع کوه ها از تکلیف
- ۴۵۹ ..... ۱۵- امتناع کوه ها از قبول امانت
- ۴۵۹ ..... ۱۶- انقیاد کوه ها
- ۴۶۰ ..... ۱۷- انهدام کوه طور
- ۴۶۱ ..... ۱۸- انهدام کوه ها
- ۴۶۵ ..... ۱۹- اهمیت آتش کوه طور
- ۴۶۵ ..... ۲۰- اهمیت امانت عرضه شده به کوه ها
- ۴۶۵ ..... ۲۱- اهمیت کوه ها
- ۴۶۷ ..... ۲۲- بالا بردن کوه طور
- ۴۶۷ ..... ۲۳- بالا رفتن کوه طور



- ۴۶۹ ..... ۲۴- برکت کوه طور
- ۴۶۹ ..... ۲۵- بلندی کوه ها
- ۴۶۹ ..... ۲۶- بنی اسرائیل و کوه طور
- ۴۷۱ ..... ۲۷- پرسش از فرجام کوه ها
- ۴۷۱ ..... ۲۸- پیدایش کوه ها
- ۴۷۱ ..... ۲۹- تاریخ پیدایش کوه ها
- ۴۷۳ ..... ۳۰- تاریخ خلقت کوه ها
- ۴۷۳ ..... ۳۱- تبدیل کوه ها به ریگ
- ۴۷۳ ..... ۳۲- تبدیل کوه ها به غبار
- ۴۷۴ ..... ۳۳- تجلی خدا بر کوه طور
- ۴۷۵ ..... ۳۴- ترس کوه ها
- ۴۷۶ ..... ۳۵- تسبیح کوه ها
- ۴۷۸ ..... ۳۶- تسخیر کوه ها
- ۴۷۹ ..... ۳۷- تسطیح کوه ها
- ۴۷۹ ..... ۳۸- تشبیه به کوه
- ۴۸۱ ..... ۳۹- تشبیه به کوه صعب العبور
- ۴۸۱ ..... ۴۰- تقدس کوه طور
- ۴۸۲ ..... ۴۱- تلاشی کوه ها
- ۴۸۳ ..... ۴۲- تنوع رگه های کوه ها
- ۴۸۳ ..... ۴۳- تنوع رنگ کوه ها
- ۴۸۵ ..... ۴۴- ثبات کوه ها
- ۴۸۵ ..... ۴۵- حرکت کوه ها
- ۴۸۷ ..... ۴۶- حرکت کوه های یخی
- ۴۸۸ ..... ۴۷- حقیقت آتش کوه طور
- ۴۸۹ ..... ۴۸- خالق کوه ها
- ۴۸۹ ..... ۴۹- خانواده موسی(ع) در کوه طور

- ۴۹۰ ..... ۵۰- خانه سازی در کوه
- ۴۹۱ ..... ۵۱- خدانشناسی کوه ها
- ۴۹۱ ..... ۵۲- خلقت کوه ها
- ۴۹۱ ..... ۵۳- دعوت به کوه طور
- ۴۹۲ ..... ۵۴- ذکر معجزه کوه طور
- ۴۹۳ ..... ۵۵- رگه های سرخ کوه ها
- ۴۹۳ ..... ۵۶- رگه های سیاه کوه ها
- ۴۹۳ ..... ۵۷- رویش درختان زیتون در کوه طور
- ۴۹۵ ..... ۵۸- رؤیت آتش کوه طور
- ۴۹۵ ..... ۵۹- سجده کوه ها
- ۴۹۵ ..... ۶۰- سرعت انهدام کوه ها
- ۴۹۷ ..... ۶۱- سکون کوه ها
- ۴۹۷ ..... ۶۲- سمت راست کوه طور
- ۴۹۸ ..... ۶۳- سوگند به کوه طور
- ۴۹۹ ..... ۶۴- شدت انهدام کوه ها
- ۴۹۹ ..... ۶۵- شعور کوه ها
- ۵۰۱ ..... ۶۶- شگفتی حرکت کوه ها
- ۵۰۱ ..... ۶۷- عرضه امانت به کوه ها
- ۵۰۱ ..... ۶۸- عرضه تکلیف به کوه ها
- ۵۰۳ ..... ۶۹- عظمت کوه طور
- ۵۰۳ ..... ۷۰- عوامل انهدام کوه ها
- ۵۰۳ ..... ۷۱- عوامل خشوع کوه ها
- ۵۰۴ ..... ۷۲- غرش کوه طور
- ۵۰۵ ..... ۷۳- فرجام کوه ها
- ۵۰۵ ..... ۷۴- فلسفه بالارفتن کوه طور
- ۵۰۵ ..... ۷۵- فلسفه خلقت کوه ها

- ۷۶- فلسفه سوگند به کوه طور ..... ۵۰۷
- ۷۷- فواید کوه ..... ۵۰۷
- ۷۸- فواید کوه ها ..... ۵۰۷
- ۷۹- قانونمندی خلقت کوه ها ..... ۵۱۲
- ۸۰- قداست کوه طور ..... ۵۱۳
- ۸۱- کشتی نوح(ع) در کوه جودی ..... ۵۱۳
- ۸۲- کوه پسر نوح(ع) ..... ۵۱۳
- ۸۳- کوه طور و بنی اسرائیل ..... ۵۱۵
- ۸۴- کوه نشینی قوم ثمود ..... ۵۱۵
- ۸۵- لرزش کوه طور ..... ۵۱۶
- ۸۶- مراحل خلقت کوه ها ..... ۵۱۷
- ۸۷- مطالعه استقرار کوه ها ..... ۵۱۷
- ۸۸- معجزه حرکت کوه ..... ۵۱۷
- ۸۹- معجزه کوه طور ..... ۵۱۸
- ۹۰- مناجات در کوه طور ..... ۵۱۹
- ۹۱- منافع استقرار کوه ها ..... ۵۱۹
- ۹۲- منشأ استقامت کوه ها ..... ۵۲۰
- ۹۳- منشأ استقرار کوه ها ..... ۵۲۱
- ۹۴- منشأ انهدام کوه ها ..... ۵۲۱
- ۹۵- منشأ حرکت کوه ها ..... ۵۲۳
- ۹۶- موسی(ع) در کوه طور ..... ۵۲۳
- ۹۷- موسی(ع) و آتش کوه طور ..... ۵۳۰
- ۹۸- نقش آتش کوه طور ..... ۵۳۳
- ۹۹- نقش کوه طور ..... ۵۳۳
- ۱۰۰- نقش کوه ها ..... ۵۳۴
- ۱۰۱- یهود و کوه طور ..... ۵۳۵

- ۱۰۲- {کوه جودی} ..... ۵۳۷
- ۱۰۳- کشتی نوح(ع) در کوه جودی ..... ۵۳۷
- ۱۰۴- {کوه سینا} ..... ۵۳۸
- ۱۰۵- {کوه صفا} ..... ۵۳۹
- ۱۰۶- آتش کوه طور ..... ۵۳۹
- ۱۰۷- آثار آتش کوه طور ..... ۵۴۳
- ۱۰۸- ارزش کوه طور ..... ۵۴۳
- ۱۰۹- اطرافیان آتش کوه طور ..... ۵۴۳
- ۱۱۰- انهدام کوه طور ..... ۵۴۳
- ۱۱۱- اهمیت آتش کوه طور ..... ۵۴۵
- ۱۱۲- بالا بردن کوه طور ..... ۵۴۵
- ۱۱۳- بالا رفتن کوه طور ..... ۵۴۷
- ۱۱۴- برکت کوه طور ..... ۵۴۷
- ۱۱۵- بنی اسرائیل و کوه طور ..... ۵۴۹
- ۱۱۶- تجلی خدا بر کوه طور ..... ۵۴۹
- ۱۱۷- تقدس کوه طور ..... ۵۵۱
- ۱۱۸- حقیقت آتش کوه طور ..... ۵۵۱
- ۱۱۹- خانواده موسی(ع) در کوه طور ..... ۵۵۱
- ۱۲۰- دعوت به کوه طور ..... ۵۵۳
- ۱۲۱- ذکر معجزه کوه طور ..... ۵۵۳
- ۱۲۲- رویش درختان زیتون در کوه طور ..... ۵۵۳
- ۱۲۳- رؤیت آتش کوه طور ..... ۵۵۳
- ۱۲۴- سمت راست کوه طور ..... ۵۵۵
- ۱۲۵- سوگند به کوه طور ..... ۵۵۶
- ۱۲۶- عظمت کوه طور ..... ۵۵۷
- ۱۲۷- غرش کوه طور ..... ۵۵۷

- ۵۵۸ ----- ۱۲۸- فلسفه بالارفتن کوه طور
- ۵۵۹ ----- ۱۲۹- فلسفه سوگند به کوه طور
- ۵۵۹ ----- ۱۳۰- قداست کوه طور
- ۵۵۹ ----- ۱۳۱- کوه طور و بنی اسرائیل
- ۵۶۱ ----- ۱۳۲- لرزش کوه طور
- ۵۶۱ ----- ۱۳۳- معجزه کوه طور
- ۵۶۲ ----- ۱۳۴- مناجات در کوه طور
- ۵۶۳ ----- ۱۳۵- موسی(ع) در کوه طور
- ۵۶۹ ----- ۱۳۶- موسی(ع) و آتش کوه طور
- ۵۷۲ ----- ۱۳۷- نقش آتش کوه طور
- ۵۷۳ ----- ۱۳۸- نقش کوه طور
- ۵۷۳ ----- ۱۳۹- یهود و کوه طور
- ۵۷۵ ----- ۱۴۰- {کوه قاسیون}
- ۵۷۵ ----- ۱۴۱- {کوه مروه}
- ۵۷۶ ----- ۱۴۲- آثار استحکام کوه ها
- ۵۷۷ ----- ۱۴۳- آثار عظمت کوه ها
- ۵۷۷ ----- ۱۴۴- اتقان کوه ها
- ۵۷۷ ----- ۱۴۵- اجزای کوه ها
- ۵۷۷ ----- ۱۴۶- استبعاد تلاشی کوه ها
- ۵۷۹ ----- ۱۴۷- استحکام کوه ها
- ۵۸۰ ----- ۱۴۸- استقرار کوه ها
- ۵۸۱ ----- ۱۴۹- استقرار کوه ها در زمین
- ۵۸۱ ----- ۱۵۰- اسکان در کوه ها
- ۵۸۱ ----- ۱۵۱- امتناع کوه ها از تکلیف
- ۵۸۲ ----- ۱۵۲- امتناع کوه ها از قبول امانت
- ۵۸۳ ----- ۱۵۳- انقیاد کوه ها

- ۵۸۳ ----- ۱۵۴- انهدام کوه ها
- ۵۸۷ ----- ۱۵۵- اهمیت امانت عرضه شده به کوه ها
- ۵۸۷ ----- ۱۵۶- اهمیت پناهگاههای کوهستانی
- ۵۸۷ ----- ۱۵۷- اهمیت کوه ها
- ۵۸۹ ----- ۱۵۸- بلندی کوه ها
- ۵۸۹ ----- ۱۵۹- پرسش از فرجام کوه ها
- ۵۸۹ ----- ۱۶۰- پیدایش کوه ها
- ۵۸۹ ----- ۱۶۱- تاریخ پیدایش کوه ها
- ۵۹۱ ----- ۱۶۲- تاریخ خلقت کوه ها
- ۵۹۱ ----- ۱۶۳- تبدیل کوه ها به ریگ
- ۵۹۱ ----- ۱۶۴- تبدیل کوه ها به غبار
- ۵۹۳ ----- ۱۶۵- ترس کوه ها
- ۵۹۳ ----- ۱۶۶- تسبیح کوه ها
- ۵۹۵ ----- ۱۶۷- تسخیر کوه ها
- ۵۹۵ ----- ۱۶۸- تسطیح کوه ها
- ۵۹۷ ----- ۱۶۹- تلاشی کوه ها
- ۵۹۷ ----- ۱۷۰- تنوع رگه های کوه ها
- ۵۹۸ ----- ۱۷۱- تنوع رنگ کوه ها
- ۵۹۹ ----- ۱۷۲- ثبات کوه ها
- ۵۹۹ ----- ۱۷۳- حرکت کوه ها
- ۶۰۲ ----- ۱۷۴- حرکت کوه های یخی
- ۶۰۳ ----- ۱۷۵- خالق کوه ها
- ۶۰۳ ----- ۱۷۶- خدانشناسی کوه ها
- ۶۰۳ ----- ۱۷۷- خلقت کوه ها
- ۶۰۵ ----- ۱۷۸- رگه های سرخ کوه ها
- ۶۰۵ ----- ۱۷۹- رگه های سفیدکوه ها

- ۱۸۰- رگه های سیاه کوه ها ..... ۶۰۵
- ۱۸۱- سجده کوه ها ..... ۶۰۷
- ۱۸۲- سرعت انهدام کوه ها ..... ۶۰۷
- ۱۸۳- سکون کوه ها ..... ۶۰۷
- ۱۸۴- شدت انهدام کوه ها ..... ۶۰۷
- ۱۸۵- شعور کوه ها ..... ۶۰۸
- ۱۸۶- شگفتی حرکت کوه ها ..... ۶۰۹
- ۱۸۷- عرضه امانت به کوه ها ..... ۶۰۹
- ۱۸۸- عرضه تکلیف به کوه ها ..... ۶۱۱
- ۱۸۹- عوامل انهدام کوه ها ..... ۶۱۱
- ۱۹۰- عوامل خشوع کوه ها ..... ۶۱۱
- ۱۹۱- فرجام کوه ها ..... ۶۱۳
- ۱۹۲- فلسفه خلقت کوه ها ..... ۶۱۳
- ۱۹۳- فواید کوه ها ..... ۶۱۴
- ۱۹۴- قانونمندی خلقت کوه ها ..... ۶۱۹
- ۱۹۵- مراحل خلقت کوه ها ..... ۶۱۹
- ۱۹۶- مطالعه استقرار کوه ها ..... ۶۱۹
- ۱۹۷- منافع استقرار کوه ها ..... ۶۱۹
- ۱۹۸- منشأ استقامت کوه ها ..... ۶۲۱
- ۱۹۹- منشأ استقرار کوه ها ..... ۶۲۱
- ۲۰۰- منشأ انهدام کوه ها ..... ۶۲۲
- ۲۰۱- منشأ حرکت کوه ها ..... ۶۲۳
- ۲۰۲- نقش کوه ها ..... ۶۲۳
- ۱۳- کهانت ..... ۶۲۶
- ۱- تهمت کهانت به قرآن ..... ۶۲۶
- ۲- تهمت کهانت به محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۶۲۶

۳- قرآن و کهنانت ----- ۶۲۶

۴- محمد(صلی الله علیه و آله) و کهنانت ----- ۶۲۷

۵- ناپسندی کهنانت ----- ۶۲۷

۶- نقش کهنانت ----- ۶۲۷

درباره مرکز ----- ۶۲۹



نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 83

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

## 1- کفران

### 1- آثار اجتماعی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 6,9,12,14

6- مبتلا شدن جامعه به فقر، گرسنگی و ناامنی، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه... فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف

9- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا، عامل پیدایش فقر، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فکفرت بأنعم الله... بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه «یصنعون» که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

12- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه... فکفرت... فأذقها الله لباس الجوع والخوف

14- روی آوری فقر، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه... فأذقها الله لباس الجوع والخوف بما ک

برداشت فوق - چنان چه عده ای از مفسران گفته اند - بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- کفران نعمت های الهی ، در پی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

واشکروا له... فأعرضوا... و مزقنهم کل ممزق

## 2- آثار اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 114 - 8

8- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع ، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران است .

وضرب الله مثلاً قریه .. فکفرت بأنعم الله ... فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیب

ص: 1

«فاء» در «فکلوا..» برای تفریع این جمله به آیات پیشین است؛ یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا آورید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند؛ ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

### 3- آثار روحیه کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 13

13 - روحیه ناسپاسی و دغلکاری، مایه انکار آیات الهی است.

و ما یجحد بآیتنا إلا کلّ ختار کفور

«ختر» به معنای «غدر» و دغلکاری شدید است (مفردات راغب).

### 4- آثار کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 58 - 6

6 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «من هداه الله للاسلام و علمه القرآن، ثم شکا الفاقه کتب الله الفقر بین عینیه إلى یوم یلقاه ثم تلا النبی (صلی الله علیه و آله): «قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون» من عرض الدنيا من الأموال؛

کسی را که خداوند به اسلام هدایت کرده و قرآن را به او آموخته و پس از آن [آن شخص] از تنگ دستی شکوه کند، خداوند فقر را تا قیامت در پیشانی او می نویسد. سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این آیه را تلاوت فرمود: «بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال باشند که این از تمام آنچه جمع می کنند، بهتر است» و مراد از «آنچه جمع می کنند» اموال و بهره زیباست».

### 5- آثار کفران انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 10

10- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است.

فلما نجکم إلى البرّ أعرضتم و کان الإنسن کفوراً

جمله «و کان الإنسان کفوراً» - که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست - به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

## 6- آثار کفران انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 2

2- کفر و ناسپاسی انسان ها و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالک آسمان ها و زمین

فإنّ الإنسان کفور . لله ملک السموت و الأرض

### 7- آثار کفران اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 112 - 14

14- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه . . فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق - چنان چه عده ای از مفسران گفته اند - بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

### 8- آثار کفران قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 16

16 - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ویکائنه لایفلح الکفرون

### 9- آثار کفران قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبا - 34 - 19 - 12

12 - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إنّ فی ذلك لآیت لکلّ صبار شکور

### 10- آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - غفلت از یاد خدا و ناسپاسی نعمتهایش ، به منزله انکار اوست .

فاذکرونی . . . واشکروالی ولاتکفرون

نهی از کفرورزی و انکار خدا (لاتکفرون) - پس از فرمان دادن به ذکر و سپاس او - می رساند که: غفلت از یاد خدا و ناسپاسی

ص: 3

در برابر او، آدمی را به کفرورزی و انکار خدا می کشاند و یا خود به منزله کفر و انکار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 147 - 4

4 - کفر به خدا، و ناسپاسی نعمت های او، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم وءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 18

18 - ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین، نشانه جهل آدمی است.

و جوزنا بنی إسرائيل البحر .. قال إنكم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 22

22- «عن علی بن الحسین (ع) يقول: الذنوب التي تغير النعم، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر، و اصطناع المعروف، و کفران النعم، و ترک الشکر. قال الله عزوجل: «إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» . . .»

از امام زین العابدین(ع) روایت شده است که می فرمود: گناهانی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 7 - 5,3,2,1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکه: هر کس سپاسگزار باشد، قطعاً نعمتش فزونی می یابد و هر کس کفران نماید، دچار عذاب شدید می گردد.

و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

«و إذ تأذن» عطف بر «إذ قال» است که در آن «اذکر» در تقدیر است و مخاطب پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می باشد.

2- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذکروا نعمه الله علیکم . . . و إذ تأذّن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که «إذ تأذّن» مقول قول موسی (ع) و عطف به «اذکروا نعمه الله» باشد.

3- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت ، مقتضای ربوبیت الهی

و إذ تأذّن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

5- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجکم من آل فرعون . . . و إذ تأذّن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 8 - 3

ص: 4



3- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زبانی به او نمی رساند .

إِن تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

مراد از «إِن تَكْفُرُوا» به قرینه «وَلَنْ كُفِّرْتُمْ» که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 7

7- ناسپاسی نعمت ها موجب هلاکت و سرنوشت شوم است .

أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ .. وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 17، 12

12- روحیه ستم پیشگی و ناسپاسی انسان ، فلسفه دریغ نمودن خداوند از برآوردن تمامی درخواست ها و تقاضا های او

وَأَتَيْكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

برداشت فوق بر این اساس است که «من» در «من کلّ» برای تبعیض و مقصود از سؤال درخواست زبانی باشد و نیز جمله «إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ» تعلیل برای جملات پیشین باشد.

17- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشتن است .

وإِن تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 13

13- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قَرِيهَ كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً .. فَكَفَرَتْ بَأْنَعَمَ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - طغیان گری در استفاده از نعمت ها ( ناسپاسی ، اسراف و . . . ) ، زمینه ساز فرا رسیدن غضب الهی و سیطره یافتن آن بر انسان است .

كلوا . . . و لا تطغوا فيه فيحلّ عليكم غضبي

«یحلّ»؛ یعنی، «ینزل» و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 26

26 - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم . . . لیستخلفنهم . . . و لیمکننّ لهم دینهم . . . یعبدون

«فسق» به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

ص: 5

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 135 - 3

3 - کفران نعمت های الهی ، درپی دارنده عذاب و کیفری سخت

و اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ . . . إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 20

20 - بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و من شکر فإتّما یشکر لنفسه و من کفر فإنّ ربّی غنیّ کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 73 - 10

10 - بنای خداوند بر فضل و رحمت نسبت به خلق و ناسپاسی های مردم زمینه ساز عذاب

و إنّ ربّک لذو فضل . . . و لکنّ اکثرهم لایشکرون

مقدم شدن «فضل و رحمت» بر «شکر و ناسپاسی» می رساند که فضل الهی، دارای اصالت و خواست خدا است؛ ولی این ناسپاسی ها است که مردم را از آن محروم می سازد و سبب نزول عذاب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 14،15

14 - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

و یکانّه لایفلح الکفرون

«کفر» (مصدر «کافرون») در این جا مقابل «شکر» و به معنای ناسپاسی است. جمله «و یکانّه لایفلح الکافرون» اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

15 - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، درپی دارنده هلاکت انسان و نابودی ثروت وی

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ویکائنه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 5، 1

1 - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجنّتهم . . . ذلك جزينهم بما كفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش ، احتمال دارد مراد از «کفروا» کفران باشد.

5 - کفران نعمت های خداوند ، کیفر در پی دارد .

واشکروا له . . . فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم... ذلك جزينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 12، 10، 4

ص: 6

4- برنتابیدن و فور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بينهم و بين القرى التى برکنا فيها قرى ظهره .. سیروا فيها ... ءامنين

10 - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد كان لسبأ فی مسکنهم ءایه جنتان .. بلده طیبه ... فقالوا ربنا بعد بین أسفا

12 - قصه مردم سبأ و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، در بردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَآیَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 21

21 - دروغ پردازی و ناسپاسی ، باعث محرومیت از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 13

13 - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

برداشت بالا به خاطر این نکته است که مقصود از «وزر» در این آیه، کفر و ناسپاسی است؛ زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 20,21,23

20 - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا

21 - شرک و ناسپاسی خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

23 - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دائمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتع بکفرک قليلاً إنک من أصحاب النار

جمله «إنک من أصحاب النار» برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 8

8 - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

ص: 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 2

2 - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون فأصابهم سيئات ما كسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 52 - 5

5 - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

وإذا أنعمنا على الإنسان .. ثم كفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 17

17 - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فإن أعرضوا .. فإن الإنسان كفور

جمله «وإنّا إذا .. کفور» می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 4 - 2

2 - کفران نعمت هدایت ، موجب عذاب سخت الهی ( همچون زنجیر ، غل و آتش ) در قیامت

إنّا أعتدنا للكافرين سلسلاً وأغلالاً وسعيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 12

12 - کفران نعمت های خداوند ، سرپیچی از فرمان او است .

ما أکفّره .. لَمَّا یَقْضِ ما أَمْره

چنانچه مراد از کفر در «ما أکفّره» کفران نعمت باشد، شکرگزاری نعمت مصداق مورد نظر از «ما أَمْره» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 4

4 - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العدیت .. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَکَنُودٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 4

4 - انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

ص: 8



و العديت . . . إنّ الإنسان لربّه لکنود . و إنّّه علی ذلک لشهید

### 11- آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 31

31- ارتکاب فحشا و ناسپاسی در برابر نعمت های خداوند ، مانع رستگاری است .

إنه لا یفلح الظلمون

### 12- آسایش طلبی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 4

4- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأنتم أن یخسف بکم . . . أم أمنتم أن یعیدکم فیه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صیرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

### 13- اجتناب از کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 64 - 5

5- آدمی پس از نجات از شداید، علی رغم پیمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پیمان شکنی می کند و مجدداً شرک میورزد.

لئن أنجنا . . . قل الله ینجیکم ... ثم أتم تشرکون

### 14- اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 152 - 7

7- ضرورت پرهیز از کفران نعمت های خداوند

و لا تکفرون

برداشت فوق بر این اساس است که «لا تکفرون» به تقدیر «نعمه» در اصل «و لا تکفروا نعمتی» بوده باشد.

ص: 9

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 3

3- توجه انسان به مقام و کرامت الهی خویش ، مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است .

فیغرقکم بما کفرتم . . . و لقد کرّنا بنی ءادم

یادآوری کرامت انسانها پس از ذکر ماجرای کسانی که پس از رهایی از خطر مرگ به کفران نعمتهای الهی روی آوردند؛ می تواند مژمتمی باشد برای آنان و نیز به انسانها توجه بدهد که کرامت انسانی مستلزم اجتناب از کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 132 - 1,2

1 - تأکید هود (ع) بر تقوای الهی و پرهیز از ناسپاسی در برابر خدای نعمت بخش

و اتّقوا الذی أمّدکم بما تعلمون

«إمداد» (مصدر «أمّدکم») به معنای کمک کردن و «ما» در «بما تعلمون» کنایه از نعمت هایی است که تفصیل آن در آیات بعد آمده است. متعلق «تعلمون» به خاطر رعایت فاصله آیات حذف شده و تقدیر آن چنین است: «أمّدکم بما تعلمون أنّها من إمداده».

2- لزوم پرهیز از مخالفت و ناسپاسی در برابر خدای نعمت دهنده

و اتّقوا الذی أمّدکم

### 15- اقرار به کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 63 - 12

12 - آدمی به هنگام شداید بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشکرین

### 16- اقرار به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 1

1 - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

وإنّ علی ذلک لشهید

### **17- اقرار کفران کنندگان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 1

ص: 10

1 - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و إله علی ذلک لشهید

### 18- امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 5

5- مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها - به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سیئات ما کسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

### 19- انذار از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 112 - 11

11- هشدار خداوند به ملت های متعم و مرفه دارای امنیت ، نسبت به کفران نعمت های او

قریه کانت ءامنه . . . فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا ی

### 20- انذار کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 1

1- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های دیگر

فلما نجاکم إلى البرّ أعرضتم . . . أفأمنتم أن یخسف بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 1

1- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أم أمتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

## 21- اهمیت اجتناب از کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 11

13 - لزوم حفظ تعادل و حد و مرز در استفاده از نعمت های الهی و پرهیز از ناسپاسی و اسراف و تبذیر در آن

كلوا من طيبات ما رزقناكم و لاتطغوا فيه

از مصادیق مهم و بارز طغیان گری در مورد نعمت ها، کفران، ناسپاسی، اسراف و تبذیر است.

## 22- بی ارزشی امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 20

20 - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتع بکفرک قليلاً

## 23- تداوم عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 36 - 7

7- عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

كذلك نجزي كل كفور

## 24- تشخیص کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 16

16 - آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فاذا مس الانسان ضرر... ثم اذا حولنه نعمه... بل هي فتنه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر و سپاس گذاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت های الهی، می تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

## 25- تفکر در فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 3، 1

1- خداوند، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم ناسپاسان نعمتهایش

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا

ص: 12



3- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم رهبران کفر و ناسپاسی

ألم تر إلى الذين .. أحلّوا قومهم دار البوار

برداشت فوق به خاطر این نکته است که به نابودی کشاندن و دچار سرنوشت شوم ساختن مردم (أحلّوا قومهم دار البوار) کار سردمداران کفر و رهبران جامعه است، نه مردم عادی.

### 26- تهدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 7

7- شرک پیشگان ناسپاس ، مورد تهدید خداوندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 4

4- معاد ، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لکنود .. لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم إذا بعث ما فی القبور

### 27- حرمت کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 14

14 - حرمت پنهان سازی نعمت های الهی به جهت ترک احسان

و یکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

### 28- خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 8

8 - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصيهم سيئات ماكسوا

## 29- خطر كفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 13

9- خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا

### 30- ذکر آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 114 - 9

9- توجه به تأثیر کفران در نابودی نعمت ها ، باعث قناعت و بسنده کردن انسان به روزی های حلال و دلپذیر و استفاده بهینه از آنهاست .

فكفرت بأنعم الله .. فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طيباً و اشكروا

### 31- رذایل کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 6

6- کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسان لربّه لکنود

### 32- زشتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 66 - 8

8 - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

### 33- زلیخا و کفران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 18

18- زلیخا، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هوفی بیتها .. إنه ربی أحسن مثنوی

در برداشت فوق، «إنه ربی ..» ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت «التی هوفی بیتها» استفاده می شود؛ یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مریی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر

ص: 14

تقاضایش تسلیم شود؛ ولی یوسف(ع) با جمله «إِنَّهٗ رَبِّی...» بیان می‌دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

### 34- زمینه کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 12

12 - کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الحمد لله الذی خلق... ثم الذین کفروا بریهم یعدلون

اگر جمله «الذین...» عطف بر «الحمد لله» و «یعدلون» به معنای «عدول» باشد، نتیجه این می‌شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می‌کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 28 - 4

4 - غفلت از زوال‌پذیری زندگی دنیایی، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک... فبأیّء الآء ربّکما تکذّبان

خداوند متعال، نخست فناپذیری زندگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب نعمت‌های حق بردارند. از این دو استفاده می‌شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دل‌بستگی به دنیا و غفلت از ناپایداری آن است.

### 35- زمینه کفران انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 18

18 - انسان، بدون تأثیرپذیری از مکتب وحی، گرفتار کفران و ناسپاسی است.

فإن أعرضوا... فإنّ الإنسن کفور

### 36- زمینه کفران دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

لیقولنّ هذا لی . . . و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنى

بنابراین که لام در «هذا لی» و «إنّ لی» افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشان را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

ص: 15

### 37- زمینه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 6

6 - رفاه و آسایش بسیار ، زمینه ساز روحیه ناسپاسی و کفران

و إذا أذقنا الناس رحمته من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 11

11- انسان ، در معرض کفران نعمت های خداوند قرار دارد .

لعلکم تشکرون

تعبیر «لعلکم» می تواند اشاره به غفلت انسانها از شکرگزاری خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 8

8- آسایش و احساس امنیت ، زمینه گرایش انسان به کفران نعمت

فلما نجحکم إلى البرّ أعرضتم وکان الإنسان کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 1

1- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و نثا بجانبه

«نثا» به معنای «بَعْد» (دوری می شود) است و «أعرض و نثا بجانبه» (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کفران نعمت های خداوند و بهره گیری از امکانات دنیوی ، حاصل و عاقبت شرک مشرکان است .

هم یشرکون . لیکفروا بما آتینهم ولیتمتّعوا

«لام» در «لیفکروا» احتمال دارد برای تعلیل و به معنای «کی» و احتمال دارد برای امر باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است. گفتنی است که مراد از «یکفرون» در آیه، به قرینه «بما آتیناهم» کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - پیدایش روحیه کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، پیامد شرک است .



یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

لام در «لیکفروا» لام عاقبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 13

13 - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

و إذا مسّ الإنسان ضررٌ .. ثمّ إذا حوّلته نعمه منه نسي ما كان يدعو إليه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 13

13 - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سيّئه بما قدّم أتديهم فإنّ الإنسان كفور

از نکره آمدن «سیّئه» - که برای تحقیر است - «کوچک ترین دشواری» استفاده شده است.

### 38- زیادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 11

11 - انسان های شاکر ، اندک اند و انسان های ناسپاس بسیار .

إمّا شاکراً و إمّا کفوراً

طبق باور برخی از مفسران، آمدن «شاکر» به صورت اسم فاعل و «کفوراً» به صورت صیغه مبالغه، می تواند گویای این حقیقت باشد که انسان هایی که به صورت کامل سپاس گزار نعمت هدایت باشند، در اقلیت بوده و افراد ناسپاس بسیاراند.

### 39- زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 5

5- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شكرتم لأزيدنكم و... إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعاً فإن الله لغنى حمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 5

5- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال .. أنا أكثر منكم مالاً و أعزّ نفراً... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 17

14 - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من کفر فإنّ الله غنیّ

به قرینه مقابله، «و من یشکر. ..» جواب شرط «من کفر» حذف شده است و «إنّ الله...» تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 7

7 - نفع و ضرر «ایمان و کفر» و «شکر و ناسپاسی» ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إن تکفروا فإنّ الله غنیّ عنکم . . . و إن تشکروا یرضه لکم

#### 40- سرزنش تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 2

2 - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسان لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

#### 41- سرزنش کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 4

4 - مردمان ناسپاس مورد سرزنش خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه . . . إذا لهم مکر فی آیاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 35 - 10

10 - سرزنش خداوند از ناسپاسانِ نعمت هایش در روی زمین

وَأَيُّ لِهَمِّ الْأَرْضِ الْمَيْتَةِ أَحْيَيْنَهَا.. أَفَلَا يَشْكُرُونَ

استفهام در جمله «أَفَلَا يَشْكُرُونَ» انکاری است و این جمله در صدد تَقْبِيح و تَوْبِيخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 5

5 - ناسپاسانِ نعمت های الهی ، مورد سرزنش خداوند

و لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ مَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در مقام سرزنش ناسپاسان است.

ص: 18

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 52 - 4

4- نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أولم يعلموا أنّ الله ييسط الرزق لمن يشاء و يقدر

استفهام در «أولم يعلموا..» از نوع استفهام انکاری - توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 6

6- کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسان لربّه لکنود

#### 42- سرزنش کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 16

16- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 18 - 6

6- ادا نکردن حق نعمت های فراوان خداوند ، نوعی نقصان و کاستی و سزاوار توبیخ و سرزنش است .

وإن تعدّوا نعمه الله لاتحصوها إنّ الله لغفور رحیم

ذکر «إن الله لغفور» پس از بیان نعمتهای فراوان خداوند، احتمال دارد از این جهت باشد که ادا نشدن شایسته حق نعمتهای خداوند، نوعی نقصان تلقی می شود و از این جهت، مایه توبیخ است. عبارت «إن الله لغفور» بیان کننده ضمنی آن نقصان و کاستی است که خداوند آن را مورد بخشایش خویش قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 27 - 6

6- تپذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إن المبذرين . . . لربّه كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 6

6 - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

ولا يرضى لعباده الكفر وإن تشكروا يرضه لكم

ص: 19

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 12

12 - کفران نعمت ، از کسی که از کرم ( جود و عفو ) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ

#### 43- سنگینی گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 13

13 - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ . . . وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

برداشت بالا به خاطر این نکته است که مقصود از «وزر» در این آیه، کفر و ناسپاسی است؛ زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

#### 44- شگفتی تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 2

2 - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ

#### 45- شگفتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 6

6 - ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی ، امری شگفت آور و به دور از منزلت آدمیان

أَفَلَا يَشْكُرُونَ

برداشت یاد شده از همزه استفهام «أفلايشكرون» - که برای تعجب است - استفاده می شود.

## 46- صفات كفران كندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 4

ص: 20



4- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأمتم أن يخسف بكم .. أم أمتم أن يعيدكم فيه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صیرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

#### 47- ضعف کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 7

7- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسه الشرّ كان يوسّاً

#### 48- ظلم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 5

5- مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه ، از ستمگران اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء

«و الذين ظلموا من هؤلاء»، هر چند اشاره به مرفهان ناسپاس در آغاز، بعثت دارد؛ ولی آیه شریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

#### 49- ظلم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 30

30- نادیده گرفتن نعمت های الهی و ناسپاسی خدا ، با ارتکاب گناه ، ظلم است .

إنه ربی أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - ناسپاسی و نادیده گرفتن نقش خداوند در برخورداری از نعمت ها ، ظلم است .

والذین ظلموا من هؤلاء

توصیف مرفهان ناسپاس به ستمگران، حاکی از مطلب یاد شده است.

ص: 21

## 50- عبرت از فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 28 - 2,4

2- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

4- سرنوشت شوم رهبران و سردمداران کفر و ناسپاسی ، درخور تأمل و شایسته پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين .. أحلّوا قومهم دار البوار

## 51- عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 2

2- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلما نجحکم إلى البرّ أعرضتم .. أم أمتم أن یعیدکم فیه تاره آخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 8

8 - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

## 52- علم به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 2,3

2 - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّ عَلِيَّ لَشَهِيدٌ

3 - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزپای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است .

وَالْعَدِيَّتُ . . . وَإِنَّ عَلِيَّ لَشَهِيدٌ

ص: 22

### 53- علم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 8

8 - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 2

2 - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسان لربّه لکنود . و إنّ علی ذلک لشهید

### 54- عمل کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 8

8 - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

### 55- عوامل تهدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 10 - 5

5 - صحنه بر ملا شدن راز ها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلا یعلم إذا .. و حصّل ما فی الصدور

### 56- عوامل کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- شرک ، مستلزم ناسپاسی انسان در برابر خالق و یگانه روزی دهنده خویش

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ . . . وَ مِنْ يَرْزُقْكُمْ ... أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ

لِحَنِّ آمِيخْتَهُ بِا تَوْبِيخِ «أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ» نِشَانِ دِهْنْدِه آن اِسْتِ كِه مِشْرِكَان بَا شَرْكِ خَوِيْشِ، كَفْرَانِ خِدَائِي كِرْدِه اَنْد كِه خَالِقِ وَ يِگَانِه رُوْزِي دِهْنْدِه اَنَانِ اِسْتِ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 23

9- ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدق عليهم إبليس ظنّه فاتّبعوه إلاّ فريقاً من المؤمنين

در عبارت «صدّق عليهم .. ظنّه» ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

### 57- غفلت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 4

4- انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أدقنه . . . ليقولنّ هذا لي

### 58- فرجام شوم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 28 - 2

2- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً وأحلّوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 17

17 - ثروت اندوزان قارون صفت و ناسپاس ، در معرض گرفتار شدن به فرجام شوم قارون

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ویکائه لايفلح الكفرون

### 59- فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذین من قبلهم . . . فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذین ظلموا من هؤلاء سیصی

8 - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ما کسبوا

ص: 24



## 60- فرجام کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 1

1- مثل و مانند آوردن خداوند ، برای ترسیم فرجام شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قریه . . . فکفرت بأنعم الله فأذقها ... بما كانوا يصنعون

## 61- کفران آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 5

5- آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا ( سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح ) وفا نکردند .

لنكونن من الشكرين. فلما آتیهما صلحاً جعلاً له شركاء

## 62- کفران ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 16 - 4

4- ابلیس عنصری ناسپاس و گستاخ در برابر خداوند

قال فیما أغویتنی

استجابت درخواست ابلیس از سوی خداوند اقتضای می کرد که وی در برابر این نعمت الهی سپاسگزار باشد. ولی او تمردی دیگر کرد و مصمم شد تا راه مستقیم الهی را بر بندگان خدا سد کند و این حکایت از گستاخی و ناسپاسی وی دارد.

## 63- کفران اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 73 - 6

6- بیشتر مردم گرفتار ناسپاسی نسبت به خدا ، علی رغم فضل و رحمت او بر آنان

وإن ربك لذو فضل على الناس ولكن أكثرهم لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 8

8 - ناسپاسی بسیار انسان ها ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لكم السمع والأبصر والأفئده

ص: 25

## 64- کفران اکثریت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 7

7 - بیشتر آدمیان، گرفتار دامها و تزویرهای ابلیس و ناسپاس در برابر خداوند هستند.

و لاتجد أكثرهم شکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 50 - 6

6 - بیشتر مردم، علی رغم برخورداری از نعمت های خداوند، دچار ناسپاسی و قدرناشناسی اند.

فأبی أكثر الناس إلا کفورًا

## 65- کفران اکثریت مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 60 - 7

7 - همواره اکثریت مردم در برابر رزق و فضل خدا، ناسپاسند.

إن الله لذو فضل علی الناس و لكن أكثرهم لایشکرون

## 66- کفران انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 63 - 12

12 - آدمی به هنگام شدايد بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 12 - 10

10 - انسان در برابر نعمت های خدا و لطف و مهربانی های او ، موجودی ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسان الضرّ دعانا .. فلما كشفنا عنه ضرّه مرّ كأن لم يدعنا إلى ضرّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 3،8

3 - انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مكر في آياتنا

مفهوم آیه این است که: انسانها به جای شکر و سپاسگزاری در برابر نعمتهایی که به ایشان عطا کرده ایم، با آیات و نشانه های ما به نیرنگورزی و توطئه برخاستند.

ص: 26

8- انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت بعثت پیامبران و تعلیمات الهی آنان

و إذا أذقنا الناس رحمته .. إذا لهم مكر في آياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 23 - 2,3

2- مردم پس از رهایی از اضطرار و خطر مرگ ، پیمان خود را با خدا می شکنند و به ناسپاسی و تجاوز از حق می پردازند .

لئن أنجيتنا من هذه لנקونن من الشكرين. فلما أنجيتهم إذا هم يبعون في الأرض بغير ال

3- انسان ، موجودی ناسپاس در برابر دستگیری های خداوند

فلما أنجيتهم إذا هم يبعون في الأرض بغير الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- اسراء - 17 - 67 - 9

9- انسان ، موجودی بس ناسپاس و حق ناشناس

و كان الإنسن كفورًا

«كفور» صیغه مبالغه و برای مبالغه در کفران نعمت (نادیده گرفتن نعمت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- حج - 22 - 66 - 5,6

5- انسان ، آفریده ای بسیار ناسپاس در برابر خداوند

و هو الذی أحياکم . .. إنّ الإنسن لكفور

«كفور» صیغه مبالغه و مشتق از ریشه «کفر» است. «کفر» گاهی در مقابل ایمان به کار می رود و گاهی در مقابل شکر. بنابراین «كفور» در جمله یاد شده، می تواند در مقابل «شکور» (بسیار سپاس گزار) و به معنای بسیار ناسپاس باشد. هم چنین می تواند به معنای بسیار بی ایمان باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

6- شرک و بت پرستی و سرباز زدن از توحید ، اوج ناسپاسی انسان در برابر خدا

و هو الذی أحياكم . . . إنَّ الإنسانَ لکفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 1,5,9,10

1 - انسان ها ، به هنگام مشاهده وزش باد های مضر و نابودکننده مزارع ، به ناسپاسی می گرایند .

و لئن أرسلنا ريحًا . . . یکفرون

«ریح» در مقابل «ریاح» در آیه چهل و نه است. معمولاً، بادهای سودمند، به صیغه جمع آورده می شوند و در صورتی که سخن از باد سوزان و مخرب باشد به صیغه مفرد می آید. قرینه مقابله و نیز واژه «مصفرّاً» - که حال برای ضمیر مفعولی «رأوه» است - مؤید این نکته اند که مراد از «ریح» بادهای سوزان و مخرب اند.

5 - انسان ها ، به محض مشاهده باد های نوید بخش باران ، بدون توجه به خدایی بودن آنها ، خوش حال می شوند ، ولی در برخورد با باد های مخرب ، ناسپاس می گردند !

فإذا أصاب به من یشاء من عباده . . . یستبشرون . . . و لئن أرسلنا ريحًا . . . یکفرون

«یکفرون» به قرینه این که سخن از نعمت و قطع شدن آن است، کفر و ناسپاسی است.

ص: 27

9- انسان ها ، با مشاهده خالی بودن ابرها از باران ، ناسپاس می شوند .

و لئن أرسلنا ريحاً فأروه مصفراً لظلّوا من بعده يكفرون

طبق آنچه که راغب، در مفردات اظهار داشته، ممکن است: «مصفراً» از ریشه «صفر» - بر وزن سفر - به معنای «خالی بودن» باشد.

10- شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب .. إذا هم يستبشرون ... و لئن أرسلنا ريحاً ... من بعده يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 15

15 - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

و وصّينا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 12

12 - گروهی از مردم ، در برابر نعمت نجات از بلا ها و خطر های مرگ آفرین ، ناسپاس اند .

فلما نجّیهم إلی البرّ فمّنهم مقتصد و ما یجحد بأیتنا إلاّ .. کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 17

17 - انسان ها ، شکرگزار نعمت های خداوند نیستند .

قلیلاً ما تشکرون

به قرینه آیه بعد - که در آن آمده است «وقالوا أءذا ضللنا ..» - «قلیلاً» می تواند به معنای نفی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 13، 9

9- انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

وإذا مسّ الإنسان ضرّاً دعا ربّه .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسي ما كان يدعوا إليه

13 - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

وإذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسي ما كان يدعوا إليه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 13

13 - ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترک میان آنان

إنّ الله لذو فضل على الناس و لكنّ أكثر الناس لا يشكرون

تصریح به لفظ «ناس» در جمله «و لكن أكثر الناس لا يشكرون» به جای ضمیر «هم» - که به «الناس» قبل بازمی گردد - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

ص: 28



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 10، 7، 1

1 - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

«ال» در «الإنسان» برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. «کنود»، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای «عاصی» به کار می برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

7 - خداوند ، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسباب تیز پای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العديت . . . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

10 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): « إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ » قال : لكفور الذی يأكل وحده ، و يضرب عبده و يمنع رفْده ؛

رسول خدا(صلى الله عليه وآله) [آیه] «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» را تلاوت کرده فرمود: [«لكنود» یعنی] ناسپاس، همان که به تنهایی غذا می خورد و غلام خود را می زند و از بخشش امتناع میورزد».

## 67- کفران انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 6

6 - ناسپاسی آدمیان در برابر خدا آرزوی ابلیس در اغواگریهای خویش

ثم لأتینهم . . . ولاتجد أكثرهم شكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 1

1- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگری می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و ثنا بجانبه

«نثا» به معنای «بَعْد» (دوری می شود) است و «أعرض و نثا بجانبه» (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 13

13 - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتی ناسپاس اند .

ثم إذا خولنه نعمه متا قال إنما أوتيته على علم

مؤثر دانستن دانش و تلاش خود به عنوان عامل اصلی برخورداری، نوعی ناسپاسی در برابر صاحب اصلی نعمت ها (خداوند کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 51 - 1

ص: 29

1 - اعراض و روی گردانی انسان از خداوند ، پس از دستیابی به نعمت

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض ونا بجانبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 15، 13

13 - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سيئه بما قدمت أيديهم فإن الإنسان كفور

از نکره آمدن «سیئه» - که برای تحقیر است - «کوچک ترین دشواری» استفاده شده است.

15 - انسان ، موجودی کم ظرفیت ، کوتاه بین و ناسپاس است .

و إنا إذا أذقنا .. و إن تصبهم ... الإنسان كفور

این که انسان در برخورد با اندک نعمت و یا سختی، تغییر روحیه می دهد، نشانه کم ظرفیتی او است و این که به امکان تغییر و تحول شرایط رفاه نمی اندیشد و به آن دلخوش است، نشانگر کوتاه نظری او است.

### 68- کفران بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 60 - 10

10 - تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لایشكرون

### 69- کفران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 51 - 12

12 - بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجينكم و أغرقنا آل فرعون .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظالمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 52 - 7

7 - بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند .

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 56 - 5

ص: 30

5- بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 16, 17, 13

13 - قوم موسی در برابر نعمت های الهی ، مردمی ناسپاس بودند .

ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «ما ظلمونا و لکن . . .» در ارتباط با فرازهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، لحاظ شود.

16 - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از دستورات خداوند ، هیچ زیانی را متوجه ساحت قدس خدا نکرد .

و ما ظلمونا

17 - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خودشان روا داشتند .

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 38, 19

19 - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی ( منّ و سلوی )

لن نصبر علی طعام وحد . . . قال أئتبدلون الذی هو أدنی

38 - داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر « منّ » و « سلوی » و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ قلتُم یموسی لن نصبر . . . و ضربت علیهم الذله ... و کانوا یعتدون

«إذ قلتُم . . .» مفعول برای «أذکروا» (به یاد آوردن) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 24 - 7

7- قوم موسی (ع)، مردمی لجوج، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه الله علیکم .. قالوا یموسی انا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 15، 12

12 - بنی اسرائیل مردمی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و جوزنا ببنی اسرائیل البحر .. قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً

بیان این حقیقت که گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا فاصله چندانی با نجات آنان از دست فرعونیان و عبور معجزه آسای ایشان در دریای سرخ نداشت، اشاره به این دارد که بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند.

15 - بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی اسرائیل البحر .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ

ص: 31

الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع «تجهلون» بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 28,29,30

28 - قوم موسی ناسپاس در برابر نعمت های عطا شده به آنان ( جوشیدن چشمه های آب برای آنان و . . . )

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «و ما ظلمونا و لکن . . .» در ارتباط با تمامی قسمتهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، ایراد شده باشد.

29 - قوم موسی با ناسپاسی و تخلف از دستورات خداوند هیچ زبانی را متوجه ساحت قدس او نکردند .

و ما ظلمونا

30 - ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قَطَعْنَهُمْ . . . و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 5,6,9,12

5 - بنی اسرائیل در عین برخورداری از زندگی مناسب ، به جای اتحاد و حفظ حقوق یکدیگر ، آگاهانه به اختلافات داخلی دامن زده و به حقوق یکدیگر تجاوز می کردند .

و لقد بؤأنا بنی اسرائیل مَبْؤاً صدق . . . فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

6 - بنی اسرائیل ، با وجود در اختیار داشتن تورات و برخورداری از زندگی مناسب ، کفران نعمت کرده و به اختلاف و تجاوز به حقوق یکدیگر پرداختند .

و لقد بؤأنا بنی اسرائیل مَبْؤاً صدق . . . فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از «العلم» کتاب آسمانی تورات باشد.

9 - اختلاف بنی اسرائیل ، پس از رهایی از حکومت فرعون و برخورداری از مسکن و روزی مناسب ، ناسپاسی نعمت های الهی بود .

و لقد بؤنا بني إسرائيل . . . فما اختلفوا حتى جاءهم العلم

12 - خداوند ، بني اسرائيل را به خاطر ناسپاسی ها و ایجاد اختلاف ، سرزنش کرده و به کیفر اخروی تهدید فرمود .

و لقد بؤنا بني إسرائيل مَبْوًا صدق . . . فما اختلفوا حتى جاءهم العلم إن ربك يقضي ب

### 70- کفران ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 7 - 6

6 - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

ص: 32



الأكرم . الذي علم ... كلاً إنَّ الإنسانَ ليطغى . أن رءاه استغنى

### 71- کفران حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 5

5- آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنكونن من الشكرين . فلما آتاهما صلحاً جعلاً له شركاء

### 72- کفران خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 6

6 - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و محبت خداونداند .

إنَّ اللهَ لا يحبُّ كلَّ خَوَّانٍ كفورٍ

### 73- کفران در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 10

10 - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب ... إذا هم يستبشرون ... ولئن أرسلنا ريحاً ... من بعده يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 63 - 12

12 - آدمی به هنگام شدايد بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

### 74- کفران دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 3,4

3 - دشمنان اسلام ، ناسپاس در برابر نعمت اسلام و مظاهر ربوبیت خداوند

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

ص: 33

4- ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العدیت . . . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 4

4- انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت . . . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّ عَلِيَّ لَشَهِيدٌ

### 75- کفران دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 6

6- ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دلبستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی توجهی آنان به معاد

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ .. أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

### 76- کفران دشمنان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 8

8- خصومت کنندگان با اهل ایمان ، مردمی خیانتکار و ناسپاس اند .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ .. إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

### 77- کفران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 8

8- انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت بعثت پیامبران و تعلیمات الهی آنان

و إِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَهُ .. إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا

## 78- کفران رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 8

ص: 34

8- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه «الذین بدلّوا .. و أحلّوا قومهم» سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

### 79- کفران رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 28 - 8

8- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه «الذین بدلّوا .. و أحلّوا قومهم» سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

### 80- کفران سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 14

14 - سامری ، فردی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند و بی توجه به الطاف و کمک های ویژه او

فنسی

چنانچه ضمیر فاعلی «نسی» به سامری برگردد، مراد از فراموشی سامری، بی توجهی او به عنایات الهی در نجات از فرعونیان و نزول «منّ و سلوی» و نظایر آن خواهد بود.

### 81- کفران شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 27 - 3

3- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشيطان لرّبه كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 6

6- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

«عصی» برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

ص: 35

## 82- کفران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 10، 3، 7

3 - سبأیان ، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربّنا بعد بین أسفارنا و ظلموا أنفسهم

7 - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم . . . و مزّقنهم كلّ ممزّق

«مزق» در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

10 - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد كان لسيا في مسكنهم آية جتّان . . . بلده طيبة ... فقالوا ربّنا بعد بين أسفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 20 - 9

9 - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدّق عليهم إبليس ظنّه فاتّبعوه إلاّ فریقاً من المؤمنین

در عبارت «صدّق عليهم .. ظنّه» ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است.

بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

## 83- کفران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 135 - 1

1 - تأکید هود (ع) بر بیمناک بودن درباره سرنوشت قومش ، به خاطر بی تقوایی و ناسپاسی آنان

فاتّقوا الله . . . الذی أمّدکم ... إتی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

## 84- کفران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 14 - 3

3- نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از «لمن کان کفر» نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

ص: 36



## 85- کفران کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 5

5- ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمٰنهم ... للّٰجوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 36 - 8

8 - کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم .. کذلک نجزی کلّ کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 70 - 4

4 - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرءیتم الماء .. فلولاً تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 7

7 - استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشکرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

## 86- کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 8

8- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند.

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً وأحلوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه «الذین بدلوا .. و أحلوا قومهم» سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

ص: 37

## 87- کفران کنندگان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 7

7- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسه الشرّ كان يوسّاً

## 88- کفران کنندگان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 17

17 - واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمت رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ینقلب علی عقبیه . . و سیجزی الله الشاکرین

مفهوم جمله «و سیجزی الله الشاکرین» این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

## 89- کفران مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 22

22- مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید ، ناسپاسند .

ذلک من فضل الله علینا و علی الناس و لکنّ اکثر الناس لایشکرون

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: 1 توحید (ما کان لنا أن نشکر . . .)، 2- وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم ...). برداشت فوق، ناظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

## 90- کفران مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنائی کردند .

و لقد صرفنه بينهم ليدّكروا فإلبي أكثر الناس إلاّ كفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

ص: 38

## 91- کفران مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 55 - 4, 5, 1

1- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

«لام» در «لیکفروا» احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکر است به تناسب «ما ءاتیناهم» مراد از «یکفروا» کفران است.

4- مشرکان ناسپاس ، مورد تهدید شدید خداوند

بربهم یشرکون . لیکفروا ... فتمتعوا فسوف تعلمون

5- مشرکان ناسپاس ، علی رغم کفران نعمت های الهی ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 83 - 1

1- مشرکان ، علی رغم شناخت نعمت های الهی ، آن را عملاً انکار می کنند و راه ناسپاسی می پیمایند .

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها

در این آیه انکار در مقابل عرفان و شناخت قرار گرفته است و این می رساند که مراد از انکار نعمت، انکار عملی است نه ذهنی و اعتقادی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 9, 10

9- مشرکان ، به رغم کفران نعمت های الهی ، از آن نعمت ها ، برخوردار می شوند و مهلت زندگی می یابند .

فتمتعوا فسوف تعلمون

10 - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطلع خواهند شد .

## 92- کفران مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 83 - 2،3

2- بیشتر مشرکان صدراسلام، با وجود آگاهی از نعمت های الهی، راه ناسپاسی پیمودند و کافر شدند.

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها وأكثهم الكفرون

3- بیشتر مشرکان صدراسلام، علاوه بر انکار عملی نعمت های الهی، به زبان نیز کفر میورزیدند.

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها وأكثهم الكفرون

انکار و ناسپاسی نعمتهای الهی یا با زبان است و یا با عمل. جمله «ثم ينكرونها» می تواند گویای کفران عملی و جمله «وأكثهم الكافرون» بیانگر ناسپاسی با زبان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 9

9- شرک پیشگان حق ستیز عصر بعثت ، مردمانی خیانت کار و ناسپاس بودند .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

### 93- کفران مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 1

1 - بهره مندی مشرکان مکه از موهبت های الهی ، به رغم بی اعتنائی آنان به آیین توحیدی ابراهیم (ع)

و إذ قال إبراهيم .. لعلهم يرجعون . بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم

از آن جا که در آیات پیشین سخن از ابراهیم(ع) و نسل آن حضرت بود و با توجه به این که مشرکان مکه از نسل او به شمار می آمدند، می توان گفت که «هؤلاء» اشاره به مشرکان مکه دارد.

### 94- کفران منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 147 - 3

3- منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ .. مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ و ءَامَنْتُمْ

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

### 95- کفران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 19 - 3,4

3- قتل مرد قبطی توسط موسی (ع) ، نشانه ناسپاسی و کفران نعمتی بزرگ در نظر فرعون

و فعلت فعلتک . . و أنت من الکفرین

مراد فرعون از «و أنت من الکفرین» ناسپاسی موسی (ع) در قبال خدمات گذشته وی به او می باشد.

4- تلاش فرعون برای تکذیب موسی (ع) با یادآوری ارتکاب قتل و ناسپاسی وی

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

ص: 40



## 96- کفران نسبت به مربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 18 - 6

6- ناسپاسی به پرورش دهنده خویش ، ناشایست و ناپسند است . \*

الذین كفروا برّهم أعمالهم کرماذ اشتدّت به الریح

اضافه «رب» به ضمیر «هم»، که مرجع آن «الذین کفروا» است، احتمالاً اشاره به این دارد که آنان به پروردگار خود کافر شدند و از این رو اعمالشان حبط شد. چنین اضافه ای می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 27 - 7

7- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

وكان الشیطن لربّه کفورًا

## 97- کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 51 - 12

12 - بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجینکم و أغرقنا آل فرعون . . . ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 56 - 5

5 - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 19

19 - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی ( منّ و سلوی )

لن نصبر علی طعام وحد . . . قال أتستبدلون الذی هو أدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 152 - 9

9 - ابو عمرو زبیری از امام صادق ( ع ) روایت کرده است که آن حضرت فرمود : « الوجه الثالث من الکفر کفر النعم و ذلک قوله تعالی . .  
. فاذکرونی أذک --- رکم و اشکروالی و لاتکفرون . . . » ;

ص: 41

وجه سوم از اقسام کفر، کفران نعمت است و این است سخن خداوند که می فرماید: .. فاذكروني اذكرکم واشكروا لی ولا تکفرون ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 140 - 5,6

5 - موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

6 - گرایش به شرک ، ناسپاسی به نعمت های خداوند است .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 31

31 - تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 22

22 - مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید ، ناسپاسند .

ذلک من فضل الله علینا و علی الناس و لکن اکثر الناس لایشکرون

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: 1 توحید (ما کان لنا أن نشکر ..)، 2- وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم ...). برداشت فوق، ناظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 11

11 - « قال هارون لأبی الحسن موسی (ع) نحن کفار؟ قال: لا و لکنّ کما قال الله: « ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفراً و أحلّوا قومهم دار البوار » ...»

هارون به امام کاظم (ع) گفت [آیا] ما کافریم؟ آن حضرت فرمود: خیر بلکه آن گونه [هستید] که خدا می فرماید: «ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 18

18 - سرشت انسان با نوعی از ظلم به خویشان و ناسپاسی عجیب است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 55 - 1,5

ص: 42

1- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

برَّهْمَ یَشْرکُونَ . لیکفروا بما ءاتینهم

«لام» در «لیکفروا» احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکر است به تناسب «ما ءاتیناهم» مراد از «لیکفروا» کفران است.

5- مشرکان ناسپاس ، علی رغم کفران نعمت های الهی ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

برَّهْمَ یَشْرکُونَ . لیکفروا بما ءاتینهم فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 71 - 10

10- شرک به خدا ، کفران نعمت های اوست .

أفینعمه الله یجحدون

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه مشرکان مکه می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 12

12- نادیده گرفتن آثار وجود خداوند در مظاهر هستی ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

والله جعل لکم .. بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 5

5- پرستش غیر خدا ، ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی است .

أفبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون . و یعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 113 - 3

3- تکذیب رسولان و رهبران الهی، ناسپاسی نعمت های خداوندی است .

فكفرت بأنعم الله . . . و لقد جاءهم رسول منهم فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 114 - 6،7

6- استفاده از چیز های حرام، کفران نعمت های الهی است .

يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله . . . فكلوا مما رزقكم الله حلالا

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که «كلوا مما .. حلالاً طيباً» اشاره داشته باشد به اینکه کفران یاد شده در آیه قبل، استفاده از حرام بوده است.

7- تحریم روزی های حلال و دلپذیر و بهره نگرستن از آنها، کفران نعمت های الهی است .

فكفرت بأنعم الله . . . فكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً

با توجه به اینکه آیه بعد، خوردنیهای حرام را در چند چیز محدود کرده است، معلوم می شود که مراد از «کفران» حرام

ص: 43

کردن حلالها و استفاده نکردن از آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 27 - 3,5,7

3- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و کان الشیطن لربّه کفورًا

5- تبتیر ( ریخت و پاش و به هدر دادن امکانات ) ، کفران نعمت های الهی است .

إن المبتدّرین كانوا إخوان الشیطین و کان الشیطن لربّه کفورًا

7- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و کان الشیطن لربّه کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 89 - 8

8- انکار قرآن با وجود دلایل حقانیت و بی ماندی آن ، ناسپاسی بس بزرگ و غیر قابل توجیه است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «کفور» به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 6,8,9

6- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت ها و رحمت واسعة او است .

إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًا

«عصی» برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

8- اطاعت از شیطان ، ناسپاسی و قدرناشناسی رحمت واسعة الهی است .

لا تعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًا

«رحمن» صیغه مبالغه و از نام های خداوند است. تکیه بر این نام در جمله «کان للرحمن...» به منزله تعلیلی بر زشتی کار شیطان است، زیرا عصیان کردن او در برابر دارنده رحمت واسعه و اصرار بر آن نشانه ناسپاس بودن او است. و جمله «لاتعبد...» دلالت دارد که هر کس از شیطان تبعیت نماید، او نیز چنان خواهد بود.

9- اطاعت و پیروی از گنه پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند، امری ناروا و ناسپاسی نعمت های او است.

لاتعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 5

5- دشمنی با دین خدا، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است.

إنّ الله یدفع .. إنّ الله لایحبّ کلّ خوآن کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 6

ص: 44



6 - کفر به یگانگی خدا - در عین برخورداری از امکانات دنیوی - بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است .

وقال الملائ من قومه الذين كفروا . . . و اترفنهم فى الحيوه الدنيا

عبارت «و اترفنهم» حال است برای فاعل «كفروا»؛ یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 8

8 - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و انّ الذين لا يؤمنون بالأخره . . . و لورحمنهم . . . فى طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 117 - 11

11 - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

و من يدع مع الله . . . انّه لا يفلح الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 50 - 9

9 - اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنائی کردند .

و لقد صرفنه بينهم ليذكروا فآبى أكثر الناس إلا كفورا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 28

28 - « عن أبى عبد الله (ع) قال . . . الوجه الثالث من الكفر النعم و ذلك قوله تعالى يحكى قول سليمان « هذا من فضل ربى ليبلونى ءأشكر أم أكفر . . . » ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: ..قسم سوم از اقسام کفر، کفران نعمت ها است و این سخن خداوند متعال است که از زبان سلیمان(ع) حکایت می کند: «... لیلونی ءأشکر أم أکفر».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 5

5 - بازگشت رهیدگان از ناملایمات ، به شرک ، کفران نعمت های خدا است .

فَلَمَّا نَجَّيْهِم إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ . لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 10

10 - مشرکان مکه ، به خاطر ناسپاسی نعمت های الهی ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا . . . أَفَبِالْبَطْلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ

ص: 45

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 2

2 - بازگشت رهیدگان از ناملایمات به شرک ربوبی ، کفران نعمت های خداوند است .

بربهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

به قرینه «ما آتیناهم» مراد از «لیکفروا» کفران نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 46 - 18

18 - انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلکم تشکرون

«لعلّ» از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 13

13 - کفران نعمت های الهی ، هیچ تأثیری بر خداوند ندارد .

و من کفر فإنّ الله غنی حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 15

15 - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

و وصّینا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 19

19 - چشم بستن بر مظاهر وجود خدا و پرداختن به جدال های جاهلانه درباره او ، کفرانِ نعمت است .

ألم تروا أنّ الله... وأسبغ عليكم نعمه... و من الناس من يجدل في الله بغير

ذكر «و من الناس...» پس از بیان آیات خداوند - که از جمله آنها و فور نعمت بود - می تواند اشاره به نکته مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 74 - 2

2 - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است .

أفلا يشكرون . و اتّخذوا من دون الله ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل - که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است - و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید؛ یعنی، شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 46

22 - شرک به خدا و اطاعت از غیر او ، کفران نعمت خدا و ناسپاسی او است .

و الذین اتّخذوا من دونه اولیاء .. . إنّ الله لایهدی من هو کذب کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - کفر و شرک ، کفران نعمت های الهی است .

إن تکفروا فإنّ الله غنی عنکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مقصود از کفر در «إن تکفروا» - به قرینه مقابله با «إن تشکروا. ..» - کفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین یاد کردن خداوند از کفران و مشرکان به ناسپاسان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه .. . ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه

15 - شرک به خداوند ، کفران نعمت های الهی است .

ثمّ إذا خوّله نعمه منه .. . و جعل لله أنداداً

«ندّ» (مفرد «انداد») به معنای مثل و نظیر است و مقصود از آن شریک در کار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلا آفرین است .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه متّأ قال إنّما أوتیته علی علم بل هی فتنه

یکی از موارد کاربرد «فتنه»، محنت و بلا- است و برداشت بالا- مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از

آسودگی و نعمت‌ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست؛ بلکه در دنیا و آخرت نعمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد - که از رویه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخوردار می‌گویی - مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 15، 13

13 - ناسپاسی، رفتاری ریشه دار در انسان‌ها و خصلتی مشترک میان آنان

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

تصریح به لفظ «ناس» در جمله «و لکن اکثر الناس لایشکرون» به جای ضمیر «هم» - که به «الناس» قبل بازمی‌گردد - می‌تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

15 - عبادت غیر خدا و حاجت خواهی از غیر او، کفران نعمت‌های الهی است .

قال ربِّکم ادعونی أستجب لکم .. . الله الذی جعل لکم الیل ... و لکن اکثر الناس

ص: 47

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 14

14 - غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

ليقولنّ هذا لي . . . و لئن رجعت إلى ربّي إنّ لي عنده للحسنى

بنابراین که لام در «هذا لی» و «إنّ لی» افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخوردار از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشان را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 20

20 - نسبت دادن ناگواری ها و سختی های زندگی به خداوند ، کفران و ناسپاسی است .

بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

خداوند با تصریح به «بما قدّمت أیدیهم»، درصدد رفع این اندیشه باطل است که معمولاً انسان های سطحی، مشکلات زندگی خود را به او نسبت می دهند و احتمال نمی دهند که نتیجه کارهای خودشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 8

8 - ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

فإنّ الإنسن کفور . . . یهب لمن یشاء إنثاً و یهب لمن یشاء الذکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 7

7 - پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له . . . إنّ الإنسن لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 14 - 3

3 - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعيننا جزاء لمن كان كفر

مراد از «لمن كان كفر» نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 70 - 4

4 - نکوهش کفران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرء یتیم الماء . . . فلولا تشکرون

ص: 48



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 23 - 6

6 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله «إلا من تولّى و كفر» يريد من لم يتعظ و لم يصدّقك و جحد ربوبيتي و كفر نعمتي ... »؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «إلا من تولّى و كفر» روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تورا [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 7 - 6

6 - گرفتاری به طغیان، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است.

الأكرم . الذی علم ... کلاً إنّ الإنسان لیطغی . أن رءاء استغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 7، 1

1 - انسان، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسان لربّه لکنود

«ال» در «الإنسان» برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. «کنود»، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای «عاصی» به کار می برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

7 - خداوند، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها، به اسباب تیز پای مجاهدان سوگند یاد کرده است.

و العدیت .. إنّ الإنسان لربّه لکنود

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 254 - 13

13 - خودداری از انفاق، کفران نعمت و ستمگری است.

انفقوا ممّا رزقناکم . . . و الکافرون هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 276 - 5,6,9

5 - ناسپاسان از نعمت ها و گنهکاران ، محروم از محبت الهی

و الله لا يحبّ کل کفّار اثم

6 - رباخواران ، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبت الهی

يمحق الله الربوا . . . و الله لا يحبّ کلّ کفّار اثم

کلمه «کفّار» (بسیار ناسپاس) و کلمه «اِثم» (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

ص: 49

9 - رباخواری ، ناسپاسی شدید نعمت و گنهکاری است .

يَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبْوَا .. وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اِثْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 106 - 10

10 - کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسیاهی در قیامت \*

و اذکروا نعمت اللّٰه .. فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتهم بعد ایمانکم

بنابراینکه «اکفرتهم» به معنای کفران نعمت باشد. و به مقتضای ارتباط با آیات قبل مراد از نعمتهای کفران شده همان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 17، 12، 11، 5، 4

4 - خداوند کسانی را که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند ، دوست ندارد .

و بالوالدین احساناً .. و یکتمون ما اتیهم اللّٰه من فضله

5 - فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون .. و یکتمون ما اتیهم اللّٰه من فضله

11 - کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الذین یبخلون .. ما اتیهم اللّٰه ... و اعتدنا للکافرین

12 - بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذین یبخلون و یأمرون النّاس بالبخل .. و اعتدنا للکافرین

17 - بخلورزی ، کفران نعمت های الهی است .

الذین یبخلون .. و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

با توجه به معنای لغوی کافر (ناسپاس)، می توان گفت مراد از کافران، ناسپاسان هستند که مصداق آن در آیه، همان بخیلانند.

## 98- کفران نعمت اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 11

11 - بیشتر مردم، نسبت به نعمت‌ها و احسان‌های خداوند، شاکر و سپاس‌گزار نیستند.

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

## 99- کفران نعمت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 13، 14

ص: 50

13- انسان در برابر نعمت های بیکران الهی ، بسیار ستم پیشه و ناسپاس است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظّلم كفّار

«ظلم» و «کفار» صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

14- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظّلم كفّار

مقصود از «ظلم» بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

### 100- کفران نعمت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 112 - 5

5- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه یأتیها رزقها رغداً . . . فکفرت بأنعم الله

### 101- کفران نعمت قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبا - 34 - 17 - 1

1 - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّناهم بجنّتهم . . . ذلك جزینهم بما کفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش ، احتمال دارد مراد از «کفروا» کفران باشد.

### 102- کفران نعمت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 9

9 - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

### 103- كفران نعمت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 50 - 3,4

3 - ناسپاسی انسان ها در برابر آسودگی ها و نعمت های الهی ، دارای پیشینه طولانی در تاریخ قشر مرفه و متنعم جامعه

ص: 51

قال إنّما أُوتيته على علم . . . قد قالها الذين من قبلهم

4- همسانی طرز تلقی مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنّما أُوتيته على علم . . . قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 7

7- همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم . . . فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

### 104- کفران نعمت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 4

4- مشرکان ، به رغم کفران نعمت های خداوند ، از امکانات و وسایل آسایش در دنیا ، بهره مندند .

هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم وليتمتعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 20

20- مشرکان ، مردمی دروغ پرداز و ناسپاس

و الذين اتّخذوا من دونه أولياء . . . إنّ الله لا يهدي من هو كذب كفّار

### 105- کفران نعمت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 8

8- مشرکان مکه ، به نعمت های خداوند ، کفر ورزیدند .

هم يشركون . . . و بنعمه الله يكفرون

## 106- کیفر دنیوی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 2

2- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلما نجحکم إلى البرّ أعرضتم .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره آخری

ص: 52



## 107- کیفر کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 147 - 3

3 - منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا، مستحق عذاب دوزخند .

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ . . . مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

## 108- کیفر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 4

4- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنس كفورًا. أفأمنتم أن يخسف بكم ... أو يرسل عليكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 8

8 - خداوند، جز کفران کنندگان را مجازات نمی کند .

و هل نجزي إلا الكفور

استفهام در این آیه، انکاری به معنای نفی بوده و مفید برداشت یاد شده است.

## 109- کیفر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 55 - 6

6- مشرکان ناسپاس، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

بربهم یشرکون . . . فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 7،17

7- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . \*

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

ص: 53

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «اذاق» اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و «لباس» اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

17- «عن أبي عبدالله (ع) قال: ... ان أهل قرية ممن كان قبلكم كان الله قد أوسع عليهم حتى طغوا فقال بعضهم لبعض: لو عمدنا إلى شيء من هذا النقي فجعلناه نستنجي به كان ألين علينا من الحجاره فلما فعلوا ذلك بعث الله على أرضهم دواباً أصغر من الجراد فلم يدع لهم شيئاً خلقه الله... إلا أكله من شجر أو غيره فبلغ بهم الجحد إلى أن أقبلوا على الذي كانوا يستنجون به فأكلوه و هي القرية التي قال الله: «ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنه مطمئنه يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون»؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: .. قبل از شما اهل قریه ای بودند که خداوند در زندگی به آنان کشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعضی دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نانها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده های کوچک تر از ملخ را بر سرزمینهای آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند آفریده بود از درخت و غیر آن خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نانهایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قریه ای است که خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 10

10 - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطلع خواهند شد .

برتھم یشرکون ... فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 7

7 - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم .. و مزقنهم كل ممزق

«مزق» در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرين).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 5

5 - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها - به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سيئات ما كسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 6

6 - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسن ما أكفره

مراد از «کفر» در «ما أكفره» ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین

ص: 54

«قتل الإنسان» در معنای عرفی آن - که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد - استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 9

9 - عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند .

و یکتُمون ما اتیهم اللّٰه من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

### 110- گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 19

19 - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا .. و من یحلل علیه غضبی فقد هوی

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 9

9 - کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزی إلاّ الکفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 77 - 6

6 - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فبأیّء الآء ربّکما تکذّبان

از ده ها بار تکرار «فبأیّء الآء ..» در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 4 - 3

3 - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ .. إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ ... سَعِيرًا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

### **111- مراتب کفران نعمت**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 55

8 - کفر، ناسپاسی شدید است و کافران، مردمی بس ناسپاس اند.

والذین کفروا لهم نار جهنم .. کذلک نجزی کلّ کفور

### 112- مرفهان کفران کننده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 5

5 - مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه، از ستمگران اند.

والذین ظلموا من هؤلاء

«والذین ظلموا من هؤلاء»، هر چند اشاره به مرفهان ناسپاس در آغاز، بعثت دارد؛ ولی آیه شریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

### 113- مشکلات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 4

4 - انسان ناسپاس و خودخواه، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

ولئن أذقته .. ليقولنّ هذا لی

### 114- مکر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 16

16 - منکران آیات الهی، جز دغلكاران ناسپاس نیستند.

وما یجحد بآیتنا إلاّ کلّ ختار کفور

### 115- ممنوعیت اطاعت از کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 7

7 - ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

ص: 56



## 116- منشأ کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 27 - 4

4 - محبت و دل‌بستگی به دنیا، سرچشمه گناه، کفر و ناسپاسی است.

و لا تطع منهم ءاثمًا أو كفورًا .. إن هؤلاء یحبّون العاجله

## 117- موارد کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 64 - 6

6 - شرک، مصداق کامل ناسپاسی به درگاه خداوند است.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشکرین. قل الله ینجیکم ... ثم أنتم تشرکون

روشن است که مصداق ناسپاسی آدمی فراوان است. کاربرد جمله «ثم أنتم تشرکون» به جای «تکفرون» و یا «ما تشکرون» به این نکته اشعار دارد که شرک بارزترین مصداق ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 8

8 - پیروی از ابلیس، ناسپاسی در برابر خداوند است.

ثم لأتینهم من بین أیدیهم .. و لا تجد أكثرهم شکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 15

15 - رویکرد به خدا در بلاها و اعراض از او پس از نجات، دغلكاری و ناسپاسی است.

فلما نجّیهم إلی البرّ .. و ما یجحد بأیتنا إلا کلّ ختار کفور

## 118- موارد کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 8

8 - تبعیت از ولایت‌های غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمت‌های اوست.

و لا تتبعوا من دونه أولياء .. قليلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 8

ص: 57

8 - بهره جویی های ظالمانه از دنیا ، ناسپاسی در برابر خداست .

لئن أنجيتنا من هذه لنكوننَّ من الشكرين. فلما أنجيتهم إذا هم ييغون في الأرض بغير ال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 60 - 10

10 - تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 10

10 - ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه ، در عین برخورداری از رفاه و آسایش ، کفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبعواً صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 24

24- ارتکاب گناه ، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی است .

قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 25

25- شرک ورزی ، ناسپاسی در برابر خداست .

و لكن أكثر الناس لا يشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 7 - 14

14- « عن الصادق (ع) : ... إن الكبائر ... کفران النعمه « و لئن کفرتم إن عذابی لشدید » ... » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در بیان گناهان کبیره فرمود: .. همانا از گناهان کبیره ... کفران نعمت است [خداوند می فرماید]:  
و لئن کفرتم إن عذابی لشدید...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 30 - 1

1- شرک به خدا، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا .. و جعلوا لله أندادًا

جمله «و جعلوا لله أندادًا» عطف بر جمله «بدلوا نعمت الله ..» است و می تواند بیان و تفسیر برای چگونگی تبدیل نعمت الهی باشد.

ص: 58

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 7

7 - به کار نگرفتن عقل در جهت شناخت حق و صراط مستقیم ، مصداق بارز ناسپاسی

و إنا لندعوهم إلى صراط مستقیم . . . أنشأ لكم السمع ... قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 66 - 6

6 - شرک و عبادت غیر خدا ، ناسپاسی پروردگار است .

بل الله فاعبد و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 9

9 - پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إنا هدینه السبیل إنا شاکراً و إنا کفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 8 - 5

5 - افتخار بر دیگران در امتیازات مادی ، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است .

ألهیکم التکاثر . . . ثم لتسنلن یومئذ عن النعیم

### 119- موانع کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 10 - 4

4 - توجه به برملا شدن خصلت ها و علاقه ها در قیامت ، بازدارنده انسان از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به ثروت

لکنود . . . أفلا یعلم إذا ... و حصل ما فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 4

4 - توجه به آگاهی دقیق خداوند از اسرار درونی انسان ، بازدارنده او از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به مال

لکنود . . . لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ . أَفَلَا يَعْلَمُ ... إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ

### 120- موانع کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 5

ص: 59

5- توجّه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أكفّره . من أيّ شيء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر - در آیه قبل - کفران نعمت دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 24 - 4

4- توجّه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أكفّره . . . فلینظر الإنسن إلی طعامه

چنانچه «کفر» در «ما أكفّره» به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 30 - 3

3- توجّه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أكفّره . . . فلینظر الإنسن ... حدائق غلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 31 - 3

3- توجّه به باغ های میوه و مرغزار ها ، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أكفّره . . . وفكهه و آبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 5

5- توجّه به ربوبیت و مدبّر بودن خداوند ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ها است .

لربّ لکنود

تقدیم «لربّه»، بیانگر اهتمام به آن است؛ یعنی، شگفتا که انسان با آن که خداوند «ربّ» و «مدبّر» او است، به کفران نعمت او رو آورده

است!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 3

3 - لحظه خروج مردگان از قبرها در قیامت ، وحشت انگیز و توجه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دل‌بستگی شدید به ثروت است .

لکنود . . . أفلا يعلم إذا بعثر ما فی القبور

ص: 60



## 121- موجبات عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 1

1 - گرفتار شدن قشر مرفه و ناسپاس ملت های گذشته به عذاب و پیامد های ناگوار رفتار بد خود

إذا خولنه نعمه متّا .. فأصابهم سيّئات ماكسبوا

## 122- مؤاخذه بر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 5

5 - انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لكنود .. لحبّ الخير لشديد . أفلا يعلم ... إنّ ربّهم بهم يومئذ لخبير

هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

## 123- ناپایداری امکانات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 20

20 - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کفران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تتمّع بکفرک قليلاً

## 124- ناپسندی کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 18 - 6

6- ناسپاسی به پرورش دهنده خویش ، ناشایست و ناپسند است . \*

الذین کفروا برّهم أعمالهم کرماد اشتدّت به الريح

اضافه «رب» به ضمیر «هم»، که مرجع آن «الذین کفروا» است، احتمالاً اشاره به این دارد که آنان به پروردگار خود کافر شدند و از این رو اعمالشان حبط شد. چنین اضافه ای می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 8

8 - ناسپاسی کردن و کفر ورزیدن ، به هنگام مواجه شدن با امور ناخوشایند ، امری ناپسند و مذموم است .

و لئن أرسلنا . . . یکفرون

آیه، در صدد سرزنش کسانی است که با مشاهده بادهای مخرب ناسپاسی می کنند. از توبیخ و سرزنش، به دست می آید که

ص: 61

چنین حالتی، شایسته نیست.

### 125- ناپسندی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 16

16- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان، امری بس نکوهیده و ناپسند است.

وإن تعدوا نعمت الله لاتحصوها إنَّ الإنسان لظَلوم كَفَّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 12

12 - ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی، امری نکوهیده اند.

أفبالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 6

6 - کفران نعمت، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس، فردی مذموم است.

إنَّ الإنسان لربه لکنود

### 126- نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 19 - 5

5 - قتل نفس و ناسپاسی نعمت، دور رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التي فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد - که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد - مؤید برداشت یاد شده است.

## 127- نشانه های کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 6

6- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم... فيغرقكم بما كفرتم

ص: 62

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 10، 9

9- بی توجهی به نعمت های الهی ، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی ، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لكم من الفلك و الأنعام .. إنَّ الإنسان لکفور مبین

10 - شرک ، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إنَّ الإنسان لکفور مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 2

2- رویارویی با سپاه اسلام ، نشانه ناسپاسی انسان در برابر نعمت های خداوند است .

إنَّ الإنسان لربّه لکنود

بیان خصلت های ناروایی که در نوع انسان ها وجود دارد - پس از تمجید از سپاهیان اسلام در آغاز سوره - تعریض به دشمنان دین است و رسوخ آن خصلت ها را در آنان بیان می کند.

### 128- نهی از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 4

4- موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از کفران نعمت های الهی برحذر داشت .

و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم .. و قال موسی إن تکفروا أنتم و من ف

### 129- وضوح کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 6

6- کفران و ناسپاسی انسان در برابر خداوند ، امری علنی و پوشش ناپذیر

إنّ الإنسان لکفور مبین

### 130- هلاکت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 7،8

7- همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

ص: 63

قد قالها الذين من قبلهم . . . فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصبي

8 - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصبيهم سيئات ما كسبوا

### 131- يوسف (ع) و كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 23 - 22

22- يوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، كفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

كفران کنندگان

{ كفران کنندگان }

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 27 - 3

3- شیطان ، كفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشیطن لربّه كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 49 - 13

13 - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتی ناسپاس اند .

ثمّ إذا حوّلنه نعمه متّاقال إنّما أوتيته علی علم

مؤثر دانستن دانش و تلاش خود به عنوان عامل اصلی برخورداری، نوعی ناسپاسی در برابر صاحب اصلی نعمت ها (خداوند کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - انسان - 76 - 3 - 14، 2

2 - انسان ها در برابر هدایت الهی دو دسته اند : سپاس گزار و هدایت یافته و یا ناسپاس و هدایت ناپذیر .

إمّا شاکراً و إمّا کفوراً

14 - « عن جابر بن عبد الله قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : كل مولود يولد على الفطرة حتى يعبر عنه لسانه ، فإذا عبر عنه لسانه إمّا شاکراً و إمّا کفوراً . . . » ;

از جابر بن عبدالله [انصاری] روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر نوزادی بر فطرت [توحید] متولد می شود، تا زمانی که زبان او بتواند افکار و عقاید او را تعبیر و ابراز کند. در این هنگام یا شاکر است [و پذیرای توحید] یا ناسپاس است [و پذیرای کفر].».

ص: 64



### 132- آسایش طلبی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 4

4- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأنتم أن یخسف بکم . . أم أنتم أن یعیدکم فیه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صیرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

### 133- اقرار کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 1

1 - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

وإنه علی ذلک لشهید

### 134- امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 5

5 - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامدهای هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها - به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سیئات ما کسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

### 135- انداز کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 1

1- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های دیگر

فلما نجىكم إلى البرّ أعرضتم .. أفأمنتم أن يخسف بكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 1

ص: 65

1- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أم أمتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

### 136- بی ارزشی امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 20

20 - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کفران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتع بکفرک قليلاً

### 137- تداوم عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 36 - 7

7 - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

كذلك نجزي كلّ كفور

### 138- تشخیص کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 16

16 - آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فإذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا حوّله نعمه ... بل هي فتنة

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی ، اقتضای شکر و سپاس گذاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت های الهی ، می تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

### 139- تفکر در فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- خداوند، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم ناسپاسان نعمتهايش

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا

3- خداوند، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم رهبران کفر و ناسپاسی

ألم تر إلى الذين .. أحلّوا قومهم دار البوار

ص: 66

برداشت فوق به خاطر این نکته است که به نابودی کشاندن و دچار سرنوشت شوم ساختن مردم (أحلّوا قومهم دار البوار) کار سردمداران کفر و رهبران جامعه است، نه مردم عادی.

### 140- تهدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 7

7 - شرک پیشگان ناسپاس ، مورد تهدید خداوندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 4

4 - معاد ، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لکنود ... لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم إذا بعثر ما فی القبور

### 141- خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 8

8 - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ما کسبوا

### 142- خطر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 9

9 - خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

### 143- رذایل کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 6

6 - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

ص: 67

إنّ الإنسن لربّه لکنود

#### 144- زیادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 11

11 - انسان های شاکر ، اندک اند و انسان های ناسپاس بسیار .

إمّا شاکراً و إمّا کفوراً

طبق باور برخی از مفسران، آمدن «شاکر» به صورت اسم فاعل و «کفوراً» به صورت صیغه مبالغه، می تواند گویای این حقیقت باشد که انسان هایی که به صورت کامل سپاس گزار نعمت هدایت باشند، در اقلیت بوده و افراد ناسپاس بسیاراند.

#### 145- سرزنش کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 35 - 10

10 - سرزنش خداوند از ناسپاسان نعمت هایش در روی زمین

و آیه لهم الأرض المیتة أحيینها.. أفلایشکرون

استفهام در جمله «أفلایشکرون» انکاری است و این جمله در صدد تقبیح و توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 5

5 - ناسپاسان نعمت های الهی ، مورد سرزنش خداوند

و لهم فیها منفع و مشارب أفلایشکرون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در مقام سرزنش ناسپاسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 52 - 4

4- نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أولم يعلموا أنّ الله ييسط الرزق لمن يشاء و يقدر

استفهام در «أولم يعلموا...» از نوع استفهام انکاری - توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 6

6 - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسان لربّه لکنود

ص: 68



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 4

4 - مردمان ناسپاس مورد سرزنش خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مكر في آياتنا

### 146- صفات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 4

4- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأنتم أن يخسف بكم .. أم أمتم أن يعيدكم فيه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صیرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

### 147- ضعف کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 7

7- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسه الشرّ كان يوسّاً

### 148- ظلم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 5

5- مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه ، از ستمگران اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء

«و الذین ظلموا من هؤلاء»، هر چند اشاره به مرفهان ناسپاس در آغاز، بعثت دارد؛ ولی آیه شریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

### **149- عبرت از فرجام کفران کنندگان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 4، 2

ص: 69

2- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

4- سرنوشت شوم رهبران و سردمداران کفر و ناسپاسی، درخور تأمل و شایسته پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين .. أحلّوا قومهم دار البوار

### 150- عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 2

2- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق، هیچ گاه و در هیچ شرایطی، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند، در دریا و خشکی در امان نیستند.

فلما نجّکم إلى البرّ أعرضتم .. أم أمتهم أن یعیدکم فیه تاره آخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 8

8 - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

### 151- علم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 66 - 8

8 - مشرکان ناسپاس، از زشتی کار خود، آگاهی خواهند یافت.

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّ عَلِيَّ ذَلِكُ لَشَهِيدٌ

### 152- عمل کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 70

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 8

8 - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

### 153- عوامل تهدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 10 - 5

5 - صحنه برملا شدن راز ها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلا یعلم إذا .. و حصّل ما فی الصدور

### 154- غفلت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 4

4 - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه .. ليقولنّ هذا لی

### 155- فرجام شوم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 17

17 - ثروت اندوزان قارون صفت و ناسپاس ، در معرض گرفتار شدن به فرجام شوم قارون

فخسفنا به و بداره الأرض .. ویکائنه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 2

2- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلى الذين بدّلوا نعمت الله كفرًا وأحلّوا قومهم دار البوار

## 156- فرجام كفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 7,8

ص: 71

7 - همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم . . . فأصابهم سيئات ماكسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

8 - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصيهم سيئات ماكسبوا

### 157- کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 8

8- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرةً و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه «الذين بدلوا .. و أحلّوا قومهم» سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

### 158- کفران کنندگان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 7

7- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أُنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه و إذا مسّه الشرّ كان يوسّوا

### 159- کفران کنندگان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 17

17 - واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمت رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ینقلب علی عقبیه . . . و سیجزی الله الشاکرین

مفهوم جمله «و سیجزی الله الشاکرین» این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

### **160- کیفر دنیوی کفران کنندگان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 2

ص: 72



2- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أَمْ أَمْنْتُمْ أَنْ يَعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى

### 161- کیفر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 4

4- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنسان كفورًا. أفأمنتم أن يخسف بكم ... أو يرسل عليكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 8

8 - خداوند ، جز کفران کنندگان را مجازات نمی کند .

و هل نجزي إلاّ الكفور

استفهام در این آیه، انکاری به معنای نفی بوده و مفید برداشت یاد شده است.

### 162- مشکلات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 4

4 - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه .. ليقولنّ هذا لي

### 163- مکر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 32 - 16

16 - منکران آیات الهی ، جز دغلكاران ناسپاس نیستند .

و ما یجحد بآیتنا إلا کلّ ختار کفور

ص: 73

## 164- ممنوعیت اطاعت از کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 7

7 - ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

## 165- موجبات عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 1

1 - گرفتار شدن قشر مرفه و ناسپاس ملت های گذشته به عذاب و پیامد های ناگوار رفتار بد خود

إذا خولنه نعمه متًا . . فأصابهم سيئات ماكسبوا

## 166- ناپایداری امکانات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 20

20 - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کفران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتع بکفرک قليلاً

## 167- هلاکت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 7،8

7 - همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم . . . فأصابهم سيئات ماكسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصي

8 - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء سيصيهم سيئات ماكسبوا

كفران نعمت

### 168- آثار اجتماعي كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9- نحل - 16 - 112 - 6,9,12,14

ص: 74

6- مبتلا شدن جامعه به فقر، گرسنگی و ناامنی، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

9- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا، عامل پیدایش فقر، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فکفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه «یصنعون» که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

12- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه .. فکفرت ... فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

14- روی آوری فقر، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق - چنان چه عده ای از مفسران گفته اند - بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 8

8 - کفران نعمت های الهی، در پی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له .. فأعرضوا ... و مَرَّقْنَهُمْ كَلَّ مَمَرَّق

**169- آثار اجتناب از کفران نعمت**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 114 - 8

8- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران است.

و ضرب الله مثلاً قریه .. فکفرت بأنعم الله ... فکلوا ممّا رزقکم الله حلالاً طیب

«فاء» در «فکلوا..» برای تفریع این جمله به آیات پیشین است؛ یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا

آورید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند؛ ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 152 - 8

8 - غفلت از یاد خدا و ناسپاسی نعمتهایش ، به منزله انکار اوست .

فاذکرونی . . . واشکروالی ولاتکفرون

نهی از کفرورزی و انکار خدا (لاتکفرون) - پس از فرمان دادن به ذکر و سپاس او - می رساند که: غفلت از یاد خدا و ناسپاسی در برابر او، آدمی را به کفرورزی و انکار خدا می کشاند و یا خود به منزله کفر و انکار خداوند است.

ص: 75

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 147 - 4

4 - کفر به خدا، و ناسپاسی نعمت های او، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم وءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 18

18 - ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین، نشانه جهل آدمی است.

و جوزنا بيني إسرائيل البحر... قال إنكم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 22

22- «عن علي بن الحسين (ع) يقول: الذنوب التي تغير النعم، البغي على الناس و الزوال عن العادة في الخير، و اصطناع المعروف، و كفران النعم، و ترك الشكر. قال الله عزوجل: «إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم»...»

از امام زین العابدین(ع) روایت شده است که می فرمود: گناهانی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 7 - 3,5,2,1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکجه: هر کس سپاسگزار باشد، قطعاً نعمتش فزونی می یابد و هر کس کفران نماید، دچار عذاب شدید می گردد.

و إذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن عذابي لشديد

«و إذ تأذن» عطف بر «إذ قال» است که در آن «اذکر» در تقدیر است و مخاطب پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می باشد.

2- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد.

اذكروا نعمه الله عليكم . . . واذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که «اذ تأذن» مقول قول موسی (ع) و عطف به «اذكروا نعمه الله» باشد.

3- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت ، مقتضای ربوبیت الهی

و اذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن عذابی لشديد

5- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتش می شود .

إذ أنجكم من آل فرعون . . . واذ تأذن ربكم لئن شكرتم لأزيدنكم و لئن كفرتم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 8 - 3

3- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زیانی به او نمی رساند .

ص: 76



إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعاً

مراد از «إن تكفروا» به قرینه «و لئن كفرتم» که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 28 - 7

7- ناسپاسی نعمت ها موجب هلاکت و سرنوشت شوم است .

ألم تر إلى الذين . . . وأحلّوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 17، 12

12- روحیه ستم پیشگی و ناسپاسی انسان ، فلسفه دریغ نمودن خداوند از برآوردن تمامی درخواست ها و تقاضا های او

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه . . . إنّ الإنسان لظّالوم کفّار

برداشت فوق بر این اساس است که «من» در «من کلّ» برای تبعیض و مقصود از سؤال درخواست زبانی باشد و نیز جمله «إنّ الإنسان لظّالوم کفّار» تعلیل برای جملات پیشین باشد.

17- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشان است .

وإن تعدّوا نعمت الله لا تحصوها إنّ الإنسان لظّالوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 13

13- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قریه كانت ءامنه مطمئنّه . . . فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 17

17 - طغیان گری در استفاده از نعمت ها ( ناسپاسی ، اسراف و . . . ) ، زمینه ساز فرارسیدن غضب الهی و سیطره یافتن آن بر انسان است

كلوا . . . و لاتطغوا فيه فيحلّ عليكم غضبي

«یحلّ»؛ یعنی، «ینزل» و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 26

26 - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم . . . لیستخلفنهم . . . و لیمکننّ لهم دینهم . . . یعبدون

«فسق» به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

ص: 77

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 135 - 3

3 - کفران نعمت های الهی ، درپی دارنده عذاب و کیفری سخت

و اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ . . . إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 20

20 - بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و من شکر فإتّما یشکر لنفسه و من کفر فإنّ ربّی غنیّ کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 73 - 10

10 - بنای خداوند بر فضل و رحمت نسبت به خلق و ناسپاسی های مردم زمینه ساز عذاب

و إنّ ربّک لذو فضل . . . و لکنّ اکثرهم لایشکرون

مقدم شدن «فضل و رحمت» بر «شکر و ناسپاسی» می رساند که فضل الهی، دارای اصالت و خواست خدا است؛ ولی این ناسپاسی ها است که مردم را از آن محروم می سازد و سبب نزول عذاب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 82 - 14،15

14 - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

و یکانّه لایفلح الکفرون

«کفر» (مصدر «کافرون») در این جا مقابل «شکر» و به معنای ناسپاسی است. جمله «و یکانّه لایفلح الکافرون» اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

15 - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، درپی دارنده هلاکت انسان و نابودی ثروت وی

فخسفنا به و بداره الأرض . . . ویکائنه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 5، 1

1 - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجنّتهم . . . ذلك جزینهم بما کفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش ، احتمال دارد مراد از «کفروا» کفران باشد.

5 - کفران نعمت های خداوند ، کیفر در پی دارد .

و اشکروا له . . . فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم... ذلك جزینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 12، 10، 4

4 - برنتابیدن و فور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

ص: 78

و جعلنا بينهم وبين القرى التي برکنا فيها قرى ظهره .. سیروا فیها ... ءامنین

10 - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد کان لسیا فی مسکنهم ءایه جنتان .. بلده طیبه ... فقالوا ربنا بعد بین أسفا

12 - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، در بردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 21

21 - دروغ پردازی و ناسپاسی ، باعث محرومیت از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 13

13 - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ .. وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

برداشت بالا به خاطر این نکته است که مقصود از «وزر» در این آیه، کفر و ناسپاسی است؛ زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 20, 21, 23

20 - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا

21 - شرک و ناسپاسی خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

23 - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دائمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتع بكفرک قليلاً إنك من أصحاب النار

جمله «إنك من أصحاب النار» برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 8

8 - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 79

2 - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون فأصابهم سيئات ما كسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا علی الإنسان . . . ثم كفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فإن أعرضوا . . . فإن الإنسان كفور

جمله «و إنّا إذا . . . کفور» می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - کفران نعمت هدایت ، موجب عذاب سخت الهی ( همچون زنجیر ، غل و آتش ) در قیامت

إنّا أعتدنا للكافرين سلسلاً وأغلالاً وسعيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - کفران نعمت های خداوند ، سرپیچی از فرمان او است .

ما أکفره... لَمَّا یَقْضِ ما أَمْره

چنانچه مراد از کفر در «ما أکفره» کفران نعمت باشد، شکرگزاری نعمت مصداق مورد نظر از «ما أَمْره» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 4

4 - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العدیت... إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 4

4 - انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت... إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّ عَلِيَّ لَشَهِيدٌ

ص: 80



## 171- اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 152 - 7

7 - ضرورت پرهیز از کفران نعمت های خداوند

و لاتکفرون

برداشت فوق بر این اساس است که «لاتکفرون» به تقدیر «نعمه» در اصل «و لاتکفروا نعمتی» بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 3

3- توجه انسان به مقام و کرامت الهی خویش ، مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است .

فیغرقکم بما کفرتم . . . و لقد کرّمنا بنی ءادم

یادآوری کرامت انسانها پس از ذکر ماجرای کسانی که پس از رهایی از خطر مرگ به کفران نعمتهای الهی روی آوردند؛ می تواند مذمتی باشد برای آنان و نیز به انسانها توجه بدهد که کرامت انسانی مستلزم اجتناب از کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 132 - 1،2

1 - تأکید هود (ع) بر تقوای الهی و پرهیز از ناسپاسی در برابر خدای نعمت بخش

و اتّقوا الذی أمّدکم بما تعلمون

«إمداد» (مصدر «أمّدکم») به معنای کمک کردن و «ما» در «بما تعلمون» کنایه از نعمت هایی است که تفصیل آن در آیات بعد آمده است. متعلق «تعلمون» به خاطر رعایت فاصله آیات حذف شده و تقدیر آن چنین است: «أمّدکم بما تعلمون أنّها من إمداده».

2 - لزوم پرهیز از مخالفت و ناسپاسی در برابر خدای نعمت دهنده

و اتّقوا الذی أمّدکم

## 172- اقرار به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و این علی ذلک لشهید

ص: 81

### 173- انذار از كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 11

11- هشدار خداوند به ملت های متعمر و مرفه دارای امنیت ، نسبت به كفران نعمت های او

قریه کانت ءامنه . . . فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا ی

### 174- حرمت كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 14

14 - حرمت پنهان سازی نعمت های الهی به جهت ترک احسان

ویکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً

### 175- ذکر آثار كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 114 - 9

9- توجه به تأثیر كفران در نابودی نعمت ها ، باعث قناعت و بسنده کردن انسان به روزی های حلال و دلپذیر و استفاده بهینه از آنهاست .

فكفرت بأنعم الله . . . فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طیباً و اشكروا

### 176- زشتی كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 8

8 - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم . . . فسوف یعلمون

### 177- زمینه كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 21 - 6

6 - رفاه و آسایش بسیار ، زمینه ساز روحیه ناسپاسی و کفران

و إذا أذقنا الناس رحمہ من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

ص: 82

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 11

11- انسان ، در معرض کفران نعمت های خداوند قرار دارد .

لعلکم تشکرون

تعبیر «لعلکم» می تواند اشاره به غفلت انسانها از شکرگزاری خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 8

8- آسایش و احساس امنیت ، زمینه گرایش انسان به کفران نعمت

فلما نجّکم إلى البرّ أعرضتم وکان الإنسن کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 83 - 1

1- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

«نئا» به معنای «بَعْد» (دوری می شود) است و «أعرض و نئا بجانبه» (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 66 - 1

1 - کفران نعمت های خداوند و بهره گیری از امکانات دنیوی ، حاصل و عاقبت شرک مشرکان است .

هم یشرکون . لیکفروا بما آتینهم ولیتمتّعوا

«لام» در «لیفکروا» احتمال دارد برای تعلیل و به معنای «کی» و احتمال دارد برای امر باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است. گفتنی است که مراد از «یکفرون» در آیه، به قرینه «بما آتیناهم» کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 1

1 - پیدایش روحیه کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، پیامد شرک است .

یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

لام در «لیکفروا» لام عاقبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 13

13 - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

وإذا مسّ الإنسان ضرّاً .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

ص: 83

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 13

13 - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سيّئه بما قدّمت أيديهم فإنّ الإنسن كفور

از نکره آمدن «سیّئه» - که برای تحقیر است - «کوچک ترین دشواری» استفاده شده است.

### 178- زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 5

5- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شكرتم لأزيدنكم و... إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعاً فإن الله لغنى حمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 35 - 5

5- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال... أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفراً... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 14

14 - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده باز می گردد .

و من كفر فإنّ الله غنى

به قرینه مقابله، «و من يشكر...» جواب شرط «من كفر» حذف شده است و «إنّ الله...» تعلیل برای جواب مقدر است؛ یعنی، هرکس

کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد؛ چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- نفع و ضرر « ایمان و کفر » و « شکر و ناسپاسی » ، دامنگیر خود انسان ها است ؛ نه خداوند .

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ . . . وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

### 179- سرزنش تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 2

2- تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ

ص: 84



## 180- سرزنش کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 16

16- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسان لظّالوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 18 - 6

6- ادا نکردن حق نعمت های فراوان خداوند ، نوعی نقصان و کاستی و سزاوار توبیخ و سرزنش است .

وإن تعدّوا نعمه الله لاتحصوها إنّ الله لغفور رحیم

ذکر «إن الله لغفور» پس از بیان نعمتهای فراوان خداوند، احتمال دارد از این جهت باشد که ادا نشدن شایسته حق نعمتهای خداوند، نوعی نقصان تلقی می شود و از این جهت، مایه توبیخ است. عبارت «إن الله لغفور» بیان کننده ضمنی آن نقصان و کاستی است که خداوند آن را مورد بخشایش خویش قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 27 - 6

6- تبذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إن المبذّرین . . . لربّه کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 6

6 - شکر و سپاس گذاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - کفران نعمت ، از کسی که از کرم ( جود و عفو ) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمِ

**181- سنگینی گناه کفران نعمت**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 13

13 - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

ص: 85

إن تكفروا فإن الله غني عنكم . . . و لا تزر وازره وزر أخرى

برداشت بالا به خاطر این نکته است که مقصود از «وزر» در این آیه، کفر و ناسپاسی است؛ زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

### 182- شگفتی تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 2

2- تداوم ناسپاسی در انسان، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسان لربّه لکنود . و إنّ علی ذلک لشهید

### 183- شگفتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 73 - 6

6- ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی، امری شگفت آور و به دور از منزلت آدمیان

أفلا یشکرون

برداشت یاد شده از همزه استفهام «أفلا یشکرون» - که برای تعجب است - استفاده می شود.

### 184- ظلم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 30

30- نادیده گرفتن نعمت های الهی و ناسپاسی خدا، با ارتکاب گناه، ظلم است .

إنه ربی أحسن مثوای إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 6

6- ناسپاسی و نادیده گرفتن نقش خداوند در برخورداری از نعمت ها، ظلم است .

و الذین ظلموا من هؤلاء

توصیف مرفهان ناسپاس به ستمگران، حاکی از مطلب یاد شده است.

ص: 86

## 185- علم به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 7 - 3, 2

2 - تداوم ناسپاسی در انسان، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . وَإِنَّ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ

3 - خداوند، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش، به اسبان تیز پای مجاهدان، سوگند یاد کرده است.

و العدیت . . . وَإِنَّ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ

## 186- عوامل کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 9

9 - شرک، مستلزم ناسپاسی انسان در برابر خالق و یگانه روزی دهنده خویش

أَمْ نَبِيدُوا الْخَلْقَ . . . وَ مَنْ يَرْزُقْكُمْ . . . أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ

لحن آمیخته با توییح «أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ» نشان دهنده آن است که مشرکان با شرک خویش، کفران خدایی کرده اند که خالق و یگانه روزی دهنده آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 20 - 9

9 - ابلیس، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

در عبارت «صَدَّقَ عَلَيْهِمْ . . . ظَنَّهُ» ایجاز به حذف وجود دارد؛ برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

## 187- فرجام کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- مَثَل و مانند آوردن خداوند ، برای ترسیم فرجام شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قریه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها ... بما كانوا يصنعون

### 188- کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 87

1 - بقره - 2 - 51 - 12

12 - بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجينكم و أغرقنا آل فرعون . . . ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 56 - 5

5 - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 19

19 - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی ( منّ و سلوی )

لن نصبر علی طعام وحد . . . قال أتستبدلون الذی هو أدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 152 - 9

9 - ابوعمرو زبیری از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: « الوجه الثالث من الکفر کفر النعم و ذلک قوله تعالی . .

. فاذکرونی أذک ---رکم و اشکروالی و لاتکفرون . . . »

وجه سوم از اقسام کفر، کفران نعمت است و این است سخن خداوند که می فرماید: . . . فاذکرونی أذکرم و اشکروالی و لاتکفرون . . . ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 140 - 5,6

5 - موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

6 - گرایش به شرک ، ناسپاسی به نعمت های خداوند است .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 31

31 - تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لکن کانوا أنفسههم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 22

ص: 88



22- مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید، ناسپاسند.

ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: 1 توحید (ما کان لنا أن نشکر . . .)، 2- وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم . . .). برداشت فوق، ناظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 28 - 11

11- « قال هارون لأبي الحسن موسى (ع) نحن كفار؟ قال: لا ولكن كما قال الله: « ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار » . . . »

هارون به امام کاظم (ع) گفت [آیا] ما کافریم؟ آن حضرت فرمود: خیر بلکه آن گونه [هستید] که خدا می فرماید: « ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا . . . » . . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 34 - 18

18- سرشت انسان با نوعی از ظلم به خویشتن و ناسپاسی عجیب است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 55 - 1،5

1- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها، کفران نعمت های خداوند است .

برّهّم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

«لام» در «ليكفروا» احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکر است به تناسب «ما ءاتيناهم» مراد از «يكفروا» کفران است.

5- مشرکان ناسپاس، علی رغم کفران نعمت های الهی، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

برّهّم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم فتمتعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 71 - 10

10- شرک به خدا، کفران نعمت های اوست .

أفبنعمه الله يجحدون

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه مشرکان مکه می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 12

12- نادیده گرفتن آثار وجود خداوند در مظاهر هستی، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

والله جعل لكم .. بنعمت الله هم يكفرون

ص: 89

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 5

5- پرستش غیر خدا، ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی است .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون . و يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 113 - 3

3- تکذیب رسولان و رهبران الهی، ناسپاسی نعمت های خداوندی است .

فكفرت بأنعم الله . . . و لقد جاءهم رسول منهم فكذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 114 - 6,7

6- استفاده از چیز های حرام، کفران نعمت های الهی است .

يأتيتها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله . . . فكلوا مما رزقكم الله حلالاً

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که «كلوا مما . . . حلالاً طيباً» اشاره داشته باشد به اینکه کفران یاد شده در آیه قبل، استفاده از حرام بوده است.

7- تحریم روزی های حلال و دلپذیر و بهره نگرفتن از آنها، کفران نعمت های الهی است .

فكفرت بأنعم الله . . . فكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً

با توجه به اینکه آیه بعد، خوردنیهای حرام را در چند چیز محدود کرده است، معلوم می شود که مراد از «کفران» حرام کردن حلالها و استفاده نکردن از آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 27 - 3,5,7

3- شیطان، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشيطان لربّه كفورًا

5- تَبذِير (ریخت و پاش و به هدر دادن امکانات ) ، کفران نعمت های الهی است .

إن المبذرين كانوا إخوان الشيطان و كان الشيطان لربّه كفورًا

7- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و كان الشيطان لربّه كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 89 - 8

8- انکار قرآن با وجود دلایل حقانیت و بی ماندی آن ، ناسپاسی بس بزرگ و غیر قابل توجیه است .

و لقد صرفنا للناس فی هذا القراءان من کلّ مثل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «کفور» به معنای کفران نعمت باشد.

ص: 90

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 6,8,9

6- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس در برابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

«عصی» برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

8- اطاعت از شیطان ، ناسپاسی و قدرناشناسی رحمت واسعه الهی است .

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

«رحمن» صیغه مبالغه و از نام های خداوند است. تکیه بر این نام در جمله «کان للرحمن...» به منزله تعلیلی بر زشتی کار شیطان است، زیرا عصیان کردن او در برابر دارنده رحمت واسعه و اصرار بر آن نشانه ناسپاس بودن او است. و جمله «لا تعبد...» دلالت دارد که هر کس از شیطان تبعیت نماید، او نیز چنان خواهد بود.

9- اطاعت و پیروی از گنه پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند ، امری ناروا و ناسپاسی نعمت های او است .

لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 5

5- دشمنی با دین خدا ، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است .

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ .. إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 6

6- کفر به یگانگی خدا - در عین برخورداری از امکانات دنیوی - بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است .

و قال الملائكة من قومه الذين كفروا .. و أترفنهم في الحياه الدنيا

عبارت «و أترفناهم» حال است برای فاعل «كفروا»؛ یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 8

8 - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

وإنّ الذین لایؤمنون بالأخره... و لو رحمهم... فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 117 - 11

11 - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

و من یدع مع الله... إته لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 50 - 9

ص: 91

9- اکثر مردم در نیمه نخست بعثت، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنائی کردند.

و لقد صرفنه بينهم ليدّكروا فأبى أكثر الناس إلا كفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 28

28 - « عن أبي عبدالله (ع) قال: ... الوجه الثالث من الكفر النعم و ذلك قوله تعالى يحكى قول سليمان « هذا من فضل ربّي ليلوني وأشكر أم أكفر... » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ..قسم سوم از اقسام کفر، کفران نعمت ها است و این سخن خداوند متعال است که از زبان سلیمان(ع) حکایت می کند: «... لیلونی ءأشکر أم أكفر».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 5

5 - بازگشت رهیدگان از ناملایمات، به شرک، کفران نعمت های خدا است.

فلما نجّيهم إلى البرّ إذا هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 10

10 - مشرکان مکه، به خاطر ناسپاسی نعمت های الهی، از سوی خداوند سرزنش شدند.

أولم يروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا .. أقبالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 2

2 - بازگشت رهیدگان از ناملایمات به شرک ربوبی، کفران نعمت های خداوند است.

برّهم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

به قرینه «ما آتیناهم» مراد از «لیکفروا» کفران نعمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 46 - 18

18 - انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلکم تشکرون

«لعلّ» از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 13

13 - کفران نعمت های الهی ، هیچ تأثیری بر خداوند ندارد .

و من کفر فإنّ الله غنیّ حمید

ص: 92



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 15

15 - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

ووصینا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 20 - 19

19 - چشم بستن بر مظاهر وجود خدا و پرداختن به جدال های جاهلانه درباره او ، کفرانِ نعمت است .

ألم تروا أن الله .. وأسبغ علیکم نعمه ... و من الناس من یجدل فی الله بغير

ذکر «و من الناس ..» پس از بیان آیات خداوند - که از جمله آنها وُفُورِ نعمت بود - می تواند اشاره به نکته مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 74 - 2

2 - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است .

أفلا یشکرون . و اتّخذوا من دون الله ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل - که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است - و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید؛ یعنی، شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 22

22 - شرک به خدا و اطاعت از غیر او ، کفران نعمت خدا و ناسپاسی او است .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء .. إن الله لایهدی من هو کذب کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 3

3 - کفر و شرک ، کفران نعمت های الهی است .

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مقصود از کفر در «إِنْ تَكْفُرُوا» - به قرینه مقابله با «إِنْ تَشْكُرُوا..» - کفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین یاد کردن خداوند از کافران و مشرکان به ناسپاسان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 15، 9

9 - انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ .. ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ

15 - شرک به خداوند ، کفران نعمت های الهی است .

ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ .. وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا

ص: 93

«نَدَّ» (مفرد «انداد») به معنای مثل و نظیر است و مقصود از آن شریک در کار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 49 - 17

17 - برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلا آفرین است .

ثُمَّ إِذَا خَوْلَنَهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلِ هِيَ فِتْنَةٌ

یکی از موارد کاربرد «فتنه»، محنت و بلا است و برداشت بالا- مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست؛ بلکه در دنیا و آخرت نعمت و بلا- خواهد بود. گفتنی است آیه بعد - که از رویه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید - مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 13, 15

13 - ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصیلتی مشترک میان آنان

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

تصریح به لفظ «ناس» در جمله «و لکن اکثر الناس لایشکرون» به جای ضمیر «هم» - که به «الناس» قبل بازمی گردد - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

15 - عبادت غیر خدا و حاجت خواهی از غیر او ، کفران نعمت های الهی است .

قَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ . . . اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ . . . وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 14

14 - غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي . . . وَلَئِن رَّجَعْتَ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لِحَسَنِي

بنابراین که لام در «هذا لى» و «إن لى» افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخوردارى از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشان را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 20

20 - نسبت دادن ناگواری ها و سختی های زندگی به خداوند ، کفران و ناسپاسی است .

بما قدّمت أیدیهم فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

خداوند باتصریح به «بما قدّمت أیدیهم»، درصدد رفع این اندیشه باطل است که معمولاً انسان های سطحی، مشکلات زندگی خود را به او نسبت می دهند و احتمال نمی دهند که نتیجه کارهای خودشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 8

8 - ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

ص: 94

فإنّ الإنسان كفور .. يهب لمن يشاء إنثاً و يهب لمن يشاء الذكور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 7

7- پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له .. إنّ الإنسان لكفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 14 - 3

3- نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعيننا جزاء لمن كان كفر

مراد از «لمن كان كفر» نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 70 - 4

4- نکوهش کفران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرء یتیم الماء .. فلولاً تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 23 - 6

6- « عن أبي جعفر (ع) فی قوله « إلاّ من تولّى و كفر » یرید من لم یتعظ و لم یصدّقک و جحد ربوبیتی و كفر نعمتی ... » ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «إلاّ من تولّى و كفر» روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تورا [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند. ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 7 - 6

6 - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ،  
خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأكرم . الذی علم ... کلاً إنّ الإنسان لیطغی . أن رءاه استغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 7، 1

1 - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

ص: 95

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

«ال» در «الإنسان» برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. «کنود»، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای «عاصی» به کار می‌برند. اسناد این خصیلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان‌ها به آن است.

7 - خداوند، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان‌ها، به اسبان تیز پای مجاهدان سوگند یاد کرده است.

و العدیت .. . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 254 - 13

13 - خودداری از انفاق، کفران نعمت و ستمگری است.

انفقوا ممّا رزقناکم .. . و الکافرون هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 276 - 5,6,9

5 - ناسپاسان از نعمت‌ها و گنهکاران، محروم از محبت الهی

و اللّٰه لا یحبّ کلّ کفّار اثم

6 - رباخواران، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبت الهی

یمحق اللّٰه الرّبوا .. . و اللّٰه لا یحبّ کلّ کفّار اثم

کلمه «کفّار» (بسیار ناسپاس) و کلمه «اثم» (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

9 - رباخواری، ناسپاسی شدید نعمت و گنهکاری است.

یمحق اللّٰه الرّبوا .. . و اللّٰه لا یحبّ کلّ کفّار اثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسپاهی در قیامت \*

و اذکروا نعمت الله .. فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتهم بعد ایمانکم

بنابراینکه «اکفرتهم» به معنای کفران نعمت باشد. و به مقتضای ارتباط با آیات قبل مراد از نعمتهای کفران شده همان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 11، 12، 17، 4، 5

4 - خداوند کسانی را که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند ، دوست ندارد .

و بالوالدین احساناً .. و یکتمون ما اتیهم الله من فضله

5 - فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون .. و یکتمون ما اتیهم الله من فضله

11 - کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .



الذین بیخلون . . ما اتیهم اللّٰه . . و اعتدنا للکافرین

12 - بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذین بیخلون و یأمرون النّاس بالبخل . . و اعتدنا للکافرین

17 - بخلورزی ، کفران نعمت های الهی است .

الذین بیخلون . . و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

با توجه به معنای لغوی کافر (ناسپاس)، می توان گفت مراد از کفران، ناسپاسان هستند که مصداق آن در آیه، همان بخیلانند.

### 189- کفران نعمت اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 11

11 - بیشتر مردم ، نسبت به نعمت ها و احسان های خداوند ، شاکر و سپاس گزار نیستند .

إِنَّ اللّٰهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

### 190- کفران نعمت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 34 - 14، 13

13- انسان در برابر نعمت های بیکران الهی ، بسیار ستم پیشه و ناسپاس است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

«ظلوم» و «کفار» صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

14- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

وإن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ

مقصود از «ظلوم» بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

### 191- کفران نعمت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 5

5- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه یأتیها رزقها رغداً . . . فكفرت بأنعم الله

ص: 97

## 192- کفران نعمت قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 1

1 - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلنهم بجهنم . . . ذلك جزينهم بما كفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش ، احتمال دارد مراد از «کفروا» کفران باشد.

## 193- کفران نعمت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 9

9 - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئدة قليلاً ما تشكرون

## 194- کفران نعمت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 4, 3

3 - ناسپاسی انسان ها در برابر آسودگی ها و نعمت های الهی ، دارای پیشینه طولانی در تاریخ قشر مرفه و متنعم جامعه

قال إنما أوتيته على علم . . . قد قالها الذين من قبلهم

4 - همسانی طرز تلقی مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنما أوتيته على علم . . . قد قالها الذين من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 7

7 - همسانی سرنوشت هلاکت بار مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذين من قبلهم . . . فأصابهم سيئات ما كسبوا و الذين ظلموا من هؤلاء سيصبي

### 195- كفران نعمت مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 4

4 - مشركان ، به رغم كفران نعمت های خداوند ، از امکانات و وسایل آسایش در دنیا ، بهره مندند .

هم يشركون . ليكفروا بما آتيتهم وليتمتعوا

ص: 98

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 20

20 - مشرکان ، مردمی دروغ پرداز و ناسپاس

و الذين اتَّخذوا من دونه أولياء .. إنَّ الله لا يهدي من هو كذب كفَّار

### 196- کفران نعمت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 8

8 - مشرکان مکه ، به نعمت های خداوند ، کفر ورزیدند .

هم یشرکون .. و بنعمه الله یکفرون

### 197- کیفر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 55 - 6

6- مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

برَّهْم یشرکون .. فتمتَّعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 112 - 7، 17

7- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . \*

فأذقها الله لباس الجوع والخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «اذاق» اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و «لباس» اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

17- « عن أبي عبد الله (ع) قال : . . . ان أهل قريه ممن كان قبلکم کان الله قد أوسع عليهم حتى طغوا فقال بعضهم لبعض : لو عمدنا إلى شيء من هذا النقي فجعلناه نستتجى به كان ألين علينا من الحجاره فلما فعلوا ذلك بعث الله على أرضهم دواباً أصغر من الجراد فلم

يدع لهم شيئاً خلقه الله . . . إلا أكله من شجر أو غيره فبلغ بهم الجحد إلى أن أقبلوا على الذی كانوا يستنجون به فأكلوه و هی القرية التي قال الله : « ضرب الله مثلاً قريه كانت آمنه مطمئنه يأتیها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا يصنعون » ;

از امام صادق(ع) روايت شده است که فرمود: .. قبل از شما اهل قريه ای بودند که خداوند در زندگي به آنان کشايش داده بود تا اینکه طغيان کردند و بعضی به بعض ديگر گفتند: اگر به چیزی از اين نانها روی آوريم و آن را وسیله استنجا قرار دهيم، برای ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده های کوچک تر از ملخ را بر سرزمينهای آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند آفريده بود از درخت و غير آن خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نانهایي که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قريه ای است که خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاً قريه كانت آمنه مطمئنه ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 34 - 10

10 - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطلع خواهند شد .

بربهم یشرکون . . . فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 7

7 - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم . . . و مزنهم كل ممزق

«مزق» در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرين).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 5

5 - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها - به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سيئات ما كسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 6

6 - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسان ما أكفره

مراد از «کفر» در «ماأكفره» ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین «قتل الإنسان» در معنای عرفی آن - که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد - استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند .

و یکتمون ما اتیهم الله من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

### 198- گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 19

19 - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

ص: 100



و لاتطغوا .. و من يحلل عليه غضبي فقد هوى

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 17 - 9

9 - کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزي إلاّ الكفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 77 - 6

6 - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فبأىء الآء ربكما تكذبان

از ده ها بار تکرار «فبأىء الآء ..» در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 4 - 3

3 - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنا هدینه السبیل .. إنا أعتدنا للکفرین ... سعیرا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

### 199- مراتب کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 36 - 8

8 - کفر ، ناسپاسی شدید است و کفران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنم .. کذلک نجزی کلّ کفور

## 200- منشأ کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 27 - 4

4 - محبت و دل بستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله

ص: 101

## 201- موارد کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 10 - 8

8 - تبعیت از ولایتهای غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمتهای اوست.

و لا تتبعوا من دونه اولیاء .. . قليلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 8

8 - بهره جویی های ظالمانه از دنیا، ناسپاسی در برابر خداست .

لئن أنجیتنا من هذه لنكوننّ من الشكرين. فلما أنجیهم إذا هم ییغون فی الأرض بغير ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 60 - 10

10 - تحریم حلال خدا، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. . إن الله لذو فضل علی الناس و لكن أكثرهم لا یشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 10

10 - ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه، در عین برخورداری از رفاه و آسایش، کفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبعواً صدق .. . فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 24

24- ارتکاب گناه، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی است .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 25

25- شرک ورزی ، ناسپاسی در برابر خداست .

و لکن اکثر الناس لایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 7 - 14

14- « عن الصادق (ع) : . . . إن الكبائر . . . كفران النعمه « و لئن كفرتم إن عذابی لشدید » . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در بیان گناهان کبیره فرمود: . . . همانا از گناهان کبیره . . . كفران نعمت است [خداوند می فرماید]:  
و لئن كفرتم إن عذابی لشدید...».

ص: 102

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 30 - 1

1- شرک به خدا ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا . . . و جعلوا لله أندادًا

جمله «و جعلوا لله أندادًا» عطف بر جمله «بدلوا نعمت الله . . .» است و می تواند بیان و تفسیر برای چگونگی تبدیل نعمت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 7

7 - به کار نگرفتن عقل در جهت شناخت حق و صراط مستقیم ، مصداق بارز ناسپاسی

و إنك لتدعوهم إلى صراط مستقیم . . . أنشأ لكم السمع ... قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 66 - 6

6 - شرک و عبادت غیر خدا ، ناسپاسی پروردگار است .

بل الله فاعبد و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 3 - 9

9 - پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إنّا هدیناه السبیل إمّا شاکراً و إمّا کفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکوین - 102 - 8 - 5

5 - افتخار بر دیگران در امتیازات مادی ، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است .

ألهیکم التکاثر . . . ثمّ لتسنلنّ یومئذ عن النعیم

## 202- موانع کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 5

5 - توجّه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أكفّره . من أيّ شيء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر - در آیه قبل - کفران نعمت دانسته شده است.

ص: 103

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 24 - 4

4 - توجه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أكفّره... فلینظر الإنسن إلی طعامه

چنانچه «کفر» در «ما أكفّره» به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 30 - 3

3 - توجه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أكفّره... فلینظر الإنسن... حدائق غلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 31 - 3

3 - توجه به باغ های میوه و مرغزار ها ، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أكفّره... و فكهه و آبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 5

5 - توجه به ربوبیت و مدبّر بودن خداوند ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ها است .

لرّبّه لکنود

تقدیم «لرّبّه»، بیانگر اهتمام به آن است؛ یعنی، شگفتا که انسان با آن که خداوند «رّب» و «مدبّر» او است، به کفران نعمت او رو آورده است!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 9 - 3

3 - لحظه خروج مردگان از قبرها در قیامت، وحشت انگیز و توجه به آن، بازدارنده انسان از کفران نعمت، بخلورزی و دل بستگی شدید به ثروت است.

لكنود .. أفلا يعلم إذا بعثر ما فى القبور

### 203- مؤاخذه بر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 5

5 - انسانها در قیامت، بر کفران نعمت، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت، مؤاخذه خواهند شد.

لكنود .. لحبّ الخیر لشدید . أفلا يعلم ... إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

ص: 104



هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت‌ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

## 204- ناپسندی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 34 - 16

16- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

وإن تعدوا نعمت الله لاتحصوها إنَّ الإنسان لظلوم كَفَّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 12

12 - ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی ، امری نکوهیده اند .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمه الله يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 6

6 - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنَّ الإنسان لربه لکنود

## 205- نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 19 - 5

5- قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دور رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التي فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد - که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد - مؤید برداشت یاد شده است.

## 206- نشانه های کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 6

6- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم... فيغرقكم بما كفرتم

ص: 105

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 10، 9

9- بی توجهی به نعمت های الهی ، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی ، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لكم من الفلك و الأنعام .. إنَّ الإنسان لکفور مبین

10 - شرک ، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إنَّ الإنسان لکفور مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 6 - 2

2- رویارویی با سپاه اسلام ، نشانه ناسپاسی انسان در برابر نعمت های خداوند است .

إنَّ الإنسان لربّه لکنود

بیان خصلت های ناروایی که در نوع انسان ها وجود دارد - پس از تمجید از سپاهیان اسلام در آغاز سوره - تعریض به دشمنان دین است و رسوخ آن خصلت ها را در آنان بیان می کند.

### 207- نهی از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 4

4- موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از کفران نعمت های الهی برحذر داشت .

و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم .. و قال موسی إن تکفروا أنتم و من ف

### 208- وضوح کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 6

6- کفران و ناسپاسی انسان در برابر خداوند ، امری علنی و پوشش ناپذیر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَفُورٍ مَّبِينٍ

### 209- یوسف (ع) و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 23 - 22

22- یوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنُ مَثْوَايَ

ص: 106

## 2- کلاغ

### 1- کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 27

27 - طاووس ، خروس ، کبوتر و کلاغ ، چهار پرنده ای که ابراهیم (ع) برگزید .

فخذ اربعه من الطير

امام صادق (ع): ... فاخت ابراهیم الطاووس و الدیک و الحمام و الغراب ...

---

تفسیر قمی، ص 91؛ نورالثقلین، ج 1، ص 280، ح 1098.

### 2- تاریخ خلقت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 18

18 - وجود کلاغ در زمان حضرت آدم (ع)

فبعث الله غراباً

### 3- تعلّم از کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 28، 5، 6، 1، 2

1 - خداوند کلاغی را برای آموزش دهن هابیل به سوی قایل گسیل داشت .

فبعث الله غراباً .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

2 - کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قایل را به کیفیت دهن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

5 - کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قایل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در «لیریه» به «غراب» برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به

ص: 107

قائیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

6- فاصله زمانی اندک میان مرگ هاییل و گسیل کلاغی برای آموزش قایل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف «بعث» بر «قتله» به وسیله «فاء»، بیانگر برداشت فوق است.

28- حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر - پس از زد و خورد میان آنها - ، راهنمای قایل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاده (ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقى الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ...

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 166؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 459، ح 4.

#### 4- شعور کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 31 - 28، 6، 5، 2

2- کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قایل را به کیفیت دفن جثه هاییل رهنمون ساخت .

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

5- کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قایل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هاییل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در «لیریه» به «غراب» برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قایل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

6- فاصله زمانی اندک میان مرگ هاییل و گسیل کلاغی برای آموزش قایل

فقتله .. فبعث الله غراباً

عطف «بعث» بر «قتله» به وسیله «فاء»، بیانگر برداشت فوق است.

28 - حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر - پس از زد و خورد میان آنها - ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاده (ع) روایت شده: .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقى الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ....

---

تفسیر قمی، ج 1، ص 166؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 459، ح 4.

## 5- علم کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 108



19 - آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

### 6- قدرت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

ص: 109

### 3- کلمه الله

#### 1- اعتلای کلمه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 18، 19

18 - « کلمه الله » ( شعار توحید ) ، دارای برتری مطلق بر شعار کفر

و جعل کلمه الذين كفروا السفلى و کلمه الله هي العليا

19 - رهایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه الله ، جلوه عزت ( شکست ناپذیری ) و حکمت خدا

فقد نصره الله إذ أخرجه . . . کلمه الله هي العليا و الله عزيز حكيم

#### 2- زمينه اعتلای کلمه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 17

17 - نقش مهم هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه الله

فقد نصره الله إذ أخرجه . . . و جعل کلمه الذين كفروا السفلى و کلمه الله هي العليا

#### 3- عوامل اعتلای کلمه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 40 - 15

15 - نصرت های خاص الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، عامل فروشکستن شعار و صولت کافران و اعتلا یافتن کلمه الله ( شعار

توحید )

فقد نصره الله . . . و جعل کلمه الذين كفروا السفلى و کلمه الله هي العليا

کلمات الله

ص: 110

#### 4- {کلمات الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 16, 3, 1

1 - قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إليکم الکتب . . . و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از «کلمت»، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

3 - نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیت عند الله . . . و نقلب . . . و کذلک جعلنا . . . و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: «نقلب أفئدتهم» و «ما كانوا لیؤمنوا» و «لکل نبی عدوا». لذا اگر مراد از «کلمت»، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

16 - ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . . . و هو السميع العليم

از وجوه محتمل در بیان تناسب «السمیع» با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

#### 5- بی شماری کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 27 - 6, 2, 1

1 - کلمات الهی ( مخلوقات ) بی نهایت و غیر قابل شمارش اند .

و لو أتت . . . ما نفدت کلمت الله

2 - در صورت تبدیل شدن همه درختان زمین به قلم و مرکب شدن دریا های متعدد ( بیش از هفت دریا ) جهت کتابت کلمات الهی ، کلمات خداوند تمام نخواهد شد .

لو أنّما في الأرض من شجرة أقلم و البحر يمدّه من بعده سبعة أبحر ما نفدت كلمت ال

«من» بیان برای «ما»ی موصول است و آوردن «شجره» با تاء وحدت به جای «شجر» برای این است که افاده استغراق کند به گونه ای که یکایک درختان را در برگیرد. گفتنی است که «سبعة أبحر» دلالت بر کثرت می کند و «من بعده» به معنای «بعد از اتمام آن دریا» و یا غیر از آن است.

6 - عزت و حکمت خداوندی ، دلیل بی شماری کلمات و مقدرات او است .

ما نفدت كلمت الله إنّ الله عزيز حكيم

جمله «إنّ الله عزيز حكيم» به منزله تعلیل برای «مانفدت. ..» است. بنابراین، معنا چنین می شود: «کلمات خداوند، پایان ناپذیر است؛ چون او حکیم و عزیز است».

ص: 111

## 6- تبدیل کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 34 - 13

13 - هیچ تبدیل کننده ای برای کلمات و سنتهای الهی وجود ندارد.

و لا مبدل لکلمت الله

## 7- تغییر ناپذیری کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 14

14 - کمال دین و تبدیل ناپذیری کلمات خدا بر اساس شنوایی و علم گسترده اوست.

و تمت کلمت . . . و هو السميع العليم

## 8- مراد از کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 17

17 - عن النبي (ع) فی قوله «و تمت کلمه ربک صدقا و عدلا» قال: لا إله إلا الله.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: مراد از «کلمه ربک در آیه «و تمت کلمه ربک . . .» «لا إله إلا الله» است.

کلمه توحید

## 9- اظهار کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 1 - 16

16 - «عن الباقر (ع) فی قول الله تبارک و تعالی «قل هو الله أحد» قال «قل» أى أظهر ما أوحینا إلیک و نبأناک به بتألیف الحروف الّتی

قرأناها لک . . . و «هو» اسم مکنّی مشار إلی غائب فالهاء تنبیه علی معنی ثابت و الواو اشاره إلی الغائب عن الحواس ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تبارک و تعالی «قل هو الله أحد» روایت شده که فرمود: «قل»؛ یعنی، آشکار کن آنچه را به تو وحی کردیم و تو را از آن به وسیله ترکیب حروفی که برای خوانندیم، آگاه ساختیم. «هو» اسمی است که با آن به غایب به صورت غیر صریح اشاره می شود. «هاء» یاد آور یک حقیقت ثابت و «واو» اشاره به وجودی است که از حواس پنهان می باشد (با حواس ظاهری قابل درک نیست)».

ص: 112

## 10- پاکي کلمه توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 24 - 4

4- کلمه توحيد (لا اله الا الله) ، سخني پاک و پسندیده است .

و هـدوا إلى الطيب من القول

با توجه به عبارت پيشين - که سخن از اهل توحيد و اهل شرک و فرجام کار موحدان و مشرکان بود - می توان گفت که مراد از «الطيب من القول» کلمه توحيد (لا اله الا الله) و مراد از «صراط الحميد» عبادت خدای يگانه است.

## 11- جذابيت کلمه توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 36 - 7

7- کلمه توحيد و شعار « لا إله إلا الله » سخني جذاب و گيرا برای مردم عصر بعثت

و إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون . و يقولون ... لشاعر

## 12- کلمه توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5- انعام - 6 - 115 - 17

17 - عن النبي (ع) في قوله «و تمت كلمه ربك صدقا و عدلا» قال: لا إله إلا الله.

از رسول خدا (صلی الله عليه و آله) روایت شده است: مراد از «کلمه ربك در آيه «و تمت كلمه ربك .. .» « لا إله إلا الله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 35 - 2

2- « لا إله إلا الله » شعار پیامبر اسلام (صلی الله عليه و آله)

إذا قيل لهم لا إله إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 1 - 3

3 - کلمات توحید ، باید بر زبان جاری گردد .

قل

**13- کلمه توحید در صدر اسلام**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 113



7 - کلمه توحید و شعار « لا إله إلا الله » سخنی جذاب و گیرا برای مردم عصر بعثت

و إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون . ويقولون ... لشاعر

ص: 114

## 4- کم فروشی

### 1- آثار کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 95 - 3

3- شرکورزی، ستمگری، کم فروشی و بی عدالتی در مبادلات، عامل های دوری از رحمت خدا و زمینه ساز هلاکت است.

وإلى مدین آخاهم شعیباً... ألا بُعداً لمدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 183 - 4

4- کم فروشی، تقلب در معامله و بی ارزش شمردن متاع مردم، از نمود های فسادگری است.

أوفوا الکیل... و لاتبخسوا الناس أشياءهم و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 5

5- کم فروشی، از بین برنده دیانت انسان و نمونه ای از فسق و سرکشی در برابر خداوند است.

ویل للمطففین... کلاً إن کتب الفجار لفی سجین

«فجور»؛ یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب) و به معنای فسق و عصیان نیز آمده است (قاموس). ارتباط این آیه با آیات پیشین،

بیانگر این است که از «فجار»، همان «مطففین» اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 10 - 3

3- کم فروشی و خیانت در معامله، تکذیب عملی روز قیامت است.

ویل للمطففین... ویل یومئذ للمکذبین

آیات مورد بحث درباره «مطففین» است و آنان را با عناوین «فجار» و «مکذبین» تهدید به عذاب الهی می کند. مراد از «یومئذ» همان «یوم

یقوم الناس...» است که در آیات پیشین گذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد؛ بنابراین آیه اختصاص به کافران

ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 11 - 3،4

ص: 115

3- کم فروشی و گناه پیشگی ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

ویل للمطفّفين .. کلاّ إنّ کتب الفجّار ... الذین یکذّبون بیوم الدین

4- کم فروشی ، زمینه ساز آلودگی به گناه و گناه زمینه ساز تکذیب قیامت است .

ویل للمطفّفين .. کلاّ إنّ کتب الفجّار ... الذین یکذّبون بیوم الدین

ترتیب آیات، ممکن است برخاسته از ترتیب پیدایش اوصاف ذکر شده در آن باشد.

## 2- آثار کم فروشی تاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 3 - 1

1- تاجرانی که در سنجش کالا خیانت ورزیده و هنگام فروش آن از پیمانانه و وزن می کاهند ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

و إذا کالوهم أو وزنوهم یخسرون

## 3- اجتناب از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 1

1- وجوب کامل کردن پیمانانه و کم نگذاشتن از آن ، در معاملات کیلی

و أوفوا الکیل إذا کلتم

## 4- احکام کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 9 - 2

2- حرمت کم فروشی ، مغبون ساختن دیگران و کم نهادن سهم طرف مقابل در مبادلات اقتصادی

و أقیموا الوزن بالقسط و لاتخسروا المیزان

## 5- اهمیت اجتناب از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 3

3- خیر و مصلحت واقعی انسان و جامعه ، در اجتناب کردن از کم فروشی و خیانت اقتصادی است .

و أوفوا الكيل . . . وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر

ص: 116

## 6- حرمت کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 19

19 - حرمت تصرف در اموال به دست آمده از راه ربا، قمار، کم فروشی و ظلم

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل

امام باقر(ع) در مورد «الباطل» در آیه فوق فرمود: بالربا و القمار و البخس و الظلم.

---

تفسیر تبیان، ج 3، ص 178؛ مجمع البیان، ج 3، ص 59؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 363، ح 10؛ نورالثقلین، ج 1، ص 472، ح 198.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 152 - 8، 6

6 - پرکردن پیمانه ها و مطابق بودن کالا با وزنه های ترازو، امری واجب در مبادله کالاها

و أوفوا الكيل و الميزان

«کیل» به معنای پیمانه کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کنند (پیمانه) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اكمال و اتمام است. اتمام و اكمال پیمانه به این است که پیمانه مورد استفاده تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اكمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنه های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

8 - بی عدالتی و کمفروشی در معاملات از محرمات الهی است.

أتل ما حرم ربکم . . . و أوفوا الكيل و الميزان بالقسط

جمله «أوفوا . . .» به دلیل «ما حرم ربکم»، بیانگر مصداقی از محرمات الهی است، بنابراین علاوه بر وجوب عدالت در مبادلات، حکایت از حرمت بی عدالتی و کمفروشی نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 25

25 - کمفروشی و کم مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم، حرام و از مصادیق فسادانگیزی در زمین است .

فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم و لا تفسدوا فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 85 - 8

8- کم فروشى و بى مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم ، حرام و از مصداق های فسادانگیزی در زمین است .

أوفوا المكيال و الميزان . . . و لاتعثوا فى الأرض مفسدين

ص: 117

## 7- زیان کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 35 - 5

5- کم فروشی و خیانت اقتصادی، به گمان جلب منافع بیشتر، بد فرجام و عملی زیان آور و نامیمون است.

و أوفوا الكيل .. ووزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر و أحسن تأویلاً

## 8- شگفتی کم فروشی مؤمنان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 4 - 5

5- کم فروشی، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است.

ألا یظنُّ أولئک أنهم مبعوثون

## 9- کم فروشی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 181 - 2

2- تمام دادن پیمانانه و پرهیز از کم فروشی، توصیه شعیب (ع) به مردم « ایکه »

أوفوا الكیل و لا تکنونوا من المخرسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 182 - 2

2- استفاده از ترازوهای ناسالم، از مشکلات اخلاقی مردم « ایکه » بود.

وزنوا بالقسطاس المستقیم

## 10- کم فروشی اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



19 - شعيب (ع) از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس پيمانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

فأوفوا الكيل و الميزان

کلمه «کیل» مصدر است و در آیه مورد بحث به معنای چیزی است که به وسیله آن کیل می کنند ؛ یعنی پیمانہ . «ایفاء» (مصدر اوفوا) به معنای اتمام می باشد و «اتمام کیل» به این است که گنجایش پیمانہ مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود . و ایفاء میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده کمتر از مقدار وزنه ها نباشد .

ص: 118

20 - شعيب از قوم خویش خواست تا به هنگام خريد ، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزشتر از آنچه هست جلوه ندهند .

و لا تبخسوا الناس أشياءهم

«بخس» به این معناست که چیزی را کمتر از واقع و حقیقتش نشان دهند. در مفردات آمده است: «بخس» یعنی چیزی را ظالمانه ناقص شمردن.

21 - ابتلای قوم شعيب به کمفروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی ، بارزترین انحراف اجتماعی - اقتصادی آنان بود .

فأوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 19، 17

17- کم فروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی ، رفتاری شایع در میان قوم شعيب

و لا تتقصوا المكيال و الميزان

19- قوم شعيب ، علی رغم برخورداری از مکت و دارایی و بی نیازی در گذران زندگی ، به کلاه برداری و کم فروشی روی آورده بودند .

لا تتقصوا ... إني أرىكم بخير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 85 - 3، 1

1- شعيب (ع) ، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس ، پیمانۀ ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نگاهند .

و يقوم أوفوا المكيال و الميزان بالقسط

«مکیال»؛ یعنی «پیمانۀ» و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانۀ مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

3- کم فروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی ، بارزترین انحراف اقتصادی قوم شعيب

و يقوم أوفوا المكيال و الميزان بالقسط

**11- کم فروشی اهل مدینه**

5 - « عن أبي جعفر (ع) [في قوله تعالى «ويل للمطففين»] قال: نزلت على نبيّ الله (صلى الله عليه وآله) حين قدم المدينة وهم يومئذ أسوأ الناس كيلاً فأحسنوا الكيل؛

از امام باقر(ع) [در باره قول خدای تعالی «ویل للمطففین»] روایت شده است که فرمود: هنگامی که پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) وارد مدینه شد، این آیه بر آن حضرت نازل گشت؛ در حالی که در آن زمان مردم مدینه در پیمانہ کردن از همه بدتر بودند (یعنی در وزن اجناس خیانت می نمودند) و پس از نزول این آیه، پیمانہ کردن را نیکو انجام دادند»

## 12- کم فروشی تاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 2 - 1

1 - برخورد دوگانه تاجران ، هنگام فروش کالا و خرید آن و به کار بردن سنجش دقیق با پیمانانه کامل تنها به هنگام خرید ، مایه زیان جامعه و زمینه ساز عذاب الهی است .

ویل للمطففین . الذین إذا اکتالوا علی الناس یتوفون

«اکتالوا»؛ یعنی، با پیمانانه کالا را دریافت کردند. حرف «علی» در آیه شریفه جایگزین حرف «من» شده است تا نشانگر متضرر شدن مردم از این گونه تجارت باشد.

## 13- کم فروشی صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 1 - 4

4- رواج کم فروشی در میان عصر بعثت

ویل للمطففین

## 14- کم فروشی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 4 - 5

5- کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است .

ألا یظنُّ أولئک أنهم مبعوثون

## 15- گناه کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 1 - 1

1 - کم فروشی ، گناهی بزرگ است و کم فروشان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

«طفیف» و «قلیل»، به یک معنا است. تطفیف کاستنی است که انجام دهنده آن در پیمانۀ کردن و وزن کردن خیانت کند و «ویل» در اصل به معنای عذاب و هلاکت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 4 - 5

5 - کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است .

ص: 120

ألا يظنّ أولئك أنهم مبعوثون

### 16- موانع کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 6 - 6،8

6 - توجّه به لحظه حضور در پیشگاه خداوند و در انتظار صدور حکم او بودن ، بازدارنده انسان از کم فروشی و خیانت به اموال مردم

ویل للمطفّفين . . . یوم یقوم الناس لربّ العلمین

8 - کم فروشی ، ناسازگار با اعتقاد به ربوبیت خداوند بر جهان هستی

ویل للمطفّفين . . . یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 18 - 7

7 - توجّه به فرجام ارجمند نیکوکاران ، بازدارنده انسان از کم فروشی و بی توجهی به حضور یافتن در نزد خداوند

ویل للمطفّفين . . . یوم یقوم الناس لربّ العلمین ... کلاً إنّ کتب الأبرار لفی عل

### 17- نهی از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 16

16- شعیب (ع) ، از مردم خویش خواست تا از مقدار پیمانانه ها و وزنه ها ، نگاهند و از کم فروشی بپرهیزند .

ولا تنقصوا المکیال و المیزان

«مکیال» به معنای پیمانانه است. ناقص گذاردن پیمانانه، یا به این است که آن را کم حجم تر از حد متعارف بسازند یا پیمانانه متعارف را پر نکنند. «میزان» هم به معنای ترازوست. ناقص گذاردن ترازو، یا به این است که وزنه های مورد استفاده در آن کمتر از حد معمول باشد یا جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه های آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 85 - 1

1- شعیب (ع)، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس، پیمانه‌ها را پر کنند و از وزنه‌های ترازو نگاهند.

و يقوم أوفوا المكيال و الميزان بالقسط

«مکیال»؛ یعنی «پیمانه» و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه‌های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه‌ها نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 121

2- تمام دادن پیمانہ و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم « ایکه »

أوفوا الكيل ولا تكونوا من المخسرین

کم فروشان

### 18- آثار تکذیب عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 10 - 5

5 - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّین . . . ویل یومئذ للمکذّبین

مراد از «مکذّبین» - به قرینه آیه بعد - تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه «ویل للمطفّین» بیان داشته است.

### 19- حتمیت احضار کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 7 - 2

2- احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّین . . . ألا یظنُّ أولئک ... کلاً

### 20- حسابرسی اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 7 - 2

2- احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّین . . . ألا یظنُّ أولئک ... کلاً



## 21- زمينه كيڤر كم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - مطففين - 83 - 6 - 7

7 - ربوبيت خداوند ، مقتضى مجازات حرام خواران و كم فروشان

ويل للمطففين . . . يوم يقوم الناس لرب العلمين

ص: 122

## 22- عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 94 - 10

10- ستمگران ، مشرکان و آنان که در مبادلات کم فروشی کرده و عدل و انصاف را رعایت نکنند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) هستند .

و أخذت الذین ظلموا الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 1 - 1

1 - کم فروشی ، گناهی بزرگ است و کم فروشان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل للمطففین

«طفیف» و «قلیل»، به یک معنا است. تطفیف کاستنی است که انجام دهنده آن در پیمانہ کردن و وزن کردن خیانت کند و «ویل» در اصل به معنای عذاب و هلاکت است. (لسان العرب)

## 23- کم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 1 - 2

2- جهنم ، جایگاه کم فروشان است .

ویل للمطففین

«ویل» را برخی به معنای دره ای خاص در جهنم، یا یکی از درهای آن دانسته اند. (لسان العرب).

## 24- کم فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 2

2- احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ويل للمطففين . . . ألا يظن أولئك ... كلاً

## 25- كيفر اخروي كم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 123

20 - مطففین - 83 - 4 - 2

2 - قیامت ، روز کیفر دیدن کم فروشان

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

### 26- کیفر مکذبان عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 10 - 5

5 - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ . . . وَيْلٌ لِّیَوْمِئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

مراد از «مکذِّبین» - به قرینه آیه بعد - تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه «وویل للمطففین» بیان داشته است.

### 27- محافظت از نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 6

6 - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ . . . إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِّينَ

### 28- محرومیت کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 4 - 6

6 - کم فروشان ، از رحمت خداوند دور و محروم اند .

أُولَئِكَ

اسم اشاره «أُولَئِكَ»، برای مشارالیه بعید به کار می رود که در آیه شریفه، گویای دوری کم فروشان از خداوند است.

## 29- مکان نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 7 - 6

6 - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ویل للمطففین . . . إنَّ کتب الفجار لفی سجين

ص: 124

### 30- مکذبان عذاب کم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 10 - 5

5 - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطففین . . . ویل یومئذ للمکذبین

مراد از «مکذبین» - به قرینه آیه بعد - تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه «ویل للمطففین» بیان داشته است.

ص: 125

1- آثار کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 64 - 6

6 - بی نیازی و واجد بودن همه کمالات ، شرط شایستگی برای ربوبیت و تدبیر امور عالم و آدم

وإنّ الله لهو الغنی الحمید

2- آثار کمال انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 17

17 - زمینه های کمال و ارزش های انسان ، جبران کننده فسادگری های اوست .

أتجعل فیها من یفسد فیها .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

چون خداوند پیش بینی فرشتگان مبنی بر فسادگری انسان را رد نکرد ولی با گوشزد کردن وجود استعدادی ویژه در او، خلقت و خلافت وی را موجه دانست؛ معلوم می شود: وجود آن استعداد در بشر جبران کننده جهات منفی اوست.

3- آثار کمال عقل محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 22 - 4

4 - مشاهده کمال عقلانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی معاشران آن حضرت ، دلیلی کافی بر مردود بودن ادعای جنون درباره او است .

و ما صاحبکم بمجنون

عنوان «صاحبکم» گویای مردود بودن اتهام جنون است؛ زیرا مصاحبت روز مرّه کسانی که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) تهمت جنون می زدند، با آن حضرت، مایه شناخت وضعیت فکری آن بزرگوار بوده و دستاویزی برای نسبت جنون باقی نمی گذارد.

#### 4- آثار کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 1 - 10

10- کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد لله الذی .. لم يجعل له عوجًا

#### 5- ایمان به کمال بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلیٰ - 87 - 2 - 5

5- باور به خالقیت خداوند و کمال بخشی او ، زمینه ساز تسبیح نام او و پرهیز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

تسبیح اسم .. الذی خلق فسوی

#### 6- دلایل کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 2

2- آسمان ها و زمین و موجودات مستقر در آنها ، خود گویاترین دلیل بر کمال آفریدگار و تنزیه او از شریک و هرگونه نقص و کاستی است .

تسبیح له السموات السبع والأرض ومن فیهنّ

«تسبیح» در لغت به معنای «تنزیه» است (مفردات راغب) و «تنزیه»؛ یعنی، دور دانستن خداوند از چیزهایی که بر او سزاوار نیست (مجمع البحرین). گفتنی است، تنزیه به دو صورت ممکن است: تنزیه به زبان گفتار و تنزیه به زبان حال. برداشت فوق مبتنی بر صورت دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 5

5- حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی



سبحن الذی خلق الأزواج کلّها . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 127

## 7- زمینه کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 8

8 - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

## 8- زمینه کمال مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 8

8 - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

## 9- عوامل کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 5

5- تمامی انسان ها ، حتی پیامبران به عنایت خداوند در رشد و کمال نیازمنداند .

و لقد آتینا إبرهیم رشد من قبل

## 10- فاقدان استعداد کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 23 - 5

5- فاقدان خیر و استعداد کمال ، ناشایست برای شمول هدایت های ویژه خداوند و توفیق یافتن به پذیرش معارف دین

ولو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم

## 11- فطريت كمال طلبى

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فیش

ص: 128

7- رشد و طهارت ، اموری فطری و مطلوب همه انسان ها است .

وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو ازکی لکم

جمله «هو ازکی لکم» به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد یافته تر و پاکیزه تر بودن) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت: رشد، بالندگی، طهارت و پاکی، امری مورد پذیرش و مطلوب همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - رشد و طهارت ، مطلوب و فطری همه انسان ها است .

ذلک ازکی لهم

جمله «ذلک ازکی لهم» به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد و پاکی) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت که پاکی و رشد، مورد پذیرش و مطلوب همگان است و این به سبب امری فطری خواهد بود.

## 12- کمال آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - جهان هستی خالی از هر نقص و کاستی است.

ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به صدر آیه، که بحث از موجودات هستی است، می توان گفت مراد از «الکتب» کتاب تکوینی و جهان هستی است و مراد از تقریط نکردن در آن نفی هرگونه نقص و کاستی می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - جهان هستی ، به سوی کمال در حرکت است .

ربّ العلمین

«ربّ»، به معنای تربیت کردن است و «تربیت» ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه «ربّ» مشترک لفظی میان وصف و مصدر است و در آیه مورد بحث معنای وصفی دارد.

### 13- کمال ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 1، 1، 4

ص: 129

1- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد آتینا إبرهیم رشدہ

1- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد آتینا إبرهیم رشدہ

4- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد آتینا إبرهیم رشدہ من قبل

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مراد از «من قبل» پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

#### 14- کمال اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 32

32 - دین اسلام ، شریعتی کامل و مورد رضایت خداوند

الیوم اکملت لکم دینکم و رضیت لکم الاسلام دیناً

#### 15- کمال انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 19

19 - فرشتگان ، ناآگاه به زمینه های کمال و ارزش های والای انسان

ینی أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 7

7 - انسان ، دارای استعداد ها و کمالات برین

و صورکم فأحسن صورکم

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که مقصود از صورت ، شامل صورت ظاهری (شکل و شمایل) و باطنی (استعدادهای زاینده صنایع و کمالات) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 8

8 - زیبایی و کمال ، از ویژگی های انسان و از نعمت های الهی برای او است .

خلق السموت .. فأحسن صورکم

برداشت یاد شده از آنجا که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های اعطایی به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 130

16 - از تبار نیکان و خداپرستان بودن ، از فضایل و کمالات آدمی

و كانت من القنتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 3

3 - انسان ، کامل ترین موجودات و ارجمندترین آفریده ها است .

لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم

مراد از «أحسن تقویم» - به قرینه آیه بعد - نقطه مقابل «أسفل سافلین» است؛ یعنی، هر انسانی در اصل خلقت خویش، از برترین نوع آفرینش برخوردار است و سقوط برخی از انسان ها به پست ترین حالت ها، عارضی و غیر اصیل است.

### 16- کمال ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 82 - 7

7 - کمال ایمان و درجات آن، وابسته به میزان پالایش آن از شرک و ظلم است.

الذین ءامنوا و لم یلبسوا ایمنهم بظلم

### 17- کمال جسمانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 5،7،9،12،15

5 - بیرون آورنده انسان ها از ناتوانی دوران جنینی و نوزادی و رساننده آنها به کمال جسمانی ، خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه

7 - از ضَعْف به کمال جسمانی رسیدنِ انسان ها و سپس فرتوت و ناتوان شدن آنان ، از آیه های خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف . . . و شبیه



9 - رسیدن انسان از مرحله ضعف و ناتوانی به توان مندی ، نشانه علم و قدرت خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف . . . و هو العلیم القدیر

12 - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها در قیامت است . \*

اللّٰه الذی خلقکم . . . یخلق ما یشاء

عبارت «یخلق ما یشاء» به قرینه آیه پنجاه - که در آن، بر توان مندی خداوند بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود - و نیز آیه پنجاه و پنج - که درباره برپایی قیامت است - می تواند درباره معاد و بازآفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

15 - رساننده انسان از دوران قوّت و توان مندی به دوران ضعف و ناتوانی ، خداوند است .

اللّٰه الذی . . . جعل من بعد قوّه ضعفاً و شیبه

ص: 131

## 18- کمال حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 1

1 - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً

نسبت دادن «إنشاء» به ضمیر متکلم مع الغیر - که برای بیان عظمت است - و نیز نکره آوردن «إنشاء» - که آن نیز دلالت بر عظمت دارد - حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

## 19- کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 191 - 26

26 - پی بردن خردمندان و اعتراف آنان به کمال مطلق پروردگارا ، پس از اندیشه در آفرینش

الَّذِينَ... يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا... سُبْحَانَكَ

تسیح به معنای پاک دانستن از هر عیب و نقصی است و لازمه نبود عیب و نقص برای خداوند، وجود تمام کمالات برای اوست و خردمندان با تفکر در آفرینش به چنین اعتقادی رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 87 - 10

10 - توجّه به الوهیت و کمال مطلق بودن خداوند ، موجب پذیرش خبر های او و اعتقاد به راستی آنها

و من اصدق من الله حديثا

تکیه بر اسم جلاله «الله» با وجود اینکه می توانست با ضمیر از آن یاد شود، اشاره به این معناست که الوهیت، ملازم حقایق تمامی اخبار اوست. یعنی چون «الله» است و کمال مطلق، اخبار او با واقع مطابقت دائمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 45 - 11

11 - خداوند کمال مطلق است.

و الحمد لله رب العلمین

ستایش همواره در برابر کمال صورت می پذیرد و مفاد «الحمد لله» اختصاص همه ستایشها به خداوند است، بنابراین هیچ کمالی نیست که خداوند فاقد آن و یا فاقد مرحله ای از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 2,4,6,8

2 - تنها خداوند دارای همه کمالات و منزله از هر نقص و کاستی است .

ص: 132

و لله الأسماء الحسنى

تقديم «لله» بر «الأسماء الحسنى» مفيد حصر است. وصف و اسمی که دلالت بر کمال مطلق نکند و حاکی از نقص و کاستی باشد، بهترین اسم و وصف نخواهد بود و جمله «و لله الأسماء الحسنى» چنین نامی را از آن خدا نمی داند.

4 - ضرورت نیایش به درگاه خدا با توصیف وی به کمالات مطلق و تنزیه او از هر نقص و عیب

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

6 - باور به خداوند دارنده تمام کمالات و منزّه از هر نقص و عیب، و ادراکننده انسان به ستایش و پرستش اوست.

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

حرف «فاء» در «فادعوه» سببیه است و دلالت می کند که لزوم پرستش و خواندن خدا به این سبب است که او همه کمالات را دارد و از هر عیب منزّه است.

8 - در نامیدن خدا و توصیف او باید نام ها و وصفهایی را عنوان کرد که گویای کمال مطلق است.

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 4

4 - خدا، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 18 - 15

15 - خدا، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 12 - 13

13- استقلال همه جانبه خداوند و کمال ذاتی او، مستلزم اختصاص توکل بر او

و ما لنا الا نتوكل على الله وقد هدينا سبيلنا .. وعلى الله فليتوكل المتوكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 16

16- غیر از خداوند، هیچ موجودی در کمال و جمال، کامل و مستقل نیست.

الحمد لله

بی شک همه موجودات جهان از نوعی کمال و جمال برخوردارند. بنابراین انحصار تمامی ستایشها به خداوند، می تواند گویای این حقیقت باشد که کمال و جمال آنها کامل و مستقل نیست؛ بلکه ناقص و وابسته به خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 10

10- همه موجودات، علاوه بر تنزیه خداوند از هرگونه شریک و نقص، بر اثبات تمامی شایستگی ها برای خداوند دلالت دارند

ص: 133

یسّیح بحمدہ

بنابر اینکه «با» در «بحمدہ» مصاحبت باشد، استفاده می شود که علاوه بر «تنزیه» او را حمد می کنند و چون حمد، در برابر کمال و شایستگی صورت می گیرد، موجودات با حمدشان، به وجود شایستگی و کمال خداوند اعتراف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 4

4 - خداوند ، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق «أسماء حسنی» نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 114 - 1

1 - خداوند ، در اوج کمال و حقیقتی بلندمرتبه و بی نظیر

فتعلی الله

«تعالی» به معنای، والا مرتبه است و مراد، برتر بودن صفات خداوند از صفات مخلوقات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 68 - 9

9 - خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 63 - 11

11 - خداوند ، دارنده کمال ها و زیبایی است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد. جمله «الحمد لله» دلالت می کند که خداوند، واجد صفات یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 7

7 - خداوند ، کمال مطلق است .

الحمد لله

چون همواره، حمد در برابر کمال صورت می گیرد، اختصاص یافتن حمد به خداوند، مفید این است که او واجد همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 134

14 - سجده - 32 - 15 - 7

7 - خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی ها است .

بِحمد ربِّهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 2

2 - خداوند ، واجد همه کمال ها است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال است و اختصاص دادن همه حمدها به خداوند، حکایت از آن دارد که او دارای همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 67 - 10

10 - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 1 - 3

3 - کمال ذات خدای یگانه هستی ، پیام یکایک موجودات جهان

سبِّح لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 1 - 12، 11

11 - خداوند ، دارای برترین مقام ها و کامل ترین ویژگی ها است .

ربِّک الأعلی



وصف «الأعلى» - به قرینه آیه بعد - به «ربّک» ارتباط دارد؛ نه «اسم ربّک».

12 - اختصاص والاترین مقام ها به خداوند ، دلیل لزوم تنزیه نام او از هر عیب و نقص است .

سَبِّح اسم ربّک الأعلى

وصف «الأعلى»، در مقام تعلیل برای «سَبِّح» است.

## 20- کمال رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 19 - 3

3 - فرستاده خداوند برای ابلاغ قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، واجد تمام کمالاتی است که برای پیام رسان ضروری است .

رسول کریم

ص: 135

هر چیز که در زمینه مربوط به خود، والا مرتبه باشد با وصف «کَرَم» توصیف می شود. (مفردات راغب)

## 21- کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 12

12 - توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 3

3- عفت و پاک دامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان است .

والتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند در مقام توصیف و تمجید مریم(س) - که در این آیات نام او در ردیف پیامبران قرار گرفته - صفت عفت و پاک دامنی او را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 8

8 - چشم پاکی و دوشیزگی ، از کمالات زن است .

فیهنَّ قصرت الطرف لم یطمثهنَّ إنس قبلهم ولا جان

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «قاصرات الطرف» اشاره به چشم پاکی زنان و «لم یطمثهنَّ..» اشاره به دوشیزگی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 2

2 - زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

کأنهنَّ الیاقوت والمرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 3

3 - نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 4

4 - زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

ص: 136

حور مقصورت فی الخیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 36 - 2

2- دوشیزگی ، از اوصاف پسندیده و از کمالات زن

فجعلنهنّ أبكارًا

## 22- کمال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 5

5- عفت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الّتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) - که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد - صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

## 23- کمال شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 169 - 14

14 - شهادت ، وسیله رشد و تکامل شهید

بل احياء عند ربّهم يرزقون

با توجه به معنای «ربّهم» که خداوند مرتبی و تربیت کننده شهیدان است، معلوم می شود که شهادت زمینه ای برای بهره مندی از ربوبیت خاص الهی است.

## 24- کمال طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 15 - 13

13 - انسان ، شیفته ابدیت و دوستدار زندگی جاوید است .

خالدین فیها

وعدہ بہ جاودانگی، آنگاہ نوید بہ حساب می آید کہ انسان خواهان آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 8

ص: 137

8 - انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

يَا أَيُّهَا النَّاسُ . . . فَاذْكُرُوا خَيْرًا لَكُمْ

جمله «خیراً لکم» خیرجویی و سعادت طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق واقعی خیر و سعادت که ایمان به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، رهنمون ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 4

4 - سوء استفاده شیطان از خصیصه کمال طلبی و منفعت جویی انسان برای گمراه سازی ایشان

و قاسمهما إني لكما لمن الناصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 30 - 12

12 - رشد و طهارت ، مطلوب و فطری همه انسان ها است .

ذلک ازکی لهم

جمله «ذلک ازکی لهم» به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد و پاکی) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت که پاکی و رشد، مورد پذیرش و مطلوب همگان است و این به سبب امری فطری خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 12

12 - انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

أنفقوا خیراً لأنفسکم

جمله «خیراً لأنفسکم»، خیرجویی و کمال طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق های واقعی خیر و سعادت (انفاق و...) رهنمون ساخته است.

**25- کمال علم خدا**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 61 - 5

5- علم و قدرت خدا، کامل و بی نقص است .

ذلک بأنّ اللّٰه یولج الّٰیل . . . وأنّ اللّٰه سمیع بصیر

## 26- کمال قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 61 - 5

ص: 138

5 - علم و قدرت خدا ، کامل و بی نقص است .

ذلک بأنّ اللّٰه یولج الّیل . . . و أنّ اللّٰه سمیع بصیر

## 27- کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 2 - 1

1 - قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلک الکتب

«ذلک» مبتدا و «الکتاب» خبر آن است. بر این مبنا «ال» در الکتاب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 6

6 - قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لولا نزل علیه آیه . . . ما فرطنا فی الکتب من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 1

1 - قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب . . . و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از «کلمت»، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 14

14 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جنّابک شهیداً علی هؤلاء و نزلنا علیک الکتب تبییناً لكلّ شیء و هدی



با توجه به ارتباط دو بخش آیه؛ یعنی، «و جننا بک شهیدا . . .» با «و نزلنا علیک . . .» و نیز بنابر اینکه «شهیداً» را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 9 - 2

2- قرآن ، کامل ترین کتاب هدایت

إن هذا القرآن یهدی للّتی هی أقوم

برداشت فوق بنابرین است که مفضل علیه «أقوم» صرفاً هدایت تورات نباشد؛ بلکه مفضل علیه محذوف، عام بوده و شامل همه کتابهای هدایتی باشد.

ص: 139

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 1 - 5

5- قرآن، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است.

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتب

«ال» در «الكتاب» برای استغراق صفات است؛ یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا- خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

### 28- کمال محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 14، 11

11- پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) کامل ترین و متعالی ترین انسان در طول تاریخ بشر

و جنابک شهیداً علی هؤلاء

برداشت فوق، بر این اساس است که «هؤلاء» اشاره به «شهیداً»؛ یعنی، گواهان هر امت داشته باشد که در این صورت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) تنها انسانی است که بر همه انسانهای طول تاریخ و گواهان آنان شرافت و برتری دارد.

14- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است.

و جنابک شهیداً علی هؤلاء و نزلنا عليك الكتب تبييناً لكل شيء و هدئ

با توجه به ارتباط دو بخش آیه؛ یعنی، «و جنابک شهیداً...» با «و نزلنا عليك...» و نیز بنابر اینکه «شهیداً» را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

### 29- کمال مطلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 45 - 11

11 - خداوند کمال مطلق است.

و الحمد لله رب العلمين

ستایش همواره در برابر کمال صورت می پذیرد و مفاد «الحمد لله» اختصاص همه ستایشها به خداوند است، بنابراین هیچ کمالی نیست که خداوند فاقد آن و یا فاقد مرحله ای از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 3

3 - همگان ، بجز خداوند ، دارای نقص و کاستی و فاقد کمال مطلق هستند .

و لله الأسماء الحسنى

برداشت فوق با توجه به حصری که از تقدیم «لله» به دست آمده، استفاده شده است.

ص: 140

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 7

7 - خداوند ، کمال مطلق است .

الحمد لله

چون همواره، حمد در برابر کمال صورت می گیرد، اختصاص یافتن حمد به خداوند، مفید این است که او واجد همه کمال ها است.

### 30- کمال معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 6

6 - معبودی جز دارنده بهترین اوصاف کمال ، سزاوار پرستش نیست .

الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى

### 31- کمال موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 15

15 - ارزش ها و کمالات موجودات جهان ، نمایانگر اقتدار و حکمت الهی

يسبِّحُ له... العزيز الحكيم

در صورتی که تسبیح وجودی و به زبان حال باشد، نمایانگر کمال وجودی موجودات است که خود حکایت از عزت و حکمت آفریدگار آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 2 - 4

4 - نبودن افراط و تفریط در ساختار مخلوقات ، دلیل لزوم تسبیح خداوند و اعتراف به دور بودن او از هر عیب و نقص

سبِّح اسم ربِّك... الذی خلق فسوٰی

وصف «الذی . . .»، بیانگر علت تسبیح است و حرف «فاء» در «فسوی» دلالت دارد که غرض اصلی از توصیف خداوند با جمله «خلق فسوی»، بیان تسویه است و ذکر خلقت، به عنوان مقدمه برای بیان تسویه می باشد.

### 32- کمال موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 3

3- موسی و هارون (ع) دو پیامبر رشد یافته و بهره مند از کمال، بعد از ابراهیم (ع) بودند .

ص: 141

ءاتینا موسی و هرون الفرقان . . . و لقد ءاتینا ابرهیم رشنه من قبل

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که مراد از «من قبل» زمان پیش از موسی و هارون (ع) باشد. از این مطلب به دست می آید که آن دو پیامبر نیز از چنین رشدی بهره مند بودند.

### 33- کمال مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 6 - 1

1 - مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند، کمال های برتر خویش را از دست نداده، از پستی ها دور مانده اند.

أحسن تقویم . . . أسفل سفلین . إلا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

### 34- کمال هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 3

3- موسی و هارون (ع) دو پیامبر رشد یافته و بهره مند از کمال، بعد از ابراهیم (ع) بودند.

ءاتینا موسی و هرون الفرقان . . . و لقد ءاتینا ابرهیم رشنه من قبل

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که مراد از «من قبل» زمان پیش از موسی و هارون (ع) باشد. از این مطلب به دست می آید که آن دو پیامبر نیز از چنین رشدی بهره مند بودند.

### 35- کمال همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 3

3- همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «فرش» در آیه شریفه - به قرینه آیه بعد (إنا أنشأناهنّ إنشاء) - همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف «مرفوعه» اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

### 36- مراتب کمال انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 2

2- استعداد ها و ظرفیت های وجودی آدمیان برای رشد و کمال ، متفاوت است .

ص: 142

و لقد آتينا إبراهيم رشد

از این که خداوند به ابراهیم (ع) رشد متناسب و مخصوص به او اعطا فرموده؛ به دست می آید که هر انسانی دارای قابلیت و استعداد مخصوص به خود و متفاوت با دیگران است.

### 37- مراتب کمال موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 15 - 3

3 - تفاوت و گوناگونی درجه ها و منزلت های موجودات (انسان ها ، فرشتگان و . . .)

رفیع الدرجت

### 38- منشأ کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 2 - 2

2 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیباییهاست .

الحمد لله

حمد در برابر زیباییها و کمالهاست و به مقتضای جمله «الحمد لله»، هر ستایشی از آن خداست. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 45 - 12

12 - خداوند سرچشمه همه کمالها و زیباییهاست.

و الحمد لله رب العلمین

چون تمامی ستایشها مخصوص خداوند است و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی است، پس همه کمالها و زیباییها از آن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



10 - كهف - 18 - 1 - 2

2- خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 9

9 - خدا ، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است .

فقل الحمد لله

ص: 143

ستایش در برابر کمال ها و زیبایی ها انجام می گیرد و به مقتضای «الحمد لله» (همه ستایش ها از آن خدا است)، نتیجه می گیریم که خدا، منشأ همه کمالات و زیبایی ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 59 - 4

4 - خدا، سرچشمه کمالات و زیبایی ها است .

الحمد لله

ستایش در برابر کمال و زیبایی انجام می شود و به مقتضای «الحمد لله» هر ستایشی در حقیقت، ستایش خدا است. بنابراین تمام کمال ها و زیبایی ها از او نشأت گرفته و او منشأ و سرچشمه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 2

2 - خدا، سرچشمه هر کمال و زیبایی است .

وقل الحمد لله

ستایش، در برابر کمال و زیبایی است و مقتضای «الحمد لله» - که در آن هر ستایشی از آن خداوند شمرده شده - این است که هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 4

4 - خداوند، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است .

له الحمد

حمد و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد و به مقتضای جمله «له الحمد» - که همه ستایش ها از آن خداوند شمرده شده است - به دست می آید که همه کمال ها و زیبایی ها از آن ذات مقدس سرچشمه می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 2

2 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله» هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمالی و زیبایی، از او نشأت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 6

6 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله» هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

ص: 144

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 182 - 2

2 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

«حمد» در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله»، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 14

14 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

حمد، در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله»، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 13

13 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

وقالوا الحمد لله .. وقيل الحمد لله

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله»، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 15 - 2

2 - خداوند بالا برنده درجات و منزلت های موجودات مستعد کمال

رفیع الدرجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 11

11 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد لله

«حمد» در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «الحمد لله» ثابت می شود که هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 1 - 9

9 - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

ص: 145

«حمد» در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله «له الحمد» هر ستایشی، به خداوند اختصاص دارد. بنابراین هر زیبایی و کمالی، از او نشأت گرفته است.

### 39- منشأ کمال ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 6،7

6- خداوند از پیش بر شایستگی ها و استعداد های ابراهیم (ع) آگاه بود .

و لقد آتینا ابرهیم رشده من قبل و کنا به علمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «و کنا به عالمین» حالیه باشد و ضمیر «به» به ابراهیم برگردد. بر این اساس پیام آیه شریفه مانند آیه (...اللّه أعلم حیث یجعل رسالته...) (انعام(6) 124) خواهد بود.

7- برخوردار شدن ابراهیم (ع) از رشد و کمال ویژه در پرتو عنایت الهی، بر اساس لیاقت ها و شایستگی های خود آن حضرت بوده است .

و لقد آتینا ابرهیم رشده من قبل

اضافه «رشد» به ضمیر، اضافه مصدر به مفعول خود است و نیز از نوع اضافه لامیه و افاده کننده اختصاص می باشد؛ یعنی، ما به ابراهیم(ع) رشد شایسته او و مخصوص شأن و منزلت والای او داده ایم.

### 40- منشأ کمال انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 38 - 3

3 - خداوند، وجود انسان را کامل و به دور از هرگونه کاستی و فزونی قرار داده است .

فسوی

«تسویه» و «تعديل» به یک معنا است (مصباح اللغه) و اعتدال هر چیزی، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است. «رجل سوی»؛ یعنی، مردی که اخلاق و خلقتش متعادل و از افراط و تفریط به دور است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خداوند ، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسویک

عبارت «سَوَاک»؛ یعنی، تو را «سَوَوِی» قرار داد. «سَوَوِی» به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط به دور باشد.  
(مفردات راغب)

ص: 146

#### 41- منشأ کمال دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 14

14 - کمال دین و تبدیل ناپذیری کلمات خدا بر اساس شنوایی و علم گسترده اوست.

و تمت کلمت ... و هو السميع العليم

#### 42- موانع کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 4 - 8

8 - فرزند گزینی خدا، برابر با ضعف و نقص ذات او و ناسازگار با کمال مطلق او

لو أراد الله أن يتخذ ولدًا .. سبحانه

#### 43- نشانه های کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 35 - 3

3 - برخورد شایسته و نیکو در برابر رفتار ناپسند دیگران، نشانه بهره مندی فرد از کمالات و ارزش های والای انسانی است.

ادفع بالتی هی أحسن ... و ما یلقیها إلا ذوحظ عظیم

#### 44- نشانه های کمال ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 5

5- مبارزه با اندیشه های خرافی و شرک آلود، تبلور رشد و کمال ابراهیم (ع) بود.

و لقد ءاتینا ابرهیم رشده .. إذ قال لأیبه و قومه ما هذه التماثیل

یعنی، اعطای رشد به ابراهیم (ع) هنگامی بود که او به پدر و قومش گفت. ...



## 45- نشانه های کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 8

8 - مالکیت مطلق خدا بر موجودات و حکمت و آگاهی او، جلوه ای از کمال های او است .

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الأرض.. وهو الحكيم الخبير

ص: 147

از آن جایی که حمد در برابر کمال است، آوردن صفت های مالکیت، حکمت و آگاهی پس از بیان اختصاص داشتن همه حمدها به خداوند، می تواند به منظور القای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 96 - 2

2- برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و میرا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

تفریع «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ» بر مطالب پیشین (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

ص: 148

## 6- کمبود

### 1- آثار ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 42 - 5،8

5 - نقش سختیها و کاستیها در سازندگی و تربیت انسان

فأخذنهم بالبأساء والضراء لعلهم يتضرعون

8 - سختیها و کاستیها، زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسانها

بل إياه تدعون... فأخذنهم بالبأساء والضراء لعلهم يتضرعون

### 2- ابتلا به کمبود باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 52 - 9

9- قوم عاد، بر اثر شرکورزی و ارتکاب گناه، به کمبود باران مبتلا شده بودند.

ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

### 3- ابتلا به کمبود محصول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 4

4 - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن ( ترس، گرسنگی، زیان های مالی و جانی و کم محصولی ) از مشکلات راه ایمان است.

لا تقولوا لمن يقتل... ولنبلونكم بشيء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و... پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از «الخوف و

«... ترسها و گرسنگی‌هایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می‌آید؛ یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و ... می‌باشد.

ص: 149

#### 4- ابتلای بنی اسرائیل به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 1

1 - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

وإذا استسقى موسى لقومه

#### 5- امتحان با کمبود محصول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 3

3 - خداوند با گرفتار ساختن مؤمنان به چیزهایی که زیان مالی و جانی و کمبود محصول را در پی داشته باشد ، آنان را می آزماید .

و لنبلونكم بشيء من ... نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات

#### 6- برادران یوسف و کمبود غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 17

17- فرزندان یعقوب غله دریافتی در سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می شمردند .

ذلک کیل یسیر

«ذلک» اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. «یسیر» به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

#### 7- دعای کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 14

14 - دعا و مناجات به درگاه خدا برای رفع کمبود آب ( استسقا ) امری نیکو و شایسته ، و وظیفه ای بر عهده رهبران دین

وإذ استسقى موسى لقومه

ص: 150

## 8- سوء استفاده از کمبود ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 47 - 5

5 - سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللكم بیغونکم الفتنة

## 9- عوامل ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 42 - 3

3 - گرفتاری امتهای گذشته به سختیها و کاستیها بر اثر مخالفت با انبیای الهی

و لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فأخذنهم بالبأساء والضراء

با توجه به آیات قبل، که درباره تکذیب آیات الهی و انبیا بود، می توان گفت جمله «فأخذناهم» نتیجه تکذیب آنان است ؛ یعنی: «فكذبوا فأخذناهم».

## 10- عوامل کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 96 - 11

11 - جوامع تکذیب کننده پیامبران الهی در خطر گرفتار شدن به کمبود ها و مشکلات زندگی

و لو أن أهل القرى ءامنوا . . . و لكن كذبوا فأخذنهم بما كانوا يكسبون

از مصادیق مورد نظر برای «فأخذنهم . . .» به دلیل آیه 94، گرفتار شدن تکذیب کنندگان انبیا به کمبودها و مشکلات است.

## 11- عوامل کمبود امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 52 - 10

10- شرک‌ورزی، ارتکاب گناهان و مخالفت با پیامبران الهی، از عوامل کمبود موهبت‌های دنیوی است.

استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا و یردکم قوّه

ص: 151



## 12- فلسفه ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 42 - 4

4- تضرع، هدف خداوند از گرفتار ساختن مردم به سختیها و کاستیها

فأخذنهم بالبأساء والضراء لعلهم يتضرعون

«تضرع» به معنای تذلل و خضوع است. (لسان العرب).

## 13- قوم عاد و کمبود باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 52 - 9

9- قوم عاد، بر اثر شرکورزی و ارتکاب گناه، به کمبود باران مبتلا شده بودند.

ثم توبوا إليه يرسل السماء عليكم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

## 14- کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 1

1 - قوم موسی، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند

و إذا استسقى موسى لقومه

## 15- کمبود آب در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 1

1 - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

وإذ استسقى موسى لقومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 6,7,9

6 - قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

ص: 152

إذ استسقه قومه . . . و أنزلنا عليهم المن و السلوى

7- بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

9- موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

و أوحینا إلی موسی . . . أن اضرب بعصاک الحجر

«ال» در «الحجر» هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از «الحجر»، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند «ال» برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از «الحجر» سنگی مخصوص بوده است.

### 16- کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 16 - 13

13 - « [قال الرضا (ع) ] . . . قول الله عزوجلّ « و أمّا إذا ما ابتلاه ربّه فقدر علیه رزقه » ای ضیق علیه رزقه ;

[امام رضا(ع)] درباره سخن خداوند عزوجلّ « . . . فقدر علیه رزقه » فرمود: یعنی روزیش را بر او تنگ سازد».

### 17- کمبود غذا در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 6

6- قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . . . و أنزلنا عليهم المن و السلوى

### 18- مصلحت در کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 62 - 7

7- فراخی و تنگی روزی بندگان ، برای رعایت مصلحت آنان است .

اللّٰهُ يَسِطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ . . . وَ يَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

«لام» در «لمن» و «له» هر دو، برای منفعت است. نیز به دنبال فراخی و تنگی روزی بندگان، یادآوری علم همه جانبه خدا، مفید این حقیقت است که قبض و بسط روزی انسان ها، تابع مصالحی است و آنها را، خدا می داند.

## 19- منشأ کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 153

2 - مشیت خداوند ، تعیین کننده فراوانی و کمی روزی است .

اللّٰه یسّط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له

3 - خداوند ، به هرکسی که خود بخواهد ، روزی کم عطا می کند .

اللّٰه یسّط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له

«قدر» و «تقدیر» تبیین کمیت چیزی است (مفردات راغب)، به قرینه مقابله با «یسّط»، «یقدر» در آیه، به معنای «کم و ضیق» است.

6 - فراخی و ضیق روزی بندگان ، ناشی از علم خدا به همه چیز است .

اللّٰه یسّط الرزق .. و یقدر له إنّ اللّٰه بکلّ شیء علیم

## 20- نجات از کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 14، 4، 2

2 - موسی (ع) از خداوند خواست ، تا قومش را از کمبود آب رهایی بخشد .

و إذا استسقی موسی لقومه

«استسقاء» در لغت به معنای طلب کردن آب است و در اصطلاح شرعی دعا به درگاه خداوند است به نحوی خاص برای نزول باران.

4 - خداوند ، دعا و درخواست موسی (ع) (دستیابی به آب) را سریعاً اجابت کرد .

فقلنا اضرب بعصاک الحجر

حرف «فاء» در «فقلنا» اشاره به این دارد که میان دعای موسی و اجابت آن فاصله زمانی نبوده است.

14 - دعا و مناجات به درگاه خدا برای رفع کمبود آب (استسقا) امری نیکو و شایسته ، و وظیفه ای بر عهده رهبران دین

و إذا استسقی موسی لقومه

کمبودها

## 21- سوء استفاده از کمبودها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 47 - 5

5 - سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللکم بیغونکم الفتنه

ص: 154

## 7- کنترل اجتماعی

### 1- کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 18

18 - مبارزه با فساد و فسادانگیزی ، از اهداف مهم انبیا

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 14

14 - فرمان به کار های شایسته و برحذر داشتن از کار های ناروا ( امر به معروف و نهی از منکر ) از وظایف اساسی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از اهداف رسالت او

یأمرهم بالمعروف و ینهیهم عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 10،13،15

10 - باور مصلحان یهود به ربوبیت خداوند بر بندگان ، وادارکننده ایشان به تلاش برای اصلاح جامعه و بازداری منحرفان از گناه و تجاوز

قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق از آوردن اسم «رب» استفاده شده است.

13 - تلاش برای اصلاح جامعه و نهی از منکر ، امری لازم بر عهده همگان

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

15 - پرهیزکنندگان از فساد در صورتی که برای بازداری جامعه از گناه تلاش نکنند ، در پیشگاه خداوند مسؤولند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مؤمنان وظیفه دارند برای از میان بردن کدورت ها ، درگیری ها و اختلافات خویشان تلاش کنند .

و أصلحوا ذات بینکم

ص: 155



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 25 - 3,5

3 - اهل ایمان موظف به مبارزه با فتنه هایی که شعله های آن دامنگیر کل جامعه است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین

عامل فتنه در مورد بحث - چنانچه گذشت - گناه و ستمکاری است و مرتکب این گناه به دلیل «ظلموا منکم» تنها برخی از افراد جامعه هستند. بنابراین امر به اتقا (اتقوا فتنه) نسبت به مخاطبان متفاوت خواهد بود. یعنی نسبت به گنهکاران و ستم پیشگان، پرهیز از خود گناه است و نسبت به آنان که مرتکب نمی شوند، جلوگیری از ارتکاب آن است.

5 - تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاکم لما یحییکم . . . و اتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

## 2- ابزار کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 179 - 2

2 - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه . . . لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 12

12 - نهی از منکر وسیله ای برای بازداری مردم از گناهان

و لعلهم یتقون

## 3- اهمیت کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 2,4

2- دعوت مردم به کارهای پسندیده، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و أمر بالعرف

«عرف» به معنای (شناخته شده) است و مراد از آن کارهایی است که در شرع و عقل به پسندیده بودن شناخته شده است.

4- گذشت از لغزشها، دعوت مردم به کارهای نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

ص: 156

#### 4- روش کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 6 - 3

3 - برخی از مؤمنان به سبب مخالفتشان با حرکت به سوی جنگ بدر ، مورد سرزنش و توبیخ خداوند قرار گرفتند .

يجدلونك فى الحق بعد ما تبين

#### 5- روشهای کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 118 - 10،18

10 - مبارزه منفی و تحریم روابط با خطاکاران ، از روش های مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

ضاقَت عليهم الأرض . . . و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه شریفه است که مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوک، قطع رابطه کردند.

18 - فراهم آوردن زمینه و شرایط مناسب توبه برای خطاکاران - پس از یک دوره مبارزه منفی - از روش های مؤثر و سازنده در اصلاح آنان

و على الثلثة الذين خلفوا حتى إذا ضاقت عليهم الأرض . . . ثم تاب عليهم ليتوبوا إن

#### 6- زمینه کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 19

19 - توجه به خدادادی بودن نعمت ها و به یاد داشتن همواره آن ، زمینه ساز پرهیز آدمی از فسادانگیزی است .

فاذكروا الاء الله و لاتعثوا فى الأرض مفسدين

نهی از فسادانگیزی (لا- تعثوا) در پی توجه دادن به نعمتهای الهی، اشاره به این نکته دارد که توجه به نعمتهای الهی می تواند آدمی را از فسادانگیزی بر حذر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - توجه جوامع بشری به فرجام شوم تکذیب کنندگان انبیا، زمینه ساز نگرانی ایشان در ابتلا به عذاب الهی و مایه گرایش آنان به ایمان و تقواست .

ولو أن أهل القرى . . . أفأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

جمله «أفأمن . . .» عطف بر جمله «فاخذنهم بما كانوا يكسبون» است. یعنی آیا اقوام و ملت‌های کفرپیشه پس از آگاهی به سرنوشت شوم تکذیب کنندگان انبیا، باز هم عذاب الهی را انکار می کنند و خویشتن را از گرفتار آمدن به آن مصون می پندارند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 157

3 - فرجام شوم کفرپیشگان گنهکار تاریخ، زمینه ای مناسب برای پندگیری و عبرت آموزی است.

أولم يهد للذين يرثون .. أن لو نشاء أصبناهم بذنوبهم

از مصادیق مورد نظر برای «ذنوب»، به قرینه آیات قبل و آیه بعد، کفر و انکار آیات الهی است.

### 7- شیوه کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 7 - 11

11 - لزوم یادآوری حقایق آموزنده تاریخ

إذ يعدكم الله إحدی الطائفتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 20 - 3

3 - مؤمنان در معرض تخلف از دستورات خدا و رسول و نیازمند هشدار

يأیها الذین ءامنوا .. ولا تولوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 57 - 1,6

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید.

فإما تتقنهم فی الحرب فشردهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. «باء» در «بهم» سببیه است که به دلیل «فی الحرب» کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از «من خلفهم» یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله «فشردهم» چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

6- عبرت گرفتن از سرنوشت پیمان شکنان جنگ آفرین علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جامعه اسلامی، از اهداف فرمان خداوند بر شدت مجازات آنان

فشردهم من خلفهم لعلمهم یذکرون

«تذکر» (مصدر یذکرون) به معنای دریافتن و همواره به خاطر داشتن است. جمله «لعلهم یذکرون» تعلیل برای «فشردهم» است. یعنی هدف از شدت مجازات این است که کفرپیشگان، توان مسلمین را دریابند و همواره به خاطر بسپارند تا در آینده علیه جامعه اسلامی توطئه نکنند.

## 8- عوامل کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 158

5- توجه به محدود بودن زندگی و مجالهای آن، مایه پرهیز از محرمات الهی است.

حرم ربی الفوحش . . . و لكل أمه أجل فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 18 - 2

2- ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذکم

حرف «کم» در «ذکم» خطاب به اهل ایمان است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 25 - 6

6- توجه به شدت عقاب الهی، زمینه ساز پرهیز از گناهان و ستمگریها

و اتقوا فتنه . . . و اعلموا أن الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 47 - 10

10- توجه به احاطه علمی خداوند بر کردار آدمی، عامل اجتناب وی از سرمستی و ریاکاری و جلوگیری از راه خدا

و لا تكونوا . . . و الله بما تعملون محيط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 52 - 11، 9

9- باور به توانمندی خدا و شدت کیفر های وی زمینه ساز پرهیز آدمی از کفرورزی و ارتکاب گناه

فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوي شديد العقاب

هدف از توصیف خداوند با جمله «إن الله . . .» پس از بیان مؤاخذه کفرپیشگان گنهکار این است که انسانها با باور به نیرومندی خدا و

شدید العقاب بودن وی، از مخالفت با وی پرهیزند و رو به کفر و گناه نیاورند.

11 - توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

كدأب ءال فرعون . . . إن الله قوی شدید العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گناهکاران هشدار است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 94 - 13

13 - توجه انسان به نظارت شدن اعمالش از سوی خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، بازدارنده او از تخلف و کجروی

و سیری الله عملکم و رسوله

تذکر به نظارت خدا و رسول او، ظاهراً در راستای دور نمودن متخلفان از انحراف و کجروی است.

ص: 159



## 9- لوط (ع) و کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 4

4 - بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

## 10- مسؤول کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 94 - 11

11 - لزوم توجه و نظارت خاص رهبر نظام اسلامی ، نسبت به عملکرد منافقان و عناصر متخلف از وظایف اجتماعی

و سیری الله عملکم ورسوله

اختصاص یافتن رؤیت به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) - با اینکه همه مردم عملکرد متخلفان را شاهد خواهند بود - شاید از آن جهت باشد که نظارت آن دو، نقش اساسی در برخورد با آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق با الغای خصوصیت از «رسوله» و تعمیم آن به جایگاه اجتماعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

ص: 160

1- کيفر اخروي کنز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - توبه - 9 - 35 - 1

1 - دفينه های زراندوزان در قیامت وبال گردن و ابزاری برای شکنجه و عذاب آنان ، خواهد گشت .

و الذين يكتزون الذهب و الفضة . . . يوم يحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

2- کيفر کنز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 10

10 - آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذين يكتزون الذهب و الفضة و لا ينفقونها فی سبیل اللّٰه فبشرهم بعذاب أليم

3- مراد از کنز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 17

17 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است : « . . . من رفع دیناراً أو درهماً أو تبراً أو فضه لا یعده لغريمه و لا ینفقه فی

سبیل اللّٰه فهو کنز یکوی به یوم القیامه ؛

کسی که درهم و دینار (پول رایج) یا طلا و نقره ای را ذخیره کند ، - بدون اینکه برای طلبکار کنار بگذارد - و آن را در راه خدا انفاق نکند

این مال کنز است و در قیامت، به وسیله آن داغ زده می شود».

4- مقدار کنز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 15

15 - « لما نزلت هذه الآية « و الذين يكتزون الذهب و الفضه و لا ينفقونها في سبيل الله . . . » قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : . . .  
كل مال لا تؤدى زكاته فهو كنز و ان كان فوق الأرض ;

هنگامی که آیه «کنز» نازل شد رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمود: . . هر مالی که زکات آن داده نشود، کنز است اگر چه روی زمین باشد».

ص: 162

## 9- کنیز

### 1- آثار تملک کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 6 - 2

2 - ازدواج یا تملک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

و الذین هم لفروجهم حفظون . إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 30 - 3

3 - ارضای غرایز جنسی ، به گونه ای مشروع ( اختیار همسر یا تملک کنیز ) ، امری مقبول و مورد پذیرش اسلام

إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

### 2- آموزش کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 32

32 - کنیزان وادار شده به فحشا از سوی مالکان ، مورد آموزش و مشمول رحمت خدا هستند .

و من یکرههنّ فإنّ الله من بعد إکرههنّ غفور رحیم

### 3- آموزش با کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 6 - 1

1 - لزوم حفظ و نگه داری دامن از همگان ، جز از همسر و کنیز خویش

و الذین هم لفروجهم حفظون . إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

استثنا در آیه فوق، استثنای مفرغ (خالی از مستثنی منه) است. با توجه به این که حذف «مستثنی منه» در کلام موجب، جایز نیست، حذف

آن در آیه بالا بدان جهت است که «حافظون» متضمن معنای نفی است؛ یعنی، «لایرسلونها علی أحد إلا علی أزواجهم أو ما ملکت  
ایمانهم؛ مؤمنان در آمیزش با احدی، خود را آزاد و رها نمی سازند؛ مگر با همسران خود یا کنیزانی

ص: 163

که در تملک آنان قرار دارند».

#### 4- اباحه کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 50 - 30

30 - داشتن کنیز ، امری جایز و مباح است .

قد علمنا ما فرضنا علیهم فی . . . و ما ملکت أیمانهم

#### 5- احسان به کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 14

14 - لزوم احسان به در راه ماندگان ، غلامان ، کنیزان و زبردستان

احساناً . . . و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم

ابن سبیل (پسر راه)، در اصطلاح به مسافری گفته می شود که زاد و توشه خویش را از دست داده و در مانده شده است.

#### 6- احکام کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 4

4 - کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزواجکم . . . نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

«نساء المؤمنین» انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 30 - 2

2- ازدواج با تملک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

ص: 164

## 7- ازدواج با کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 3 - 10، 11، 9

9 - جواز تملک کنیزان متعدد و بهره گیری جنسی از آنان

فواحدہ او ما ملکت ایمانکم

تعیین نکردن عدد در کنیزان در مقابل تعیین عدد در غیر آنان دلیل جواز بهره گیری جنسی از کنیزان متعدد است.

10 - مشروعیّت ازدواج با کنیزان متعدد

فواحدہ او ما ملکت ایمانکم

«فواحدہ»، به قرینه صدر آیه، مفعول برای «انکحوا» است. یعنی «فانکحوا واحدہ»، و به مقتضای عطف، «ما ملکت» نیز مفعول آن خواهد بود. گفتنی است که بنابراین مبنا مخاطب در «ایمانکم»، شخصی که تصمیم به ازدواج دارد، نمی باشد.

11 - اکتفا به یک همسر یا بهره گیری از کنیزان، بهترین و نزدیکترین راه برای منحرف نشدن از عدالت در مورد زنان

فواحدہ او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا

«ذلک»، اشاره به «واحدہ او ما ملکت ایمانکم» است. و «الا تعولوا»، از ماده «عول» به معنی کجروی و ستم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 14

14 - حرمت ازدواج با کنیزان مسلمان و کنیزان اهل کتاب \*

احل . . . و المحصنت و المحصنت من الذین اتوا الکتب من قبلکم

بنابر اینکه مراد از «المحصنت» در آیه مورد بحث، زنان آزاده باشند. گفتنی است که ازدواج با کنیزانی که مسلمان هستند، با شرایطی که در آیه 25 سوره نساء گذشت، تجویز شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 -



1 - جواز ازدواج با کنیزان مسلمان

فمن ما ملکت ایمانکم من فتیاتکم المؤمنات

2- جواز ازدواج با کنیزان، مشروط به نداشتن تمکن مالی برای ازدواج با زنان آزاده مؤمن

و من لم یستطع منکم طولا ان ینکح المحصنات المؤمنات فمن ما ملکت ایمانکم

مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) است که درباره معنای «طولاً» فرمود: من لم یجد منکم غنی.

---

مجمع البیان، ج 3، ص 54؛ نورالثقلین، ج 1، ص 469، ح 183.

3 - ازدواج با کنیزان غیر مؤمن جایز نیست.

فمن ما ملکت ایمانکم من فتیاتکم المؤمنات

6 - اظهار ایمان از سوی کنیزان، مجوز ازدواج با آنان

من فتیاتکم المؤمنات و الله اعلم بایمانکم

تذکر به علم کامل الهی به ایمان انسانها، پس از مشروط دانستن ازدواج با کنیزان به ایمان، اشاره به این است که برای ازدواج با کنیزان ایمان ظاهری کافی است.

11 - مبارزه اسلام با تحقیر کنیزان و ننگ دانستن ازدواج با آنان

من فتياتکم المؤمنات . . . بعضکم من بعض

12 - ازدواج با کنیز، مشروط به اذن مالک اوست .

فانکوهنّ باذن اهلهنّ

«اهل کنیز»، همان مالک اوست.

18 - جواز ازدواج با کنیز، مشروط به پاکدامنی او

فمن ما ملکت ایمانکم . . . محصنات غیر مسافحات

ظاهراً کلمه «محصنات»، حال است برای «ما ملکت ایمانکم». بنابراین جواز ازدواج را مشروط می کند به احصان و پاکدامنی کنیز.

19 - ازدواج با کنیزان زناکار جایز نیست .

فانکوهنّ . . . غیر مسافحات

20 - ازدواج با کنیز رفیق‌باز جایز نیست .

فانکوهنّ . . . غیر مسافحات ولا متّخذات اخدان

«اخدان»، جمع «خدن» و به معنی دوست و رفیق است.

22 - پاکدامنی کنیز پس از ازدواج، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهریه) متعارف به وی \*

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات ولا متّخذات اخدان

بنابر اینکه «محصنات غیر مسافحات»، حال برای مفعول اول «اتوهنّ» باشد که در این صورت «محصنات» قید برای «اتوا» می شود.

25 - ترس از گرفتار شدن در تنگناهای مشقت‌بار جنسی، مجوز ازدواج با کنیزان

فانکوهنّ . . . ذلک لمن خشی العنت منکم

«عنت» بمعنی مشقت است و مراد از آن به مناسبت مورد، مشقت‌هایی است که از ناحیه جنسی به آدمی وارد می شود. «ذلک» اشاره به ازدواج با کنیزان است.

26 - ترس از ابتلا به زنا و فحشا، مجوز ازدواج با کنیزان \*

ذلک لمن خشی العنت منکم

بسیاری از مفسران بر آنند که مراد از «عنت» در آیه شریفه، زناست.

31 - خویشتن داری در غریزه جنسی ، بهتر از ازدواج با کنیزان

فمن ما ملکت ایمانکم .. ذلک لمن خشی العنت منکم

در برداشت فوق متعلق صبر، «عنت» به معنای مشقت گرفته شده است و مفضل علیه کلمه «خیر»، ازدواج با کنیز فرض شده است. یعنی «ان تصبروا علی العنت خیر لکم من نکاحهن».

35 - تجویز ازدواج با کنیزان ، مظهري از غفران و رحمت الهی

و من لم یستطع منکم .. فمن منا ملکت ایمانکم ... و اللّٰه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 30 - 2

2 - ازدواج با تملک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

ص: 166

## 8- استمتاع از کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 24 - 2

2 - جواز بهره گیری جنسی از کنیز شوهردار برای مالک وی

حرمت ... و المحصنات من النساء إلا ما ملکت ایمانکم

لازم به تذکر است که حکم مذکور دارای شرایطی است که در فقه بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 30 - 2

2 - ازدواج با تملک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلا علی أزوجهم أو ما ملکت ایمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 31 - 1

1 - ارضای غرایز جنسی ، جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون

«عدوان» (مصدر «عادون»)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

## 9- استیذان کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 25

25 - « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : يا أيها الذين آمنوا ليستئذنبكم الذين ملکت ایمانکم والذین لم يبلغوا الحلم منکم ثلاث

مرات » قيل : من هم ؟ فقال : هم المملوکون من الرجال و النساء و الصبيان الذین لم يبلغوا الحلم ؛

امام صادق (ع) در پاسخ این سؤال که مراد از « الذین ملکت ایمانکم و الذین لم يبلغوا الحلم منکم » چه کسانی اند؟ فرمود: آنان بردگان

اند؛ چه غلامان [باشند] و چه کنیزان و کودکانی که به سن بلوغ نرسیده اند. ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 22, 39, 21

21 - واداشتن کنیزان عقیف ، بر فحشا و فساد جنسی ، حرام است .

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا

22 - سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی ، حرام است .

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

نهی از واداشتن کنیزان به فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

39 - « عن علي بن أبي طالب (ع) في قوله: « ولا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء » قال: کان أهل الجاهلیه بیغین إمائهم فنهوا عن ذلک فی الإسلام;

حضرت علی بن ابی طالب(ع) درباره سخن خدا «و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء» فرمود: اهل جاهلیت کنیزان خود را به زنا وادار می کردند. سپس در اسلام از این کار نهی شدند».

### 11- انفاق به کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 10 - 19

19 - « عن محمد بن علی (ع) أنه قال: « أنفقوا من ما رزقناکم » قال: ممّا رزقکم الله علی ما فرض الله علیکم فیما ملکتم ایمانکم . . . »;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «أنفقوا من ما رزقناکم» روایت شده که فرمود: از آنچه خداوند به شما روزی داده، انفاق کنید بر کسانی که غلام یا کنیز شما هستند؛ همان گونه و همان مقدار که خداوند بر شما واجب کرده است. ..».

### 12- تملک کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 30 - 2

2- ازدواج با تملک کنیزان، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلا علی أزوجهم أو ما ملکتم ایمنهم

### 13- حجاب کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 59 - 12, 4

4- کنیزان، در پوشش و حجاب، حکم زنان آزاده را ندارند.

قل لأزواجک . . . نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

«نساء المؤمنین» انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

12 - بر زنان مؤمن آزاده، لازم است با پوشش مناسب، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند.

يدنين عليهنّ من جليبيهنّ ذلك أدنى أن يعرفن فلا يؤذین

متعلق «يعرفن» می تواند «من الإماء» باشد و می تواند چیزی شبیه «إتھنّ حرائر» باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

ص: 168

## 14- حد زناى كنيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 25 - 24، 23

23 - حدّ زناى كنيزان مسلمان ، نيمى از حدّ زناى آزاده است .

فاذا احصنّ فان اتين بفاحشه فعليهن نصف ما على المحصنات من العذاب

چون فعل «احصنّ» مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمير آن به «مؤمنات» بر مى گردد، هر دو قيد، يعنى مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده مى شود. مؤيد معنای مذکور برای «احصنّ» در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: يعنى نکاحهنّ ... .

---

تفسير عياشى، ج 1، ص 235، ح 96؛ نورالثقلين، ج 1، ص 470، ح 190.

24 - كنيز شوهردار ، در صورت ارتكاب هر نوع فحشا ، مستحق نيمى از كيفر زن آزاد \*

فاذا احصنّ فان اتين بفاحشه فعليهن نصف ما على المحصنات

در برداشت فوق، «فاحشه» به معنای مطلق کار زشت گرفته شده، نه به معنای «زنا».

## 15- حقوق كنيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 25 - 14، 11

11 - مبارزه اسلام با تحقير كنيزان و ننگ دانستن ازدواج با آنان

من فتياتكم المؤمنات .. بعضكم من بعض

14 - وجوب پرداخت اجرت ( مهریه ) به كنيزان بر طبق معيار هاى متعارف جامعه

واتوهنّ اجورهنّ بالمعروف

## 16- حليت كنيز برای محمد(صلى الله عليه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش



10 - بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) غیر از همسران تعیین شده، تنها کنیز، حلال و مباح بود.

لا یحلّ لک النساء من بعد . . . إلا ما ملک یمینک

### 17- حمایت از کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 169

29 - کنیزان پاکدامن و شخصیت انسانی آنان، مورد حمایت اسلام است .

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء إن اردن تحصنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

### 18- زمینه ازدواج کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 32 - 4,5

4 - اولیای بردگان و کنیزان صالح و نیکو کردار، موظف به فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای آنان .

و أنکحوا .. و الصالحین من عبادکم و إمائکم

5 - فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای بردگان و کنیزان شایسته اداره زندگی مشترک، تکلیفی است بر عهده اولیای آنان .

و أنکحوا .. و الصالحین من عبادکم و إمائکم

برداشت یاد شده، براین اساس است که مقصود از صلاح در «الصالحین» - به قرینه این که سخن از ازدواج افراد غیر متأهل است و آنان نوعاً از قشر جوان و نوجوانان اند - صلاحیت برای امر ازدواج باشد؛ یعنی، به حدی از رشد و بلوغ رسیده باشند که شایستگی اداره زندگی مشترک را داشته باشند.

### 19- شخصیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 26

26 - شخصیت و کرامت انسانی کنیزان، به منزله شخصیت و کرامت دختران آزاد است .

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء .. إن اردن تحصنًا

«فتیات» (جمع «فتیه») به معنای دختران جوان است (لسان العرب). برداشت یاد شده از تعبیر «فتیاتکم» (دختران جوانتان) به جای «إمائکم» (کنیزانتان) - با آن که مقصود از دختران جوان، همان کنیزان است - استفاده شده است.

### 20- عفت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

22 - پاکدامنی کنیز پس از ازدواج، شرط لزوم پرداخت اجرت ( مهریه ) متعارف به وی \*

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متّخذات اخدان

بنابر اینکه «محصنات غیر مسافحات»، حال برای مفعول اوّل «اتوهنّ» باشد که در این صورت «محصنات» قید برای «اتوا» می شود.

ص: 170

## 21- کنیز صالحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 32 - 4,5

4 - اولیای بردگان و کنیزان صالح و نیکو کردار ، موظف به فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای آنان .

و أنکحوا .. و الصالحین من عبادکم و إیمانکم

5 - فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای بردگان و کنیزان شایسته اداره زندگی مشترک ، تکلیفی است بر عهده اولیای آنان .

و أنکحوا .. و الصالحین من عبادکم و إیمانکم

برداشت یاد شده، براین اساس است که مقصود از صلاح در «الصالحین» - به قرینه این که سخن از ازدواج افراد غیر متأهل است و آنان نوعاً از قشر جوان و نوجوانان اند - صلاحیت برای امر ازدواج باشد؛ یعنی، به حدی از رشد و بلوغ رسیده باشند که شایستگی اداره زندگی مشترک را داشته باشند.

## 22- کنیز مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 3

3 - کنیز مؤمن برای همسری شایسته تر است از آزاد زن مشرک ؛ هر چند زیبا و دلربا باشد .

و لأمه مؤمنه خیر من مشرکه و لو اعجبتکم

## 23- مالکیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 15

15 - کنیز ، مالک مهریه خویش

فمن ما ملکتم ایمانکم .. و اتوهنّ اجورهنّ

از اینکه خداوند تصریح می کند که مهریه کنیز را به خود او بدهید (اتوهنّ اجورهنّ) و فرمود که: اتوا اجورهنّ، معلوم می شود مالک مهریه، خود کنیز است نه مالک او.

## 24- محرومیت مالک کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 33

33 - برده داران و ادار کننده کنیزان خویش به فحشا و فساد جنسی ، محروم از آموزش و رحمت خدا هستند .

و من یکرههنّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در آیه یاد شده متعلق «غفور» و «رحیم» ذکر نشده است. با توجه به این که بعید است خداوند به برده داران، به خاطر گناه اکراهشان و نیز مورد هشدار قرار گرفتن آنان وعده غفران و رحمت بدهد، به نظر می رسد مقصود کنیزانی خواهد بود که

ص: 171

مجبور به فحشا شده اند. بر این اساس اختصاص یافتن این وعده به کنیزان، حاکی از محرومیت برده داران از این موهبت است.

## 25- مشروعیت تملک کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 6 - 3

3 - ارضای غرایز جنسی به گونه ای مشروع ( اختیار همسر یا تملک کنیز ) ، امری مقبول و مورد پذیرش اسلام

إلاّ علیّ أزوجهم... فإِنَّهم غیر ملومین

## 26- معاشرت با کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 3 - 12

12 - عدم لزوم رعایت مساوات بین کنیزان ، برای مالکان آنان

فان خفتم الاّ تعدلوا فواحدة او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الاّ تعولوا

مراد از مساوات، عدالت و قسطی است که شوهر ملزم به رعایت آن در بین زنان متعدد خویش می باشد.

## 27- مهریه کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 15، 14، 14

14 - وجوب پرداخت اجرت ( مهریه ) به کنیزان بر طبق معیار های متعارف جامعه

واتوهنّ اجورهنّ بالمعروف

15 - کنیز ، مالک مهریه خویش

فمن ما ملکت ایمانکم... واتوهنّ اجورهنّ

از اینکه خداوند تصریح می کند که مهریه کنیز را به خود او بدهید (اتوهنّ اجورهنّ) و نفرمود که: اتوا اجورهنّ، معلوم می شود مالک

مهریه، خود کنیز است نه مالک او.

22 - پاکدامنی کنیز پس از ازدواج ، شرط لزوم پرداخت اجرت ( مهریه ) متعارف به وی \*

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متخذات اخدان

بنابر اینکه «محصنات غیر مسافحات»، حال برای مفعول اول «اتوهنّ» باشد که در این صورت «محصنات» قید برای «اتوا» می شود.

ص: 172

## 10- کودک

### 1- احکام کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 17

17 - قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

يفتیکم فیہنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب . . . و المستضعفین من الولدن

### 2- استماع سخن کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 7

7- لزوم گوش سپاری به سخنان کودکان و اجازه نقل رخداد ها و دریافت ها به آنان

إذ قال یوسف لأبیه یأبت انی رأیت

### 3- اهمیت حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 9

9- توجه به مصالح و منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلقه باشد

و أتمروا بینکم بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

### 4- تصرفات کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 5,7





5- کودکان ( نابالغان ) و کسانی که رشد اقتصادی ندارند ، از تصرف در اموال خود محجورند . \*

و ابتلوا الیتامی . . فان انستم منهم رشداً فادفعوا

7- صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولیّ

و ابتلوا الیتامی حتّی اذا بلغوا النّکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولیّ بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

## 5- تغذیه کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 233 -

1,2,3,4,6,8,15,18,19,26,27,36

1 - وجوب شیر دادن مادران به فرزندان خویش

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

جمله «یرضعن . . .» ، جمله ای است خبری در مقام انشا.

2 - اولویّت شیر مادر برای تغذیه فرزند نسبت به شیر دیگر زنان و تغذیه های دیگر

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

3 - دوره کامل شیرخوارگی کودک ، دو سال کامل است .

و الوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین

4 - عدم وجوب شیر دادن به نوزاد به مدّت دو سال بر مادر \*

لمن اراد ان یتّم الرضاعه

چون حکم (ارضاع به مدّت دو سال) را تعلیق به اراده مادر کرده است، به نظر می رسد ارضاع به مدّت دو سال واجب نباشد؛ اگر چه اصل ارضاع واجب باشد.

6 - مادر در صورت تصمیم پدر به تکمیل شیرخوارگی فرزند ، باید دو سال کامل به نوزاد شیر دهد . \*

و الوالدات یرضعن . . لمن اراد ان یتم الرضاعه

برخی از مفسّرین برآنند که مراد از «من اراد» پدر فرزند است؛ یعنی آنگاه بر مادر دو سال شیر دادن لازم است که پدر از او بخواهد. در تأیید این برداشت نیز گفته شده که صیغه «اراد» و «یتّم» به صورت مذکر، مؤید آن است.

8 - زنان مطلقه نباید از شیر دادن به نوزاد خود امتناع نمایند .

و الوالدات یرضعن

آیات قبل و بعد در مورد زنان مطلقه است.

15 - توجه اسلام به نقش سازنده مادر در تغذیه و پرورش کودک \*

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

18 - نباید مادر - حتی پس از طلاق - با امتناع از شیر دادن به فرزند، موجب ضرر او شود .

لا تضارّ والده بولدها

19 - خودداری مادر از شیر دادن به کودک خویش، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات یرضعن . . لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیان رسانی به کودک پس از الزام مادر به شیر دادن، اشاره به این معناست که از مصادیق بارز ضرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

ص: 174

26 - جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال ، به شرط رضایت ، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین «فصال» پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد؛ لذا مراد از «فصال» در آیه شریفه، «فصال» قبل از دو سال است.

27 - جدا کردن طفل از شیر مادر ، باید پس از مشورت با صاحب نظران و توافق والدین صورت گیرد .

فان ارادا فصالاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

در برداشت فوق، «فصال» حمل شده بر «فصال» از شیر مادر، نه از هر شیری؛ یعنی توافق می کنند که مادر دیگر شیر ندهد و برای تکمیل مدّت شیر، کودک را به دایه ای بسپارند.

36 - لزوم رعایت تقوا در حقوق نوزادان و آنچه مربوط به شیردهی آنان است .

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

محور اصلی آیه، تأمین حیات و رشد نوزادان است. بنابراین مصداق بارز تقوا در آیه شریفه، رعایت حقوق آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 8

8 - مردان و زنان مطلقه ، باید درباره شیر دادن و کیفیت نگه داری نوزادانشان ، به مشاوره و هم فکری بپردازند .

و أتمروا بینکم

## 6- حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 9 - 1

1 - کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکان یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا الله

جمله «فلیتقوا الله»، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً) چنین معنا می شود: فلیتقوا الله فی امر الذریه الضعاف؛ یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر

مردمان رعایت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 17

17 - قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

يفتيكم فيهنّ و ما يتلى عليكم في الكتب . . و المستضعفين من الولدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 6

6 - دوران شیرخوارگی کودک ، تا دو سال است .

ص: 175

«فصال» در لغت، به معنای «جدا کردن کودک از شیر» است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که «فی» (حرف ظرف) دلالت می کند بر این که مدت شیرخوارگی، دو سال است و جدا کردن کودک از شیر، می تواند در خلال آن دو سال باشد.

### 7- روانشناسی کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 7 - 5

5- اهمیت نام و نام گذارنده و نقش آن در شخصیت کودک

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیاً

تعبیر «اسمه یحیی» از آن جهت مورد تصریح قرار گرفته است که تعیین آن از سوی خدا، خود شرافتی برجسته و قابل تأمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 7

7- لزوم گوش سپاری به سخنان کودکان و اجازه نقل رخداد ها و دریافت ها به آنان

إذ قال یوسف لأبیه یأبت انی رأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 7

7- حضور در مراتع و بازی و گردش، از نیاز های طبیعی کودکان

و انا له لنصحون. أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

### 8- روش برخورد با کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 4 - 7

7- لزوم گوش سپاری به سخنان کودکان و اجازه نقل رخداد ها و دریافت ها به آنان

إذ قال يوسف لأبيه يأت إنى رأيت

## 9- عوامل مؤثر در رشد کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 13

13- نقش اساسی دوران جنینی و شیرخوارگی ، در رشد و بلوغ فرزند \*

ص: 176

و حمله و فصله نثون شهرًا حتی إذا بلغ أشده

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آمدن «بلغ أشده» - در پی «و حمله و فصاله» - بیانگر ارتباط میان این دو مقطع باشد.

### 10- کودک مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 5

5- مردان، زنان و کودکان مانده در ستم، از مصادیق مستضعفان

و المستضعفين من الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه ال

### 11- مالکیت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 8

8 - مالکیت شخصی کودکان

و ابتلوا التیامی . . . فادفعوا الیهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 5

5- ثبوت حق مالکیت برای افراد نابالغ

و لا تقربوا مال الیتیم . . . حتی یبلغ أشده

«یتیم» در لغت، به طفلی گفته می شود که قبل از بلوغ، از پدرش جدا شده و او را از دست بدهد (مفردات راغب).

### 12- محجوریت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 6 - 5

5 - کودکان (نابالغان) و کسانی که رشد اقتصادی ندارند، از تصرف در اموال خود محجورند . \*



و ابتلوا الیتامی . . . فان انستم منهم رشداً فادفعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 14

14- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشده

ص: 177

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

### 13- محرمیت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 22،25

22 - پوشاندن زینت ها و مواضع آنها ( بدن ) از خدمت کاران بی نیاز به زن و بی رغبت به زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، بر زنان مؤمن لازم نیست .

و لا یبدین زینتهنَّ إلاَّ .. أو التبیین غیر اُولی الإربه من الرجال أو الطفل الذی

واژه «الإربه» به معنای حاجت است و در آیه شریفه - به مناسبت این که در بیان مسائل محرم و نامحرم است - مقصود، نیاز به زن و تمایل جنسی به زنان است.

25 - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لا یبدین زینتهنَّ إلاَّ لبعولتهنَّ .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

### 14- نجات کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 6

6 - نجات کودکان از محیط کفر و شرک ، از وظایف مؤمنان

و الولدان .. الظالم اهلها

### 15- نقش کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 8

8 - حضور کودک در کنار مادر ، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنه إلى أمّه کی تقرّ عینها و لاتحزن

## 16- نیازهای کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 7

ص: 178

7- حضور در مراتع و بازی و گردش ، از نیاز های طبیعی کودکان

و إنا له لنصحنون. أرسله معنا غداً يرتع ويلعب

کودکان

### 17- استیذان کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 3

3- فرزندان نابالغ ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان ، اجازه بگیرند .

ليستئذنکم .. الذین لم يبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات ... ثلاث عورت لکم

### 18- اهمیت تربیت کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 13

13 - هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز (بلوغ زودرس) شود ، ممنوع است .

ليستئذنکم ... و الذین لم يبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوة العشاء ... لیس علیکم

با توجه به فلسفه و حکمت اذن گرفتن فرزندان نابالغ ، برای ورود به محل خواب و خلوت پدر و مادرشان و نیز لزوم پرهیز والدین از ظاهر شدن با چنین وضعیتی در انظار فرزندان خویش ، می توان گفت که هرگونه تحریک جنسی فرزندان (بلوغ زودرس) ممنوع است و مورد آیه خصوصیتی ندارد.

### 19- سختی استیذان کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 14

14 - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک با آنان در غیر از سه وقت مقرر است .

ليستئذنکم .. ثلاث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

جمله «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ..» جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

ص: 179

## 20- مسؤولیت کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 3

3 - فرزندان نابالغ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان، اجازه بگیرند.

لیستندنکم... الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات... ثلاث عورت لکم

## 21- ممنوعیت تحریک جنسی کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 13

13 - هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز (بلوغ زودرس) شود، ممنوع است.

لیستندنکم... و الذین لم یبلغوا الحلم منکم... من قبل صلوه العشاء... لیس علیکم

با توجه به فلسفه و حکمت اذن گرفتن فرزندان نابالغ، برای ورود به محل خواب و خلوت پدر و مادرشان و نیز لزوم پرهیز والدین از ظاهر شدن با چنین وضعیتی در انظار فرزندان خویش، می توان گفت که هرگونه تحریک جنسی فرزندان (بلوغ زودرس) ممنوع است و مورد آیه خصوصیتی ندارد.

کودکی

## 22- امامت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 14

14 - «علی بن اسباط قال: رأیت أبا جعفر (ع)... فقال یا علیّ إنّ الله إحتج فی الإمامه بمثل ما إحتج به فی النبوه فقال: «و آتیناه الحکم صبیّاً»... فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبیّ...»

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم... به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: «و آتیناه الحکم صبیّاً»... پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...».

## 23- بازگشت به کودکی

1 - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از عمر طولانی و دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی

و من نعمّره ننگسه فی الخلق

«تعمیر» (مصدر «نعمّر» و از ماده «عمر») به معنای طولانی کردن عمر و «تنکیس» (مصدر «ننگسه») به معنای واژگون ساختن است. مقصود از جمله «و من نعمّره ننگسه فی الخلق» واژگون شدن و بازگشت انسان از نظر قوای جسمی و عقلی در

ص: 180

دوران پیری، به دوران ضعف و سستی طفولیت خویش است.

6- بازگشت انسان به حالت طفولیت - پس از دوران پیری - از نظر قوای جسمی و عقلی، نشانگر توانایی خداوند بر عذاب کافران و بازگرداندن آنان به روز رستاخیز است.

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم . . . و من نعمّره ننگسه فی الخلق

برداشت یاد شده براین اساس استوار است که عبارت «من نعمّره . . .» عطف بر «و لو نشاء لطمسنا...» - از باب عطف علت بر معلول - باشد؛ یعنی، آیه شریفه درصدد ارئه شاهدهی بر توانایی خداوند بر مسخ و زمین گیر کردن انسان و بازگرداندن وی به روز رستاخیز برای محاکمه است.

## 24- بازی در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 5

5- اقتضای دوران کودکی انسان بازی است.

أثما الحیوه الدنیا لعب

## 25- حکمت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 14

14- «علی بن اسباط قال: رأیت أبا جعفر (ع) . . . فقال یا علیّ إنّ الله إحتج فی الإمامه بمثل ما إحتج به فی النبوه فقال: «و آتیناه الحکم صبیاً» . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبی . . .»

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . . . به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجّتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: «و آتیناه الحکم صبیاً» . . . پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...».

## 26- دوران کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 17

17- منحنی صعود انسان در زندگی دنیوی، از طفولیت آغاز می شود و در اوج جوانی، به پایان می رسد.



فإنا خلقناكم من تراب.. ثم نخرجكم طفلاً ثم لتبلغوا أشدكم

ص: 181

## 27- ذکر نیازهای کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 8

8- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

## 28- قضاوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 10

10- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینہ الحکم صبیّاً

«حکم» بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

## 29- کودکی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 51 - 4

4- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد ءاتینا ابرهیم رشدہ من قبل

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از «من قبل» پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

## 30- کودکی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 2

2- آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت ( مرحله ضعف جسمی و عقلی ) به اوج

جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی ( جوانی ) به حسیض ناتوانی ( کهولت و پیری ) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فَاِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ . . . لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا . . . ذَلِكُمْ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 2،4

2- مراحل مختلف حیات انسان ، از کودکی تا پیری ، به دست خداوند است .

ص: 182

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشِبْهَهِ

4- سیر مراحل زندگی آدمی ، از کودکی تا پیری ، تخلف ناپذیر و غیر قابل تغییر است .

خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشِبْهَهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 7

7- منحنی صعود انسان در حیات دنیوی ، از طفولیت آغاز می شود و در نقطه اوج جوانی پایان می پذیرد .

ثُمَّ يَخْرُجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شِوْحًا

### 31- کودکی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 6 - 7، 6، 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از آغاز تولد یتیم بود .

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

استفهام «ألم يجدك يتيمًا» مطلق است و به زمان خاصی اختصاص نیافته است و کسی که خداوند او را به طور مطلق یتیم می یابد، باید از آغاز تولد با فوت پدر مواجه باشد. فعل «آوی» نیز قرینه است بر این که یتیمی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در دورانی بود که شخص به سرپرست نیازمند است. بنابراین آن حضرت، از آغاز تولد یتیم بوده است.

6 - خداوند ، با یادآوری الطاف خود در دوران کودکی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، آن حضرت را به عطا های آینده خویش اطمینان بخشید .

و لَسَوْفَ يَعْطِيكَ .. أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خردسالی ، در پناه خداوند و برخوردار از مراقبت مخصوص او بود .

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

فعل «آوی» - که مطلق است - ممکن است به معنای «آواک إلی نفسه» و بیانگر مراقبت مستقیم خداوند، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

## 32- کودکی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 38 - 2

2 - موسی (ع) از طفولیت ، مورد عنایت ویژه خداوند قرار داشت .

إذ أوحينا إلى أمك مایوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 11

11 - موسی (ع) ، در خردسالی تحت تکفل مادر خود بود .

ص: 183

1 - موضع گیری فرعون ، در قبال دعوت موسی (ع) با به رخ کشیدن دوران سرپرستی خویش بر او

قال ألم نربک فینا ولیداً

«تربیه» (مصدر «نربی») به معنای پروریدن است. «ولید» به نوزاد و نیز به کودکی گفته می شود که از وقت ولادتش زمانی زیادی نگذشته باشد؛ وگرنه طفل گفته می شود. «لبث» (مصدر «لبثت») به معنای ماندن و درنگ کردن است؛ یعنی، فرعون گفت: آیا تو را از کودکی در میان خود نپروریدم [مگر] سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی.

2 - کودکی و بخشی از دوران عمر موسی (ع) و نیز رشد و پرورش جسمی او در خاندان فرعون گذشت .

قال ألم نربک فینا ولیداً و لبث فینا من عمرک سنین

6 - ناخشنودی موسی (ع) ، از زندگی گذشته خویش در دربار فرعون

قال ألم نربک فینا ولیداً .. و تلک نعمه تمنّھا علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

12 - خداوند ، پناه و پشتیبان موسی (ع) از مرحله شیرخوارگی تا رسیدن به مقام رسالت

إنّ فرعون .. یدبّح أبناءهم ... و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه ... إنا رادّو

1 - سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی موسی (ع) و رسیدن او به مرحله جوانی ، بی هیچ حادثه درخور بیان

فرددنه إلى أمّه . . . ولما بلغ أشده و استوى

تعبیر «بلغ أشده» کنایه از رسیدن شخص به دوره جوانی است؛ زیرا نوعاً بلوغ فکری انسان هم زمان با رسیدن وی به مرحله جوانی است. بنابراین پرداختن قرآن به حوادث روزگار جوانی موسی (ع) و بعد از آن و مسکوت گذاشتن دوران پیش از جوانی (کودکی و نوجوانی)، نشانگر آن است که کودکی و نوجوانی او در کمال آرامش سپری شده بود و در این مدت حادثه ای درخور بیان برای وی روی نداده بود.

### 33- کودکی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 12 - 16، 11، 10، 9، 8

8- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا، به یحیی (ع) در کودکی او بود.

ص: 184

وَأَتَيْنَهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا

برای «حکم» معانی مختلفی ذکر شده است؛ یکی از آن معانی - که مبنای برداشت یاد شده است - «علم و فهم» می باشد (لسان العرب).

9- خداوند، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت.

وَأَتَيْنَهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا

در برداشت یاد شده «حکم» به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شده است. در (قاموس) آمده است: حاکم به کسی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا درآورد.

10- حضرت یحیی، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

وَأَتَيْنَهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا

«حکم» بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

11- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

وَأَتَيْنَهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا

15- «عن النبی (صلی الله علیه و آله) فی قوله «وَأَتَيْنَاهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا» قال: أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین؛

1. الدر المنثور، ج 5، ص 484.

16- «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): . . . قال الله تعالى: «وَأَتَيْنَاهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا» یعنی الزهد فی الدنيا . . .؛

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده: . . . خدای تعالی فرموده است: «وَأَتَيْنَاهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا»؛ یعنی زهد در دنیا را (به او دادیم) . . .».

### 34- کودکی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 13

13- رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است.

قال یسّی



کلمه «بنی» تصغیر کلمه «ابن» می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. «بنی» ؛ یعنی، ای پسر کوچک من.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 6

6- یوسف (ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است.

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

برداشت فوق، از فعل «یلعب» (بازی کند) به دست می آید؛ زیرا معمولاً بازی کردن را در مورد کودکان و نوجوانان به کار می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 10،12

10- یوسف (ع) در سنین کودکی، شایستگی دریافت وحی را دارا بود.

فلما ذهبوا به .. و أوحینا إلیه

ص: 185

12- یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . \*

و أوحینا إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 1

1- یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثنویه .. و لما بلغ أشده

کلمه «أشدّ» چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده - جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین «أشدّ» ؛ یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 4

4- یوسف (ع) در دوران کودکی اش به ناحق متهم به دزدی شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل ... قال ... الله أعلم بما تصفون

### 35- گرایشها در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 4

4 - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی ( کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری ) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

### 36- نبوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - « علی بن اسباط قال : رأیت أبا جعفر ( ع ) . . . فقال یا علی إنَّ اللهَ إحتج فی الإمامه بمثل ما إحتج به فی النبوه فقال : « و آتیناه الحکم صبیاً » . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبی . . . »

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . . . به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: «و آتیناه الحکم صبیاً» . . . پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 186

4- حضرت عیسی (ع) در خردسالی ، خود را بنده خدا ، صاحب کتاب آسمانی و پیامبری الهی معرفی کرد .

قال إني عبد الله أتيني الكتب و جعلني نبياً

10- « عن يزيد الكناسي قال : سألت أبا جعفر (ع) أكان عيسى بن مریم حين تكلم في المهدي حجه الله على أهل زمانه ؟ فقال : كان يومئذ نبياً حجه الله غير مرسل ، أما تسمع لقوله حين قال : « إني عبد الله أتاني الكتاب و جعلني نبياً » . . . فلما بلغ عيسى سبع سنين تكلم بالنبوه والرساله حين أوحى الله تعالى إليه ؛

از یزید کناسی نقل شده که گفت: از امام باقر(ع) سؤال کردم آیا عیسی بن مریم(ع) آن گاه که در گهواره بود حجت خدا بر اهل زمانش بود؟ فرمود: (عیسی(ع)) در آن زمان پیامبر و حجت خدا بود، اما مأموریت رسالت نداشت، آیا سخن او را نمی شنوی آن گاه که گفت: «. . . و جعلنی نبیاً» ... پس آن گاه که به هفت سالگی رسید، ابراز نبوت و رسالت کرد، همان هنگام که خدا به او وحی کرد.».

11- « عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . و هذا عيسى بن مریم (ع) . . . حين أشارت إليه . . . قال : إني عبد الله أتاني الكتاب « . . . أعطى كتاب النبوه وأوصى بالصلاه والزكاه في ثلاثه أيام من مولده و كلمهم في اليوم الثاني من مولده . . . ؛

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: . . . و این عیسی بن مریم(ع) است که وقتی مریم به او اشاره کرد گفت: «إني عبد الله أتاني الكتاب» ... کتاب نبوت به او داده شد و به نماز و زکات سفارش گردید (و این همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 12

12- یوسف (ع) در سنین کودکی به نبوت رسید . \*

و أوحينا إليه

### 37- وحی در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 10,11

10- یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به . . . و أوحينا إليه

11- در تلقی وحی الهی و دریافت آن ، رسیدن به سن خاصی شرط نیست .

و أوحينا إليه

### 38- ویژگیهای کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 5

5- اقتضای دوران کودکی انسان بازی است .

أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ

ص: 187

1- تشبیه به کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 18 - 1

1 - منافق رها شده در ظلمت و گمراهی بسان شخص کر و لال و نابیناست .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

صم، بکم و عمی به ترتیب: جمع اصم (کر)، ابکم (لال) و اعمی (کور) است. کلمات یاد شده خبر برای مبتدای محذوف، یعنی ضمیر «هم» است که به توصیف شدگان در آیه قبل (منافقان رها شده در ظلمت) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 9 - 1

1 - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند ، مانند کسانی اند که سدّی بلند در پیش رو و پشت سرشان نهاده شده و بر دیدگان‌شان پرده ای افکنده شده که هیچ چیز نبینند .

و جعلنا من بین ایدیهم سدّاً

تکبیر «سدّاً» برای تعظیم است و به قرینه «فأغشیناهم»، مقصود از آن، سدّی بلند است.

2- تمثیل به کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 24 - 1

1- حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ

3- شخصیت کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 5

5- شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

ص: 188

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است؛ زیرا اسلام خواسته است با چنین سنت نادرستی مبارزه کند.

#### 4- محدوده اختیارات کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3,4,2

2 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج . . . أن تأكلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم» عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از «بیوتکم» (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من ... بیوت اباؤکم ... أو بیوت أخوتکم

4 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

#### 5- معذوریت کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 1

1 - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج



## 6- احترام کوران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 2 - 5

5 - روشندان مسلمان - هرچند فقیر باشند - شایسته احترام اند و اهانت یا اظهار کدورت از همنشینی با آنان، مجاز نیست .

ص: 189

عبس و تولی . أن جاءه الأعمی

توصیف ابن ام مکتوم به «الأعمی» - با آن که اگر ثروتمند بود کوری او مایه خشم و قهر دیگران نمی شد - بیانگر این است که در نظام حاکم بر مردم آن زمان، افراد کور به رفاه و ثروت نمی رسیدند؛ به گونه ای که توصیف آنان به «کور»، برای بیان فقر آنها کافی بود. تقابل «الأعمی» با «من استغنی» در آیات بعد، گفته یاد شده را تأیید می کند. سرزنش کسی که دیگران را بر شخص کور ترجیح داده بود، گویای لزوم احترام نابینایان است.

## 7- تشبیه به کوران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 10

10 - تنها وحی الهی تعیین کننده وظایف و شأن پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

قل لا أقول لكم . . . إني ملك إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 43 - 2

2 - مردمی که از نزدیک ، اعمال و رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نظاره کرده و از او تبعیت نمی کردند ، همانند آن نابینایی اند که از نعمت بصیرت دل نیز محروم است .

و منهم من ينظر إليك أفأنت تهدي العمى ولو كانوا لا يبصرون

## 8- همسفرگی با کوران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 38, 19

19 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم ( بر سر یک سفره ) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

ليس على الأعمى حرج . . . ولا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءإبائكم . . . أ

38 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج » وذلك أن أهل المدينة قبل أن يسلّموا كانوا يعزلون الأعمى والأعرج والمريض وكانوا لا يأكلون معهم وكان الأعمى والمريض يقولون : لعلنا نؤذيهم إذا أكلنا

معهم فاعتزلوا مواكلتهم فلما قدم النبي (صلى الله عليه وآله) سألوه عن ذلك فأنزل الله « ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «ليس على الأعمى حرج. ..» فرمود: اهل مدینه قبل از آنکه مسلمان شوند، نابینایان، لنگان و بیماران را از خود جدا می کردند و با آنان هم غذا نمی شدند... و کوران و بیماران می گفتند: شاید اگر ما با دیگران هم غذا شویم، موجب اذیت آنان باشیم. از این رو از هم غذا شدن با دیگران کناره می گرفتند. پس هنگامی که پیامبر(صلى الله عليه وآله) وارد مدینه شد، از آن حضرت سؤال کردند. خداوند این آیه را نازل فرمود: ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً».

ص: 190

**9- {کوردلان}**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 11

11 - تکذیب کنندگان قوم نوح (ع)، مردمی کوردل بودند.

إنهم كانوا قوماً عمین

کلمه «عمین» جمع «عمی» به معنای فاقدان بصیرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 13

13- آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند، کوردلانند.

قل هل یتوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

کلمات «أعمی» (کور)، «بصیر» (بینا) و نیز «ظلمات» (تاریکیها) و «نور» (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 19 - 5

5- آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را باور ندارند، کوردل و جاهلند.

أفمن یعلم أنما أنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 81 - 1

1 - برخی از گمراهان، گرفتار کوردلی و فاقد زمینه هدایت

و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 53 - 2

2 - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا .. و ما أنت بهد العمى عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 3

3 - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یتوی الأعمى والبصیر

ص: 191

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

### 10- بینایی اخروی کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 101 - 8

8- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً . الذین كانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را در خواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

### 11- سرنوشت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

### 12- شخصیت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

### 13- کوردلان در آخرت

1- کوردلان در دنیا، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى وأضلّ سبيلاً

7- « عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزّوجلّ : « و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلاً » قال : من

لم يدله خلق السماوات والأرض واختلاف الليل والنهار ودوران الفلك والشمس والقمر والآيات العجيبات على أن وراء ذلك أمراً أعظم منه فهو في الأخره أعمى وأضلّ سبيلاً قال: فهو عمّا لم يعين أعمى وأضلّ؛

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ «و من كان في هذه أعمى فهو في الأخره أعمى وأضلّ سبيلاً» روایت شده است که فرمود: کسی که آفرینش آسمانها و زمین و پی در پی در آمدن شب و روز و گردش فلک و خورشید و ماه و نشانه های عجیب، او را به این حقیقت راهنمایی نکند که در پس این آفرینش، حقیقتی بزرگ تر از آن وجود دارد؛ چنین شخص نابینا و گمراه، در آخرت نابینا تر و گمراه تر خواهد بود. [امام] فرمود: پس این شخص نسبت به چیزی که ندیده و تجربه نکرده است، نابینا تر و گمراه تر است».

8- «عن أبي محمد (ع) . . . يا إسحاق! انه من خرج من هذه الدنيا أعمى فهو في الأخره أعمى وأضلّ سبيلاً يا إسحاق ليس تعمى الأبصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور . . .»

از امام هادی(ع) روایت شده است که آن حضرت به اسحاق نوشت: ای اسحاق! [مراد از] کسی که از این دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است، یا اسحاق! نابینایی چشم نیست؛ بلکه کوری قلبهایی است که در سینه ها جای دارد».

#### 14- کوردلان در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 72 - 8، 7، 1

1- کوردلان در دنیا، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من كان في هذه أعمى فهو في الأخره أعمى وأضلّ سبيلاً

7- «عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزّوجلّ: «و من كان في هذه أعمى فهو في الأخره أعمى وأضلّ سبيلاً» قال: من لم يدله خلق السماوات والأرض واختلاف الليل والنهار ودوران الفلك والشمس والقمر والآيات العجيبات على أن وراء ذلك أمراً أعظم منه فهو في الأخره أعمى وأضلّ سبيلاً قال: فهو عمّا لم يعين أعمى وأضلّ؛

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ «و من كان في هذه أعمى فهو في الأخره أعمى وأضلّ سبيلاً» روایت شده است که فرمود: کسی که آفرینش آسمانها و زمین و پی در پی در آمدن شب و روز و گردش فلک و خورشید و ماه و نشانه های عجیب، او را به این حقیقت راهنمایی نکند که در پس این آفرینش، حقیقتی بزرگ تر از آن وجود دارد؛ چنین شخص نابینا و گمراه، در آخرت نابینا تر و گمراه تر خواهد بود. [امام] فرمود: پس این شخص نسبت به چیزی که ندیده و تجربه نکرده است، نابینا تر و گمراه تر است».

8- «عن أبي محمد (ع) . . . يا إسحاق! انه من خرج من هذه الدنيا أعمى فهو في الأخره أعمى وأضلّ سبيلاً يا إسحاق ليس تعمى الأبصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور . . .»

از امام هادی(ع) روایت شده است که آن حضرت به اسحاق نوشت: ای اسحاق! [مراد از] کسی که از این دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است، یا اسحاق! نابینایی چشم نیست؛ بلکه کوری قلبهایی است که در سینه ها جای دارد».



## 15- گمراهی اخروی کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 72 - 1

1- کوردلان در دنیا، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند.

ص: 193

و من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى وأضل سبيلاً

## 16- هدایت ناپذیری کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 81 - 2

2- بی تأثیر بودن قوی ترین هدایتگران و نیرومندترین هدایت ها، در گمراهان کوردل

و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

از آن جایی که فردی چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) - که قوی ترین هدایتگر - و کتابی چون قرآن - که دربردارنده نیرومندترین پیام هدایت است - در کوردلانی که زمینه بینش را از دست داده اند، بی تأثیرند، برداشت یاد شده به دست می آید.

کوردلی

## 17- آثار کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 104 - 9

9- نپذیرفتن آیات الهی، نتیجه کوردلی است، نه معلول خفای آیات.

قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه و من عمى فعليها

کاربرد فعل «عمی» (کور شد) در مورد کسانی است که آیات روشن خداوند را درک نمی کنند، بیانگر این است که آنان چشم خود را به روی حقایق می بندند، نه اینکه حقایق پنهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 12، 13

12 - کوردلی قوم نوح (ع)، ریشه انکار و تکذیب آیات خداوند از سوی آنان

كذبوا بايتنا إنهم كانوا قوماً عمين

13 - انکار آیات الهی برخاسته از کوردلی منکران، و نه ابهام و خفای نشانه های خداوند

كذبوا بايتنا إنهم كانوا قوماً عمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 45 - 8

8- تأثیر نکردن انذار های پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برخی از مردم ، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود ؛ نه ناشی از ضعف در منطق و وحی و بیان آن حضرت .

قل إنّما أنذركم بالوحي ولا يسمع الصمّ الدعاء إذا ما ينذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 8

ص: 194

8- کوردلی ، موجب محرومیت از فهم حقایق و پندپذیری

أفلم یسیروا... فإنتها لاتعمی الأبصر و لكن تعمی القلوب التی فی الصدور

### 18- آثار کوردلی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 72 - 6

6- سرمستی ، تحیر و بصیرت نداشتن قوم لوط ، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط (ع) بود .

و اتقوا الله و لاتخزون... لعمرك إنهم لفی سكرتهم یعمهون

«سکره» به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و «عمه» به معنای تردد ناشی از تحیر در امور است. بنابراین مقصود از جمله «لفی سكرتهم یعمهون» سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

### 19- آثار کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 66 - 6

6- کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شكّ منها بل هم منها عمون

«عمون» نظر به چشم ظاهر ندارد؛ بلکه عدم بینش و بصیرت کافران را می رساند که در نتیجه آن، آنها گرفتار شک و تردید و حیرت و سرگردانی اند.

### 20- زمینه کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 14

14 - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیّ أولئك ینادون من مکان بعید

### 21- عوامل کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 9

9- اشرافیت ، استکبار و خودبرتربینی سران قوم نوح ، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود .

أرءیتم إن . . . آتتی رحمہ من عنده فعمیت علیکم

ص: 195

«عُمّیت» فعل مجهول است و فاعل آن؛ یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

## 22- کوردلی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 28 - 9

8- سران و اشراف قوم نوح، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءیتم إن . . . آتئی رحمہ من عندہ فعمّیت علیکم

تعمیه (مصدر عمّیت) به معنای کور ساختن است و آن گاه که به «علی» متعدی شود، به معنای مخفی کردن می باشد. بنابراین «فعمیت علیکم»؛ یعنی، آن بیّنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

9- اشرافیت، استکبار و خودبرتربینی سران قوم نوح، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود.

أرءیتم إن . . . آتئی رحمہ من عندہ فعمّیت علیکم

«عُمّیت» فعل مجهول است و فاعل آن؛ یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

## 23- کوردلی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 1

1- سوگند مؤکد خداوند به جان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر اینکه قوم لوط مردمانی سرمست و متحیر و به دور از هرگونه بصیرت و روشن بینی بودند .

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون

برداشت فوق بنابراین مبناست که مخاطب جمله «لعمرك» - به قرینه آیات 49 و 51 پیش از شروع داستان ابراهیم(ع) و لوط(ع) (تبیء عبادی . . . و تبئهم . . .) - پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) باشد.

## 24- کوردلی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 11، 12

11 - تکذیب کنندگان قوم نوح (ع)، مردمی کوردل بودند.

إنهم كانوا قوماً عمین

ص: 196

کلمه «عمین» جمع «عمی» به معنای فاقدان بصیرت است.

12 - کوردلی قوم نوح (ع)، ریشه انکار و تکذیب آیات خداوند از سوی آنان

کذبوا بآیتنا إنهم كانوا قوماً عمین

## 25- کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 115 - 3

3 - نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیة عند الله ... و نقلب ... و کذلک جعلنا ... و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: «نقلب أفئدتهم» و «ما كانوا لیؤمنوا» و «لکل نبی عدوا». لذا اگر مراد از «کلمت»، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 101 - 1

1- بارزترین ویژگی کافران، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است.

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 11

11 - کافران و تکذیب کنندگان پیامبران، نابینایان واقعی و محروم از بینایی دل

أفلم یسیروا فی الأرض ... و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 3

3 - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یتوی الأعمی و البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 70 - 7

7 - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران ( چونان مردگان ) محروم از آن

ص: 197

ليندر من كان حياً و يحقّ القول على الكفرين

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه؛ یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 58 - 5

5 - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

«الأعمی» و «البصیر» تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کردار است.

### **26- کوردلی کافران حق ناپذیر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 53 - 2

2 - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا... و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

### **27- کوردلی گمراهان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 81 - 1

1 - برخی از گمراهان ، گرفتار کوردلی و فاقد زمینه هدایت

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

### **28- کوردلی مشرکان**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 17

17 - پیامبر(صلی الله علیه و آله)، بینا و راه یافته، و مشرکان، کور و گمراه هستند.\*

فمن آمن... والذين كذبوا... قل هل يستوى الأعمى والبصير

ظاهراً مراد از «البصير»، پیامبر(صلی الله علیه و آله)، مراد از «الأعمى»، مشرکان هستند. و چون موضوع آیه، ایمان به پیامبر است، گویا آیه در صدد بیان فلسفه لزوم ایمان به آن حضرت است. یعنی از آنجا که پیامبر(صلی الله علیه و آله) بصیر است، دیگران باید از او تبعیت کنند.

ص: 198

## 29- کوردلی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 6

6 - مشرکان تکذیب گر و حق ستیز عصر بعثت ، مردمی پندناپذیر و کوردل

وإن يكذبوك .. أفلم يسيروا في الأرض ... القلوب التي في الصدور

## 30- کوردلی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 17

17- خداوند ، حقیقتی بصیر و پرفروغ است و معبود های اهل شرک کور و تاریکند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

برداشت فوق بر این مبناست که «اعمی» و «ظلمات» اوصاف معبودهای اهل شرک و «بصیر» و «نور» وصف خداوند باشد.

## 31- کوردلی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 66 - 5

5- منکران آخرت ، مردمی کور باطن و فاقد بصیرت

بل هم منها عمون

«عمی» (مفرد «عمون») یعنی کور، و مقصود از کوری در آیه، کوری دل است و نه کوری سر.

## 32- کوردلی مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 11

11 - تکذیب کنندگان قوم نوح (ع) ، مردمی کوردل بودند .

إنهم كانوا قوماً عميين

کلمه «عمین» جمع «عمی» به معنای فاقدان بصیرت است.

### 33- کوردلی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 11

ص: 199

11 - کافران و تکذیب کنندگان پیامبران ، نابینایان واقعی و محروم از بینایی دل

أفلم یسیروا فی الأرض . . . ولكن تعمی القلوب التي فی الصدور

### 34- کوردلی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 19 - 5

5- آنان که الهی بودن قرآن و حقایقت آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن یعلم أنما أنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

### 35- کوردلی مکذبان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 16

16 - مؤمنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بینا و راه یافته و تکذیب کنندگان او کور و گمراه هستند.

فمن ءامن . . . والذین کذبوا . . . قل هل یتوی الأعمی والبصیر

چون موضوع آیات اثبات رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، می توان گفت مراد از «البصیر» مؤمنان به آن حضرت و مراد از «الأعمی» تکذیب کنندگان آن حضرت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 43 - 2

2 - مردمی که از نزدیک ، اعمال و رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نظاره کرده و از او تبعیت نمی کردند ، همانند آن نابینایی اند که از نعمت بصیرت دل نیز محروم است .

و منهم من ینظر إلیک أفأنت تهدی العمی و لو کانوا لا یتصرون

### 36- کوردلی منکران آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 13

13 - انکار آیات الهی برخاسته از کوردلی منکران ، و نه ابهام و خفای نشانه های خداوند

كذبوا بايتنا انهم كانوا قوماً عمين

ص: 200

### 37- نشانه های کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 24 - 3

3- گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 4

4 - تکذیب پیامبران الهی و مبارزه با آنان ، نشانه پندناپذیری و کوردلی است .

وإن یکذبوک... فتکون لهم قلوب یعقلون... القلوب التي فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 16

16 - شرکورزی ، نشانه بی بصیرتی است .

أفلاتبصرون

### 38- نشانه های کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 102 - 7

7- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

کانت أعینهم فی غطاء... أفحسب الذین کفروا أن یتخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به «فاء» در «أفحسب» چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

### 39- نشانه های کوردلی کافران صدراسلام



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 47 - 6

6 - ناباوری کافران عصر بعثت به عذاب الهی و به مسخره گرفتن آن ، نمودی از کوردلی ایشان

و لكن تعمى القلوب التى فى الصدور . ويستعجلونك بالعذاب

کوری

ص: 201

## 40- آثار کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 1,20

1 - نابینایی ، لنگی و مرض ، سه عامل معاف شدن از تکالیفی است که در آنها ، بینایی ، حرکت و راه رفتن و سلامت لازم است .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «ولا- علی أنفسکم أن تأکلوا ..» استینافیه و جدا از جمله «لیس علی الأعمی حرج...» باشد. بر این اساس جمله «لیس علی الأعمی...» درصدد بیان قانون و اصلی کلی است و آمدن آن به تناسب بیان احکام افرادی است که به شکلی از برخی از تکالیف معاف اند؛ مانند زنان سالخورده که از حجاب معاف اند و نیز معاف بودن فرزندان و برادر زادگان و... از اجازه خواستن جهت ورود به خانه دیگران که در دنبال همین آیه ذکر شده است.

20 - نقص عضو مانند نابینایی ، لنگی و بیماری را ، نباید مانع از هم غذا شدن با افراد سالم دانست .

لیس علی الأعمی حرج... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

توصیه خداوند به این که افراد ناقص العضو، نابینایان و .. حق دارند با افراد سالم هم غذا شوند، می تواند به این دلیل باشد که کسی گمان نکند که نقص عضو، مانع از هم غذا شدن است و باید از افراد ناقص العضو، اجتناب کرد. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده است که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان و... خودداری می کردند، مؤید همین برداشت است.

## 41- زمان کوری یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 6

6- افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً .. و ابیضت عیناه من الحزن

## 42- شفا کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 49 - 13

13 - بینایی بخشیدن به کور مادرزاد و شفای پیسی ، معجزه عیسی (ع)

**43- شفای کوری**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 24,27,31

24 - حضرت مسیح توانا بر بیناسازی کور های مادرزاد و شفابخشی مبتلایان به پیسی

ص: 202

و تبری الاکمه و الابرص باذنی

27- عیسی (ع)، ارائه کننده معجزات خویش ( حیات بخشی به اجسام بی جان ، درمان کوری و پیسی و زنده کردن مردگان ) ، در بسیاری از مواقع

اذ تخلق . . . و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

برداشت فوق از فعل مضارع «تخلق» و «تبری» و «تخرج» که حاکی از استمرار انجام کار می باشد، استفاده شده است.

31- توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند روح بخشی به مجسمه ها ، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان ، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی . . . و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

#### 44- عوامل کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 11

11- حزن شدید و گریه فراوان ، باعث سفید گشتن سیاهی چشم و نابینایی می شود .

وایضت عیناه من الحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 43 - 11

11 - نور شدید ، از عوامل زدایش بینایی چشم \*

یکاد سنا برقه یذهب بالأبصر

«سنا» به معنای «ضیاء» (روشنایی) و «برق» به معنای لمعان و نوری است که بر اثر برخورد ابرها به وجود می آید.

#### 45- عوامل کوری اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 126 - 2

2- به فراموشی سپردن آیات و هدایت های الهی و غفلت از آن ، موجب کور محشور شدن در قیامت است .

لم حشرتنی اعمی . . . قال کذلک أتتک ءایتنا فنسیتها

## 46- عوامل کوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 10

10 - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکاً و نحشره یوم القیمه اعمی

ص: 203

تفاوت در تعبیر «فإن له..» و «نحشره...» - که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفس عمل متفرع گردیده- ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

#### 47- عوامل کوری یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 5

5- حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وایبضت عیناه من الحزن

«ایبضاض» مصدر باب افعال از ماده «بیض» و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 93 - 3

3- یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

#### 48- کوری اخروی نارکان حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 13

13 - « معاویه بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن رجل لم يحجّ قطّ و له مال قال : هو ممّن قال الله : « و نحشره يوم القيامة أعمى » قلت : سبحان الله أعمى ؟ قال : أعماه الله عن طريق الجنّة ;

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق (ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: «و نحشره يوم القيامة أعمى». گفتم سبحان الله نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن] راه بهشت نابینا کرده است.»

#### 49- کوری اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 5

5- روی گردانان از هدایت الهی و یاد او، در صحنه قیامت، نابینا محسور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری . . . و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 2

ص: 204

1 - روی گردانان از هدایت و یاد خدا، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

2 - غافلان از یاد خدا، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شکوه آمیز از خداوند، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

### 50- کوری اخروی غافلان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 10

10 - زندگانی دشوار، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکاً و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر «فإنّ له..» و «نحشره...» - که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفس عمل متفرع گردیده- ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

### 51- کوری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 97 - 6

6- گمراهان، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هرگونه شنوایی، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من یضلل . . . و نحشرهم یوم القیمه علی و جوههم عمیاً و بکمّاً و صمّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 5

5 - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او، در صحنه قیامت، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری . . . و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - روی گردانان از هدایت و یاد خدا، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

## 52- کوری اخروی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهری خداوند شدن در قیامت، کیفر اسرافکاران است.

معیشه ضنگا و نحشر یوم القیمه اعمی . . . و کذلک نجزی من أسرف

اسراف؛ یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه «من اتبع هدای» تجاوز از رهنمودهای الهی است. «ذلک» در «کذلک» اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

### 53- کوری اخروی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 10، 5

5- روی گردانان از هدایت الهی و یاد او، در صحنه قیامت، نابینا محسور خواهند شد.

و من أعرض عن ذکری . . . و نحشره یوم القیمه اعمی

10 - زندگانی دشوار، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت، مجازات و کیفر الهی آن است.

فإنّ له معیشه ضنگا و نحشره یوم القیمه اعمی

تفاوت در تعبیر «فإنّ له..» و «نحشره...» - که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفس عمل متفرع گردیده- ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

### 54- کوری اخروی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 1

1 - روی گردانان از هدایت و یاد خدا، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد.

قال ربّ لم حشرتنی اعمی

### 55- کوری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 71 - 8

8 - پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

## 56- كورى بيمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - محمد - 47 - 23 - 6

ص: 206

6- بیمار دلان گریزان از جهاد و فساد انگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين . . . فأصمّهم و أعمى أبصرهم

### 57- کوری نارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 6

6- بیمار دلان گریزان از جهاد و فساد انگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين . . . فأصمّهم و أعمى أبصرهم

### 58- کوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 124 - 11

11 - زندگانی پر دردسر در دنیا و محسور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، از جلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فمن اتبع هداى فلا يضلّ ولا يشتقى . و من اعرض عن ذكرى فإنّ له معيشة ضنكاً و نحشه ى

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

### 59- کوری دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 108 - 4

4- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی ( محرومیت از درک حقایق ) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبّوا الحيوه الدنيا . . . أولئك الذين طبع الله على قلوبهم

### 60- کوری عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 8 - 1

1 - ابن ام مکتوم، با آن که از دیدن عاجز بود، برای رساندن خویش به مجلس وعظ و ارشاد پیامبر (صلی الله علیه و آله)، راه را با شتاب می پیمود.

من جاءک یسعی

ص: 207

## 61- کوری غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 14

14 - ژرف اندیشی های همراه با غفلت از یاد خدا، در حقیقت کوری و بی بصیرتی است.

لم حشرتنی أعمی و قد كنت بصیراً

کوری در قیامت، نمای واقعیت شخص در دنیا است؛ یعنی، هر چند او خود را دارای بصیرت می داند، اما در حقیقت فاقد بصیرت است.

## 62- کوری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 8، 7

7 - مردان مصمم به تجاوز نسبت به میهمانان لوط، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

«طمس» (مصدر «طمسنا») به معنای محو کردن و از بین بردن است. بنابراین «طمسنا أعینهم»؛ یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

8 - کور شدن چشم های متجاوزان قوم لوط، پیش درآمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه «ذوقوا»، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

## 63- کوری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 171 - 1، 2، 4

1 - مثل کفرپیشگان، مثل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است.

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

«نعم» (مصدر ینعم) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از «ما لایسمع» گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الایمان کمثل الذی ... .

2- کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعم بما لایسمع إلا دعاءً و نداءً

بر اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله «مثل الذین کفروا .. إلا- دعاءً و نداءً» چنین می شود: مثل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مثل گوسفندان و چوپان آنهاست؛ همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

4- ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن، محروم

کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول «لایعقلون» معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل الله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 104 - 10

10 - ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 11

11- کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری ... أولئک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 45 - 8

8- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً

تعبیر «الذین لایؤمنون بالأخره» - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای «الکافرین» می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 8 - 9

9 - مؤمنان ، مردمی واقع بین ، خودشناس و بصیر و کافران ، مردمی خود ناشناس و فاقد بصیرت



الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا. .. أفمن زین له سوء عمله فرءاه حسناً

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که آیه شریفه تصویر کننده چهره مؤمنان و کافران باشد که در آیه قبل از آنان سخن گفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 66 - 2، 1

1 - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردیدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأنئی یبصرون

«طمس» (مصدر «طمسنا») به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از «لطمسنا علی أعینهم» از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از «الصراط» نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

ص: 209

2- عذاب کافران با از بین بردن چشم ها و نوردیدگانیشان (به گونه ای که راه درستی را پیدا نکنند) جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأنی یبصرون

از به کار رفتن «لو» - که برای امتناع و امر محالی است - برداشت یاد شده به دست می آید.

### 64- کوری کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 9 - 4

4- «عن أبي جعفر (ع) فی قوله «و جعلنا من بین أیدیهم سدّاً و من خلفهم سدّاً فأغشیناهم» یقول: فأعمیناهم «فهم لا یبصرون» الهدی...»؛

از امام باقر(ع) درباره قول خدا «... فأغشیناهم» روایت شده: که خدا می فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...».

### 65- کوری متجاوزان به مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 37 - 9

9- «عن أبي یزید الحمار عن أبي عبد الله... فلما دخلوا (أی دخلوا قوم لوط) أهوی جبرئیل یأصبعه نحوهم فذهبت أعینهم و هو قوله «فطمسنا أعینهم...»؛

ابی یزید حمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:.. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...».

### 66- کوری مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 108 - 1

1- خداوند، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحیوه الدنیا .. الکفرین . أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

### 67- کوری مشرکان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - ہود - 11 - 20 - 11

ص: 210

11- کفریپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 17 - 5

5- شرکورزی و پرستش غیر خدا ، گمراهی و کوری است .

فاستحبوا العمی علی الهدی

مصدق بارز برای ضلالت و کوردلی قوم ثمود - به قرینه «الّا تعبدوا إلاّ الله» در آیه 14 - شرک و پرستش غیر خداوند است.

### 68- کوری مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 9 - 4

4- « عن أبي جعفر (ع) فی قوله « و جعلنا من بین أیدیهم سدّاً و من خلفهم سدّاً فأغشیناهم » یقول : فأعمیناهم « فهم لا یبصرون » الهدی ... »

از امام باقر(ع) درباره قول خدا «... فأغشیناهم» روایت شده: که خدا می فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...».

### 69- کوری مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 11، 13

11- کفریپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری .. أولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

13- « عن أبي عبدالله (ع) [ فی قوله تعالی ] : « ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون » ... قال : لم یعتبهم بما صنع قلوبهم و لكن یعاتبهم بما صنعوا ... »

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا «ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون» فرمود: خداوند آنان را برای آنچه قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده؛ بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است...».

## 70- کوری مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 23 - 6

6- بیمار دلان گریزان از جهاد و فساد انگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمّهم وأعمى أبصرهم

ص: 211

## 71- کوری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 7 - 2

2 - برگوش و چشم منکران آن ، حجایی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

«غشاه» به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق «علی سمعهم» خبر برای «غشاه» گرفته شده است.

## 72- کوری هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 23 - 12

12 - پرستشگران هوای نفس - براساس سنت الهی - ناشنوا ، نابینا و تأثیرناپذیر در برابر حق

من اتخذ إلهه هویه وأضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غ

## 73- مرض کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 49 - 15

15 - شیوع بیماری کوری مادرزاد و پیسی ، در زمان حضرت عیسی (ع) \*

و أبریء الاکمه و الابرص

شفای کوری و پیسی از میان تمام بیماریهایی که در آن زمان قابل علاج نبود، حکایت از شیوع این دو بیماری در آن زمان دارد.

## 74- منشأ کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 125 - 7

7 - اعطای بصیرت و بینایی و سلب آن ، از جلوه های ربوبیت خداوند است .

قال ربّ لم حشرتني أعمى

ص: 212

## 75- منشأ کوری اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 126 - 8

8 - نابینایی و بسته بودن راه درک انسان در قیامت ، تبلور محرومیت او از توجه و عنایت خداوند

لم حشرتنی اعمی . . . کذلک الیوم تنسی

## 76- نشانه های کوری دهریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 24 - 2

2 - محدود شمردن زندگی به مجال دنیا ، نمودی از ناشنوایی ، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

وأضله الله علی علم و ختم علی سمعه . . . وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا

## 77- یوسف (ع) و کوری یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 93 - 5

5- یوسف (ع) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود .

یأت بصیراً

ص: 213



## 1- آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 6, 5, 4, 3

3 - حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان، آتشی را دید و به خانواده اش بشارت داد.

إذ رءا نارا فقال .. إني ءانست نارا

«ایناس» (مصدر «ءانست») در معانی «احساس کردن»، «دیدن»، «دانستن» و «شنیدن» استعمال می شود (لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد «دیدن» است.

4 - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد، ندیدند.\*

فقال لأهله امكثوا اني ءانست نارا

از گفته موسی (ع) که فرمود: «من آتشی را دیدم» می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی (ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

5 - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند.

لعلی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدی

«قبس»، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). «هدی» مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف «أو» در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی (ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند و گرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

6 - موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند.

فقال لأهله امكثوا اني ءانست نارا

«مكث» به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 11 - 1

1 - موسی (ع) در پی مشاهده آتش ، از خانواده خویش جدا شده و به طرف آتش حرکت کرد .

راء نارًا .. فلما أتياها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 17 - 1

ص: 214

1 - موسی (ع) هنگام جدا شدن از خانواده اش برای آوردن آتش، چوب دستی خود رانیز به همراه داشت.

و ما تلک بیمینک یموسی

«تلک» برای اشاره به مؤنث به کار می رود و دلالت دارد که اطلاق نام خشبه یا عوده (چوب) بر آنچه در دست موسی (ع) است، مسلم گرفته شده است؛ بنابراین از موسی (ع) خواسته شده بود که در جواب، خصوصیات آن چوب را بیان کند تا متوجه باشد که چه چیزی تبدیل به مار خواهد شد. گفتنی است که از جمله «أهش بها علی غمی» (در آیه بعد)، استفاده می شود که موسی (ع) پیش از آمدن به کوه طور، آن عصا را به همراه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 4,5

4 - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد.

ءانس من جانب الطور نارًا

«ایناس» (مصدر «آنس») مرادف «إبصار» (دیدن) است. بنابراین «آنس»؛ یعنی، «بصر و رأی».

5 - موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد.

قال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 1

1 - موسی (ع) برای بردن آتش، خود را به وادی طور رساند.

لعلی ءاتیکم منها .. أو جذوه من النار ... فلما أتوها

## 2- آثار آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 7

7 - تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امكثوا .. أو جذوه من النار لعلکم تصطلون

«إصطلاء» (مصدر «تصطلون») به معنای خود را گرم کردن است.

### 3- آثار استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 2

2- عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یس--لونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

ص: 215

#### 4- آثار عظمت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 2

2 - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

ویس - لونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

#### 5- اتقان کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 2

2- وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

وألقینا فیها روسی

#### 6- اجزای کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 5 - 4

4 - اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تكون الجبال کالعهن المنفوش

#### 7- ارزش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 2 - 2

2 - « طور » ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

#### 8- استبعاد تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 2

2- عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

ویس--لونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

ص: 216

## 9- استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 7 - 1

1 - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

«رواسی» به معنای کوه های استوار و پابرجا و «شامخات» به معنای «مرتفعات» (کوه های بلند) است.

7 - وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فراتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 5, 4, 2 - 1

1 - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتاداً

«أوتاد» (جمع «وتد»); یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به «میخ»، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است؛ زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

2 - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل ... و الجبال أوتاداً

4 - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون ... ألم نجعل ... و الجبال أوتاداً

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

5 - وجود کوه های استوار در زمین ، از نعمت های خداوند به انسان ها است .

ألم نجعل . . . و الجبال أوتادًا

بیان وصف کوه ها، بین مجموعه آیاتی که بیانگر بعضی از نعمت های خداوند به انسان ها است؛ نشان می دهد که استواری کوه ها نیز از جمله آن نعمت ها است.

### 10- استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 6

6- زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

ص: 217



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 3

3- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقینا فیها روسی

«رواسی» (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

### 11- استقرار کوه ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 4

4 - خداوند ، قرار دهنده کوه ها در زمین است .

و ألقى فی الأرض روسی

### 12- اسکان در کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 5

5- امکان مأوی گرفتن انسان در دل صخره ها و سنگر گرفتن در شکاف کوه ها ، از نعمت های الهی

و جعل لکم من الجبال أکنناً

### 13- اطرافیان آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 3

3 - تبریک خداوند به موسی و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودی أن بورک من فی النار و من حولها

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «بورک من فی النار» انشای تبریک باشد.

## 14- امتناع کوه ها از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

ص: 218

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

لام در «لِيعَذَّبُ..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «لِيعَذَّبُ» قرینه است که مراد از «الأمّانة» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

### 15- امتناع کوه ها از قبول امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 5, 4

4 - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

5 - خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

### 16- انقیاد کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده ( خضوع و انقیاد ) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ... وَالشَّجَرُ وَالْدُّوَابُّ

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 1

1 - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

## 17- انهدام کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 143 - 13،16،17،22

13 - کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا

ضمیر فاعلی در «جعله» هم می تواند به «رب» برگردانده شود ؛ یعنی: «جعل الرب بتجلیه الجبل دكا»، و هم می تواند

ص: 219

ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله «تجلی ربه» به دست می آید، برگردد؛ یعنی: «جعل تجلیه الجبل دکا». «دک» مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدکوک، یعنی متلاشی شده) است.

16 - موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن، بی هوش بر زمین افتاد.

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خرّ موسی صعقا

«خرو» (مصدر «خرّ») به معنای افتادن و ساقط شدن و «صَعَق» به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله «خرّ موسی صعقا» پس از دو جمله «تجلی ربه» و «جعله دکا»، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی (ع) دخیل بوده است.

17 - موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور، بی هوش شد و بر زمین افتاد.

جعله دکا و خرّ موسی صعقا

«صَعَق» به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

22 - موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد.

فلما أفاق قال سبحنک تبت إلیک

## 18- انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 90 - 2

2- شکافته شدن آسمان ها، قطعه قطعه شدن زمین و انهدام کوه ها، امری بسزا، در برابر ادعای باطل فرزند گزینی خداوند

تکاد السموت یتفطرن منه و تشقّ الأرض و تحرّ الجبال هدأ

فعل «تکاد» - که بر «وقوع نزدیک» دلالت دارد - در معنای مجازی «سزاواربودن» به کار رفته و ممکن است مراد این باشد که برخورد این سخن با مقام قدس الهی، مانند برخورد چیزی با ارکان جهان هستی است؛ که همه چیز را متلاشی کند و از میان ببرد. و یا این که خشم خداوند از این سخن به حدی است که جای آن دارد، آسمان و زمینی باقی نگذارد و همه چیز را نابود کند و کوه ها را درهم بریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 5 - 3

3 - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

ذکر «بساً» به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 6 - 1

1 - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثاً

«هباء» به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و «منبث» به معنای پراکنده است.

ص: 220

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 14 - 3

1 - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حملت الأرض و الجبال

3 - نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حملت الأرض و الجبال فدکتا دگه و حده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 15 - 1

1 - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا انفخ فی الصور . . . و حملت الأرض . . . فیومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه «واقعه» همانند واژه های «حاقه»، «قارعه»، «غاشیه» و . . در قرآن - که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است - عَلم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 9 - 1

1 - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تكون الجبال کالعهن

«عهن» به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره «قارعه» چنین آمده است: «و تكون الجبال کالعهن المنفوش»؛ (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 10 - 1

1 - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

«نسف»، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 20 - 3

3 - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سراباً

«سراب» درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق «سراب» گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبیحی از کوه نمایان می شود.

ص: 221



## 19- اهمیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 8

8 - نمایان شدن آتش و فراهم آمدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسی (ع)، حادثه ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه «إذ» ظرف است برای «حدیث» (در آیه قبل) و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر (صلی الله علیه و آله) به توجه به آن ماجرا است.

## 20- اهمیت امانت عرضه شده به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 2

2 - امانت عرضه شده الهی بر آسمان ها ، زمین و کوه ها و انسان ها ، بس عظیم و سنگین است .

إنا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وح

تعبیر «أبين أن يحملنها وأشفقن منها» و تعلیل قبول امانت از سوی انسان به «إنه كان ظلوماً جهولاً» حکایت می کند که آن امانت، بس عظیم و سنگین است.

## 21- اهمیت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 3

3- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى في الأرض روصي أن تميزبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 31 - 4

4- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم . . . سبلاً لعلهم یهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 6

6 - نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطّور

در صورتی که «طور» به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

ص: 222

## 22- بالا بردن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 171 - 4،8،1

1 - خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

وإذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«نتق» (مصدر نتقنا) به معنای لرزانیدن و از جا برکنیدن است. «ال» در «الجبل»، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. «ظله» به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

4 - خداوند با برافراشتن کوه طور بر سر قوم موسی ، از آنان خواست تا با جدیت تمام تورات بپذیرند و رفتار و اندیشه های خویش را بر اساس آن استوار سازند .

خذوا ماء اتينكم بقوه

«خذوا» یعنی بگیرید. «گرفتن» تورات و دیگر کتابهای آسمانی به این است که مورد پذیرش قرار گیرد و به احکام آن عمل شود.

8 - قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

وإذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«إذ» متعلق به فعل مقدر «اذكروا» است.

## 23- بالا رفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 63 - 2،3،9

2 - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

ورفعنا فوقكم الطور

«الطور» نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) بر آن مناجات می کرد (مجمع البيان). قابل ذکر است که طور به مطلق کوه نیز گفته می شود.

3 - هدف از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل ، پذیرش میثاق الهی بود .

و إذ أخذنا ميثقكم ورفعنا فوقكم الطور

9- قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا ميثقكم ورفعنا فوقكم الطور

«إذ» مفعول برای فعل «اذکروا» در آیه 47 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 2

2 - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقكم الطور

«الطور» نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) در آن

ص: 223

مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که «طور» به مطلق کوه نیز گفته می شود.

## 24- برکت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 52 - 2

2- کوه طور، مکانی مبارک و محلی که خداوند از آن ناحیه با موسی (ع) سخن گفت.

و ندینه من جانب الطور الأيمن

«الأيمن» - که در این برداشت به معنای مبارک گرفته شده است - ممکن است وصف برای «الطور» باشد و ممکن است وصف برای «جانب» گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 4

4 - وادی طور، جایگاهی مقدس و مبارک

فی البقعه المبارکه

«بقعه» به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

## 25- بلندی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 1

1 - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

«رواسی» به معنای کوه های استوار و پابرجا و «شامخات» به معنای «مرتفعات» (کوه های بلند) است.

## 26- بنی اسرائیل و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند کوه طور را به لرزه درآورد، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد.

وإذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«نتق» (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. «ال» در «الجبل»، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. «ظله» به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

ص: 224

2- قوم موسی هراسان از سقوط کوه برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

8- قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«إذ» متعلق به فعل مقدر «اذکروا» است.

### 27- پرسش از فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 3

3- تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) توضیح می خواستند .

و یس-لونک عن الجبال

### 28- پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 34 - 4

4- پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامه الکبری

«کبری» اسم تفضیل است و قیامت را - در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد - برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

### 29- تاریخ پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 4

4- کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمدند .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 8

8 - کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمده اند .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي

ص: 225



### 30- تاریخ خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 2

2- پیدایش کوه ها ، پس از آفرینش زمین بوده است . \*

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است؛ بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

### 31- تبدیل کوه ها به ریگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 14 - 2

2 - کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت به صورت انبوهی از ریگ های روان در خواهد آمد .

و کانت الجبال کثیباً مهیلاً

«کثیب» به معنای ریگ انباشته شده و «مهیل» (اسم مفعول از ماده «هیل») به معنای شیء روان است (صحاح اللغه).

### 32- تبدیل کوه ها به غبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 6 - 2، 1

1 - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثاً

«هباء» به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و «منبث» به معنای پراکنده است.

2 - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباء منبثاً

به کارگیری فعل ماضی «فکانت» در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

### 33- تجلی خدا بر کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 143 - 11،12،13،16،17،22

11 - خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترنی و لکن انظر إلی الجبل

«ال» در «الجبل» عهد حضوری است ؛ یعنی: انظر إلی هذا الجبل.

ص: 226

12 - خداوند به موسی (ع) اعلام کرد در صورتی وی را مشاهده خواهد کرد که کوه بر اثر تجلی او پایدار بماند .

ولكن انظر إلى الجبل فإن استقر مكانه فسوف ترني

13 - کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا

ضمیر فاعلی در «جعله» هم می تواند به «رب» برگردانده شود؛ یعنی: «جعل الرب بتجلیه الجبل دكا»، و هم می تواند ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله «تجلی ربه» به دست می آید، برگردد؛ یعنی: «جعل تجلیه الجبل دكا». «دک» مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدکوک، یعنی متلاشی شده) است.

16 - موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا و خرّ موسی صعقا

«خرو» (مصدر «خرّ») به معنای افتادن و ساقط شدن و «صعق» به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله «خرّ موسی صعقا» پس از دو جمله «تجلی ربه» و «جعله دكا»، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی (ع) دخیل بوده است.

17 - موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دكاً و خرّ موسی صعقا

«صعق» به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

22 - موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك

### 34- ترس کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 4,5

4 - آسمان ها و زمین و کوه ها، از قبول امانت الهی، می ترسیدند .

إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

5 - خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

### 35- تسبیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 6,9

6- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يَسْبِغْنَ وَالطَّيْرَ

9- هم آوایی موجودات طبیعت ( کوه ها ، پرندگان و . . . ) با پیامبران در تسبیح خداوند

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يَسْبِغْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

تعبیر «کنا فاعلین» (ما در گذشته این کار را انجام می دادیم) برای بیان این حقیقت است که کوه ها و پرندگان تنها با داوود

ص: 227

و سلیمان هم آوا نشدند؛ بلکه پیش از این نیز با پیامبران الهی هم آوا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 10 - 10 - 4,5

4 - فرمان خداوند به کوه ها ، جهت هم صدا شدن با داوود (ع) در تسبیح خداوند

یجبال أویی معه

«أویی» (از مصدر «اوب») در اصل به معنای نوعی از بازگشت است (مفردات راغب) و مراد از آن - چنان که مفسران نیز گفته اند - تکرار و رجوع در تسبیح گویی است.

5 - هم صدایی کوه ها با داوود (ع) در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد آتینا داود منّا فضلاً یجبال أویی معه

جمله «یا جبال أویی معه»، بدل اشتمال و یا بدل کل از کل برای «فضلاً» است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

10 - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد آتینا داود منّا فضلاً یجبال أویی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که «الطیر» عطف به ضمیر مجرور «معه» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 2,5

2 - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

إنا سخرنا الجبال معه یسبحن بالعشی و الإشراق

5 - همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذالآید إنه أواب . إنا سخرنا الجبال معه یسبحن

جمله «إنا سخرنا الجبال...» می تواند تعلیل برای «ذالآید...» باشد؛ یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 19 - 4

4 - تمامی کوه ها و پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) همراه او به تسبیح می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ . . . وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که واژه «کَلَّ» شامل «جبال» (کوه ها) هم بشود.

### 36- تسخیر کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 6

6- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

ص: 228

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 1

1 - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

### 37- تسطیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 106 - 1

1 - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عن الجبال ... فیذرها قاعاً صَفْصَفًا

«قاع» به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و «صفصف» به معنای زمین همواری است که امکان روییدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 20 - 3

3 - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فكانت سرابًا

«سراب» درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق «سراب» گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبیحی از کوه نمایان می شود.

### 38- تشبیه به کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 43 - 6,7

6 - خداوند، از بالا و از ابر یخ زده - که به کوه می ماند - تگرگ فرو می ریزد .

و ينزل من السماء من جبال فيها من برد

«من جبال» بدل از «من السماء» و برای تشبیه کردن ابرها، به کوه ها است؛ همان گونه که تشبیه اشیای بزرگ و با عظمت به کوه، بسیار معمول است؛ مانند کوه علم و... «بَرَد» نیز به معنای تگرگ است.

7 - در فضا، انبوهی از ابر های یخ زده همچون کوه، وجود دارد .

و ينزل من السماء من جبال فيها من برد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 229



7 - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار ; چون دو کوه بزرگ

فانفلق فکان کلّ فرق کالطود العظیم

فعل «کان» در این جا به معنای «صار» است. «فرق» نیز معادل قطعه (پاره) و «طود» مرادف «جبل» (کوه) است. بنابراین «کان کلّ فرق...»؛ یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 24 - 1

1 - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

وله الجوار المنشات فی البحر کالأعلم

«جواری» (جمع «جاریه») به معنای کشتی ها و «أعلام» (جمع «علم») به معنای کوه ها است.

### 39- تشبیه به کوه صعب العبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 11 - 1

1 - انجام دادن بعضی از کار های نیک ، دشوار و بسان افکندن خویش در یک راه کوهستانی و گردنه های صعب العبور است .

فلا اقتحم العقبه

«اقتحام»؛ یعنی، بین کاری سخت و هولناک قرار گرفتن (مفردات). زمانی که شخص بدون فحص و بررسی خود را در ماجرای بزرگ بیفکند، گفته می شود: «إِقْتَحَمَ» (نهایه ابن اثیر). راه دشواری که در کوه قرار دارد، «عقبه» نامیده می شود (مفردات) و نیز «عقبه» به مسیر صعب العبوری گفته می شود که از آن بر کوه بالا-روند (قاموس). این راه از آن جهت «عقبه» نامیده می شود که راه پیمایان، باید در آن پشت سر هم و به یک ستون حرکت کنند.

### 40- تقدس کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 5

5- کوه طور، مکانی مبارک و مورد عنایت خداوند

و وعدنکم جانب الطور الایمن

در برداشت یاد شده «الایمن» از ماده «یمن» گرفته شده و به معنای مبارک است. این کلمه گرچه وصف برای «جانب» است، ولی وصفِ جز هر چیز، وصف کل آن نیز شمرده می شود. انتخاب کوه طور برای مواعده، نشان از ویژگی خاص آن دارد.

#### 41- تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 230

4- تمامی کوه های زمین ، در آستانه قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یس--لونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفاً

«نسف» به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

5- متلاشی شدن کوه ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و به فرمان او است .

فقل ینسفها ربی نسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از «داعی» - که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد - کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

## 42- تنوع رگه های کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غرابیب سود

## 43- تنوع رنگ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غرايب سود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - قارعه - 101 - 5 - 4

4 - اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تكون الجبال كالعهن المنفوش

ص: 231

#### 44- ثبات کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 7

7 - خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار قرار داده است .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي

«رواسی» جمع «راسیه» از ماده «رسو» به معنای «ثبوت و استواری» است. مراد از آن کوه هایند که بر اساس وصف غالب شان نام گذاری شده اند. گفتمنی است که «ألقى» وقتی همراه «فی» باشد معنای استقرار را می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 7

7 - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذَلِكِ رَبِّ الْعَلَمِينَ . وَ جَعَلَ فِيهَا رَوْسِي مِنْ فَوْقِهَا وَ بَرَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَتَهَا فِي أَرْب

#### 45- حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 47 - 2

2- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و يَوْمَ نَسِىَ الْجِبَالُ وَ تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً

«نسی» (از ماده سیر) یعنی «حرکت می دهیم» و «بارزه» به معنای «ظاهر و آشکار» است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 1

1 - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 10 - 2

2 - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 5 - 3، 1

1 - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

ص: 232

إِذَا رَجَّتْ الْأَرْضُ رَجًّا . وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

«بس» در دو معنا به کار می رود: 1- به حرکت واداشتن (القاموس المحيط); 2- خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

3- رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا

ذکر «بَسًّا» به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 20 - 2، 1

1 - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سَيَّرَتِ الْجِبَالُ

2 - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سَيَّرَتِ الْجِبَالُ فِكَانَتِ سَرَابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 3 - 1

1 - در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و إِذَا الْجِبَالُ سَيَّرَتِ

## 46- حرکت کوه های یخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 32 - 2

2 - حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه \*

و من آیتہ الجوار فی البحر کالأعلم

## 47- حقیقت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 11 - 2

2- آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلما أتياها

ص: 233



## 48- خالق کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 1

1 - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

«رواسی» (جمع «راسیه») به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 1

1 - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

«رواسی» به معنای کوه های استوار و پابرجا و «شامخات» به معنای «مرتفعات» (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 7 - 2

2 - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. . و الجبال أوتادًا

## 49- خانواده موسی (ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 1

1 - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

«إذ» اسم زمان در محل نصب و مفعولاً به برای فعل محذوف است؛ یعنی، «اذکر إذ قال موسی لأهله..؛ زمانی را که موسی به کسانش

گفت... به یادآور).

## 50- خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 9

9- قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

«سهول» جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتهای و صحراها تعبیر می شود. «الجبال» من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله «إذ... تحتون الجبال بیوتاً»، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

ص: 234

## 51- خدائشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 7

7 - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسَّبِحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

## 52- خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 3

3- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رُوسِي

«رواسی» (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 4

4- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

وَاللَّهُ... جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا

## 53- دعوت به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 9

9 - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بِئْسَ اسْرَءِیْلُ قَدْ اُنْجِیْنٰکُمْ... وَنَزَّلْنَا عَلَیْکُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰی

## 54- ذکر معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 10

10 - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

ص: 235

و إذ أخذنا ميثمكم ورفعنا فوقكم الطور

«إذ» مفعول برای فعل مقدر «أذکروا» می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

### 55- رگه های سرخ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 9

9- آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أن الله أنزل من السماء .. و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غر

«جُدَدٌ» (جمع «جُدَّة») در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. «غریب» (مفرد «غریب») به معنای سیاه پر رنگ و «أسود» (مفرد «سود») به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

### 56- رگه های سیاه کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 9

9- آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أن الله أنزل من السماء .. و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غر

«جُدَدٌ» (جمع «جُدَّة») در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. «غریب» (مفرد «غریب») به معنای سیاه پر رنگ و «أسود» (مفرد «سود») به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

### 57- رویش درختان زیتون در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 20 - 1,2

1 - رویش درختان زیتون در ارتفاعات کوه سینا به وسیله باران ، کاری خدایی است .

و شجره تخرج من طور سیناء

«شجره» عطف بر «جَنّات» است. «طور» به معنای کوه و «سیناء» شبه جزیره ای در مصر است. اضافه «طور» به «سیناء» اضافه ظرفیه و به تقدیر «طور فی سیناء» می باشد؛ یعنی: [با آن آب باران] درختی که از طور سینا بر می آید [پدید آوردیم].

2 - طور سینا ، مرکز رویش درختان زیتون

و شجره تخرج من طور سیناء

ص: 236

## 58- رؤیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 64 - 2

2 - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . . . ثم تولیتم من بعد ذلک

«ثم» در جمله «ثم تولیتم» حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا «من بعد ذلک» رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که «ثم» برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . . . مضمون جمله بعد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 6

6 - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی (ع) و نیز نکره آمدن «ناراً»، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی (ع) قابل مشاهده بوده است.

## 59- سجده کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده ( خضوع و انقیاد ) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموت و من في الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

## 60- سرعت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 14 - 2

2- زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدگتا دگه وحده

«دکّ» به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

ص: 237



## 61- سکون کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 1

1 - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

## 62- سمت راست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 52 - 1

1- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

«ایمن» یا از «یمن» به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از «یمین» که به معنای «سمت راست» است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت «الایمن» وصف کلمه «جانب» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 4

4- سمت راست کوه طور ، میقات و وعده گاه شرفیابی بنی اسرائیل برای پاسخ گویی به دعوت خداوند بود .

و وعدنکم جانب الطور الأيمن

«ایمن» به معنای «یمین» (طرف راست) است و مراد از «جانب راست طور» دامنه و یا فضای سمت راست آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 3

3- آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور ، هم زمان بانزدیک شدن وی به آتش

فلما أتيتها نودی من شطی الواد .. من الشجره

«شاطئ» به معنای «جانب» است و «الأيمن» - مقابل «الأيسر» (چپ) - صفت برای شاطئ» می باشد. بنابراین «شاطئ الواد الأيمن»؛ یعنی، طرف راست وادی.

### 63- سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور

و الطّور

«طور» در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

ص: 238

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 2 - 1,2

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

«سینین»، در اصل نام نوعی درخت است که به آن «سَیْنَاء» نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، «سَیْنَاء» یا «سینین» گفته شود و کوه طور - که در آن سرزمین است - به «طور سینین» یا «طور سَیْنَاء» مشهور گردد.

2- «طور» ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی در خور سوگند خداوند

و طور سینین

### 64- شدت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 14 - 2

2- زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدگتا دگه وحده

«دگ» به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

### 65- شعور کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 7

7- طبیعت ( کوه ها ، پرندگان و . . . ) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 7

7- کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

ص: 239

### 66- شگفتی حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 10 - 3

3 - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسير الجبال سيرًا

مفعول مطلق «سیراً»، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

### 67- عرضه امانت به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

لام در «ليعدّب. ..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «ليعدّب» قرینه است که مراد از «الأمانه» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

### 68- عرضه تکلیف به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

لام در «ليعدّب. ..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «ليعدّب» قرینه است

که مراد از «الأمانه» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

ص: 240

## 69- عظمت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 2 - 2

2- «طور»، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

## 70- عوامل انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 2،7

2- از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن... و تلك الأمثل نضربها

«تصدّع» (مصدر «متصدّعاً») به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

7- فروتنی و «فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها»، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل... و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

## 71- عوامل خشوع کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 1،2،7

1- صخره های ستر کوه، خاشع و فروتن از بیم خدا، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خشعاً متصدّعاً من خشية الله

2- از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن... و تلك الأمثل نضربها

«تصدّع» (مصدر «متصدّعاً») به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

7- فروتنی و « فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها » ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل . . . و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

## 72- غرش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 143 - 17

17 - موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

ص: 241



جعله دكاً و خرّ موسى صعقاً

«صَعِقَ» به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

### 73- فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 2

2- عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یس - لونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 6 - 2

2- انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباء منبثاً

به کارگیری فعل ماضی «فکانت» در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

### 74- فلسفه بالارفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 3

3- پذیرش میثاق الهی ، هدف از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل بود .

و إذ أخذنا میثاقکم و رفعنا فوقکم الطور

وقوع جمله «رفعنا...» در میان جمله های «أخذنا میثاقکم» و «خذوا ما اتیناکم» و بیان نکردن هدف و غایتی برای برافراشتن کوه می نمایاند که: همان پذیرش میثاق و اطاعت از فرمان الهی (خذوا...) هدف و غایت برافراشتن کوه باشد. (اقتباس از المیزان)

### 75- فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 242

7- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي . . . وَأَنْهَرًا وَسَبِيلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از «تهتدون» هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 4

4 - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . . . أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

### 76- فلسفه سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4 - برخوردار بودن انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

والتين . . . لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم

### 77- فواید کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 5

5- قوم درگیر با یاجوج و ماجوج از کوه های مرتفع به عنوان سدّ دفاعی در برابر هجوم آنان بهره می بردند .

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدِّينَ . . . إِنَّ يَاجُوجَ وَمَاجُوجَ مَفْسَدُونَ

### 78- فواید کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 8

8- کوه ها ، محل پیدایش معادن

وَأَبْتَنَّا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر «فیها»، «رواسی» باشد. در این صورت مراد آیه، پیدایش معدنها خواهد بود.

ص: 243

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 3, 2, 1

1- خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار در زمین قرار داده است تا آن را چونان بستری آرام برای انسان مهیا سازد .

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم

«رواسی» (جمع راسیه) از ماده «رسو» بوده و به معنای ثبوت و استواری است و مراد از آن کوههاست که به خاطر وصف غالبشان به این نام، نام گذاری شده اند و «اللقاء» وقتی با «فی» همراه باشد به معنای قرار دادن است.

2- کوه ها ، از جنبش ها و لرزش های زمین جلوگیری می کند .

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم

«مید» در لغت اضطراب و لغزش چیزهای بزرگ را گویند و چون این آیه در مقام بیان نعمتهای خداست و اضطراب و لرزش زمین نعمت نیست، معلوم می شود که «أن تمیدبکم» در اصل «لأن لاتمیدبکم» یا «کراهیه أن تمیدبکم» بوده است؛ یعنی، کوهها را در زمین قرار داد تا زمین شما را نلرزاند.

3- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى في الأرض روسى أن تميدبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 31 - 1

1- آفرینش کوه های استوار برای جلوگیری زمین از لرزاندن و جنباندن انسان ها است .

و جعلنا في الأرض روسى أن تميد بهم

«رسا» به معنای «ثَبَّت» و «رَسَخ» است و به کوه ها از آن جهت که خود راسخ و استواراند و مانع اضطراب و لرزش زمین می شوند، «رواسی» گفته می شود. «مید» (مصدر «تمید») به معنای اضطراب و حرکت به سمت های گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 6, 5

5- زمین ، بدون وجود کوه ها ، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

6- کوه ها ، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر ، نقش دارند .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

«مید» در لغت، «اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ» را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که «آن تمید»، «آن لاتمید» و یا «کراهیه تمید بکم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 3

3- سطح زمین ، بدون وجود کوه ها فاقد ثبات و استقرار \*

وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوْسِي

خداوند، پس از مسأله امتداد و گسترش سطح زمین، از وجود کوه ها به عنوان عناصری استوار (رواسی) یاد کرده است. از این مطلب استفاده می شود که ثبات و استقرار سطح رویین زمین، مدیون استواری کوه ها است و بدون وجود کوه ها، فاقد ثبات

ص: 244

و استواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 5، 4، 2

2- وجود کوه های استوار و بلند، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فیها روسی شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است؛ می تواند درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

4- کوه ها، از منابع تأمین آب برای بشر

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء

یادآوری سیراب شدن بشر از آب های گوارا - پس از بیان آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین - می تواند بیانگر مطلب یاده شده باشد.

5- آب ساری و جوشیده از کوه ها، آبی گوارا و مناسب برای نوشیدن انسان ها

و أسقینکم ماء فراتاً

«فرات»، به معنای گوارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 1

1- کوه ها مانند میخ های مستحکم، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای آن را به هم پیوند داده است.

و الجبال أوتاداً

«أوتاد» (جمع «وتد»); یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به «میخ»، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است؛ زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 1

1 - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعاً لكم ولأنعمكم

«متاعاً» مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب); ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است; یعنی، «تمتعاً لكم».

### 79- قانونمندی خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 3

ص: 245



3- آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتادًا

### 80- قداست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 4

4- وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارک

فی البقعه المبارکه

«بقعه» به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 1 - 52

2- کوه طور ، مکانی مقدس

و الطّور

از این که طور سینا، مورد سوگند خداوند قرار گرفته است، تقدس آن استفاده می شود.

### 81- کشتی نوح (ع) در کوه جودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 44 - 4

4- با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء وقضى الأمر واستوت على الجودی

### 82- کوه پسر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- « صفوان بن مهران الجمال عن الصادق جعفر بن محمد - عليه السلام - قال : سار و أنا معه فى القادسية حتى أشرف على النجف فقال : هو الجبل الذى اعتصم به ابن جدّى نوح عليه السلام فقال : « ساوى إلى جبل يعصمنى من الماء » . . . فغار فى الأرض . . . »

صفوان بن مهران جمال از امام صادق(ع) نقل می کند و می گوید: من با امام صادق(ع) در سرزمین قادسیه همراه بودم تا به نجف نزدیک شد؛ پس فرمود: نجف جای کوهی است که فرزند جدّم نوح به آن پناهنده شد و گفت: «ساوی إلى جبل

يعصمى من الماء» .. پس آن کوه در زمین فرورفت...».

### 83- کوه طور و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 10، 2

2 - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

ورفعنا فوقکم الطور

«الطور» نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که «طور» به مطلق کوه نیز گفته می شود.

10 - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقم و رفعنا فوقکم الطور

«إذ» مفعول برای فعل مقدر «أذکروا» می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

### 84- کوه نشینی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 149 - 4، 3

3 - سرخوشی و سرمستی ثمودیان در خانه های کوهستانی خویش

و تتحتون من الجبال بیوتاً فرهین

«فارهین» می تواند از مصدر «فره» (نشاط و سرخوشی) مشتق شده باشد. گفتنی است که «فارهین» بنابراین احتمال، صفت برای «بیوتاً» و به تقدیر «فارهین فیها» است؛ یعنی، خانه هایی که در آن مست و سرخوشید.

4 - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تتحتون من الجبال بیوتاً فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در «أترکون فی ما ههنا») جمله استفهامی بوده و به تقدیر «أو تتحتون...» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 171 - 1

1 - خداوند کوه طور را به لرزه درآورد، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد.

وإذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«نتق» (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. «ال» در «الجبل»، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. «ظله» به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به

ص: 247

سقف و مانند آن است.

## 86- مراحل خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 4

4- آفرینش کوه های استوار ، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز ( مرحله )

و جعل فیها روسی من فوقها . . . فی أربعه آیام

برداشت یاد شده براین اساس است که «فی أربعه آیام» ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

## 87- مطالعه استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 19 - 2، 1

1 - خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

وإلی الجبال کیف نصبت

«نصب» به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغه)

2- تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

وإلی الجبال کیف نصبت

## 88- معجزه حرکت کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 31 - 1

1- نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءاناً سیّرت به الجبال أو قطّعت به الأرض أو کلم به الموتی

«تسییر» (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و «تقطیع» (مصدر قَطَّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت «بل لله الأمر» و نیز «أن لو یشاء الله لهدی الناس» گویای این است که جواب شرط «لو أن...» جمله ای نظیر «لم یهتدوا إن لم یشأ الله» است.

### 89- معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 248

9- قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقم و رفعنا فوقکم الطور

«إذ» مفعول برای فعل «اذکروا» در آیه 47 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- پیمان شکنی بنی اسرائیل، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه، امری سنگین، شگفت و نامتوقع بود.

أخذنا میثقم و رفعنا فوقکم الطور . . . ثم تولیتم من بعد ذلک

«ثم» در جمله «ثم تولیتم» حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا «من بعد ذلک» رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که «ثم» برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . . . مضمون جمله بعد دارد.

### 90- مناجات در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بینی اسرئیل قد أنجینکم . . . ونزلنا علیکم المنّ والسلوی

### 91- منافع استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آفرینش شتر، برافراشتن آسمان، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین، دارای منافی درخور توجه برای انسان ها است.

أفلاینظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن

آنها به حال آنان است.

## 92- منشأ استقامت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 32 - 2

ص: 249



2- آفرینش کوه های پایدار و تزلزل ناپذیر، نشان قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است.

ءأنتم . . . و الجبال أرسیها

### 93- منشأ استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 1

1- خداوند، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذى مدّ الأرض و جعل فیها روسی و أنهرًا

«مدّ» به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. «رواسی» (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 32 - 1

1 - خداوند، کوه ها را استوار و پابرجا قرار داد.

و الجبال أرسیها

فعل «أرسی»؛ یعنی، ثابت و استوار ساخت (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 19 - 2، 1

1 - خداوند، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلى الجبال کیف نصبت

«نصب» به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغه)

2 - تحقیق و تدبیر در علل برقرار ماندن کوه ها، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى الجبال کیف نصبت

### 94- منشأ انهدام کوه ها

12 - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور . . . و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر «تری الجبال. . .» در ادامه «یوم ینفخ فی الصور. . .» می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

ص: 250

## 95- منشأ حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 12

12 - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور... و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مَرّ السحاب

ذکر «تری الجبال...» در ادامه «یوم ینفخ فی الصور...» می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

## 96- موسی (ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 52 - 1

1- خداوند از سمت راست کوه طور، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت.

و ندینه من جانب الطور الایمن

«ایمن» یا از «یمن» به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از «یمین» که به معنای «سمت راست» است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت «الایمن» وصف کلمه «جانب» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 5

5- موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند.

لعلی ااتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدی

«قبس»، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). «هدی» مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف «أو» در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی (ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند وگرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید.

فلما أتياها

3- موسی (ع) با نزدیک شدن به آتش، با ندایی مواجه شد که او را با نام صدا می زد.

فلما أتياها نودی یموسی

4- ندای « یاموسی » ناگهانی و بدون گذشت زمانی از لحظه رسیدن موسی (ع) به آتش، به او خطاب شد.

فلما أتياها نودی یموسی

ص: 251

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 36 - 3,5

3 - خداوند در وادی طوی (در کوه طور) موسی (ع) را بر اجابت خواسته هایش آگاه ساخت .

قد أُتیت سؤلک

5 - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح . . قال قد أُتیت سؤلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 37 - 4

4 - نعمت عطا شده به موسی (ع) در کوه طور ، هم سان نعمت گران قدری بود که در گذشته موسی (ع) به او عطا شده بود .

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 35,38,41

35 - موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها ، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود .

وفتتک فتوناً . . ثمّ جئت علی قدر یموسی

38 - بازگشت موسی (ع) از مدین و آمدن به وادی طوی در کوه طور ، براساس تقدیر و برنامه تنظیم شده از جانب خداوند بود .

فلبث سنین فی أهل مدین ثمّ جئت علی قدر یموسی

از معانی «قدر» قضای الهی و تقدیر او است. گفته شده است: این کلمه، اسم مصدر برای «قدر» به معنای مقدر ساختن است (لسان العرب). راغب نیز می گوید: «قدر» زمان و مکان مقدر شده برای هر چیز است.

41 - خداوند در کوه طور ، با ملاطفت و مهربانی با موسی (ع) سخن گفت .

یموسی

تصریح مکرر نام موسی(ع) در مقاطع مختلف خطاب الهی، گویای عنایت خداوند به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 6

6 - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور \*

ب--آیتی

جمع آوردن «آیات» با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 1

ص: 252

1 - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

«إذ» اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است؛ یعنی، «اذکر إذ قال موسی لأهله..»؛ زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یادآور».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 7

7 - مکالمه خدا با موسی در وادی طور

نودی أن بورک من فی النار و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 9 - 3

3 - سخن گفتن بیواسطه خدا با موسی در وادی طور

فلما جاءها نودی . . . إنه أنا الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 10 - 1,8

1 - فرمان خدا به موسی (ع) در وادی طور ، مبنی بر افکندن عصای خویش

و ألق عصاک

8 - اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

یموسی لاتخف إتی لایخاف لدی المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 2

2 - « ید بیضا » ، دومین معجزه عطا شده به موسی (ع) از جانب خدا در وادی طور

وَأَلْقَ عَصَاكَ .. وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 4,6

4 - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نازًا

«ایناس» (مصدر «آنس») مرادف «إبصار» (دیدن) است. بنابراین «آنس»؛ یعنی، «بصر و رأی».

6 - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إتّی ءانست نازًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی (ع) و نیز نکره آمدن «ناراً»، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی (ع) قابل مشاهده بوده است.

ص: 253



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 1

1 - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلی ءاتیکم منها .. أو جذوه من النار ... فلما أتيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 31 - 1

1 - فرمان الهی به موسی ، در وادی طور مبنی بر افکندن عصای خویش

و أن ألق عصاک

«إلقاء» (مصدر «ألق») به معنای انداختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 1

1 - فرمان دیگر خداوند به موسی (ع) در وادی طور مبنی بر بردن دست خویش به گریبان

اسلک یدک فی جیبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 33 - 5

5 - موسی (ع) در وادی طور ، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت .

قال ربّ إني قتلت منهم نفسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 1

1 - مکالمه خداوند با موسی (ع) در وادی طور

و ما كنت بجانب الطور إذ نادينا

## 97- موسی (ع) و آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 8,9,10,11,12

8 - مشاهده موسی ، آتشی را از دور در وادی طور

إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا

«ایناس» (مصدر «آنست») معادل «إبصار» (دیدن) است؛ یعنی، آتشی به نظرم رسید.

9 - تنها موسی (ع) ، نظاره گر آتش وادی طور و همراهانش محروم از مشاهده آن

إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا

10 - تصمیم موسی (ع) به حرکت به سمت آتش طور

ص: 254

11 - امید موسی (ع) ، به یافتن اطلاعاتی از محل برافروخته شدن آتش ، برای یافتن راه و ادامه مسیر سفر

ساتیکم منها بخیر

جمله «ساتیکم منها بخیر» به تقدیر «ساتیکم من عندها بخیر نهتدی به» است؛ یعنی، به زودی از آن جا اطلاعی خواهیم آورد که با کمک آن راهمان را پیدا کنیم.

12 - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أو ایتیکم بشهاب قبس لعلکم تصطلون

«شهاب» به شعله آتش و «قبس» به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. «اصطلاء» (مصدر «تصطلون») نیز به معنای گرم شدن است؛ یعنی، یا شعله ای از آتش برگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 4، 1

1 - ندای خداوند به موسی (ع) در پی رسیدن وی به آتش طور

فلما جاءها نودی

4 - قرار گرفتن موسی (ع) در احاطه آتش طور

نودی أن بورک من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 9 - 2، 1

1 - تأکید خداوند ، بر الهی بودن ندای برخاسته از دل آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار . . . یموسی إله أنا الله

2 - موسی ، در شگفتی و حیرت از ندای برآمده از آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار . . . یموسی إله أنا الله

تصریح خداوند به «إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ» می تواند از آن جهت باشد که موسی با شنیدن ندا از درون آتش، در شگفتی فرورفت و حیران ماند؛ به گونه ای که سخت نیازمند راهنمایی روشن و صریح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 11، 8

8 - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امكثوا .. لعلی ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

11 - «عن أبي جعفر (ع) قال : لما قضى موسى الأجل و سار بأهله نحو بيت المقدس أخطأ الطريق ليلاً» فقال لأهله امكثوا إني آنست ناراً» ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که قرارداد موسی [با شعیب] پایان یافت و همراه با اهلس به سوی بیت المقدس رهسپار گردید، شب هنگام راه را گم کرد. پس به اهلس گفت: «امكثوا إني آنست ناراً»...».

ص: 255

## 98- نقش آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 2

2 - تجلی خدا در آتش طور برای موسی (ع)

نودی آن بورک من فی النار و من حولها

در این که مراد از «من فی النار» (آن که در آتش است) و «من حولها» (آن که پیرامون آتش است) چیست، میان مفسران اختلاف است. برخی گفته اند: مراد از «من فی النار» موسی است؛ زیرا وی چنان به آتش نزدیک گشته بود که گویا در میان آن است، و مراد از «من حولها» فرشتگانند. برخی عکس آن را گفته اند؛ یعنی، «من فی النار» فرشتگان و «من حولها» موسی است. دسته ای نیز بر آنند که مراد از «من فی النار» خداوند و «من حولها» موسی است؛ بدین معنا که: «مبارک است آن که در آتش تجلی کرده و آن که پیرامون آن است». برداشت یاد شده برپایه احتمال اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 2

2 - آتش طور، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلما أتيتها نودی... یموسی إتی أنا الله رب العلمین

## 99- نقش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 36 - 5,6

5 - وادی طوی در کوه طور، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود.

قال رب اشرح... قال قد أتیت سؤلک

6 - هارون (ع) در وادی طوی به مقام نبوت و رسالت برگزیده شد.

هرون أخی... و أشركه فی امری... قد أتیت سؤلک

چنانچه مراد از «أشركه فی امری» درخواست نبوت و رسالت برای هارون(ع) باشد، اجابت آن در وادی طوی انجام پذیرفت.

## 100- نقش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 4

4- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم . . . سبلاً لعلهم یهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 2

ص: 256

2- رود ها و نهر های جاری بر بستر شکاف های زمین و کوه های استوار بر پهنه آن ، نمودی دیگر از تدبیر خدای یگانه

و جعل خللها أنهرًا و جعل لها روسی

«خلال» (جمع «خلل») به معنای شکاف ها است. «نهر» (مفرد «أنهار») مشترک لفظی است میان آب جاری و مکانی که در آن آب روان باشد. بنابراین، عبارت «جعل خلالها أنهارًا» را می توان به دو صورت زیر معنا کرد: 1- شکاف های زمین را مکانی برای جریان آب قرار داده است. 2- در بستر شکاف های زمین آب های روان قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 1

1 - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 2

2- وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقينا فيها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 6

6 - نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطّور

در صورتی که «طور» به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

**101- یهود و کوه طور**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 3,4 - 1

1 - خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

ورفعنا فوقهم الطور بميثقهم

«طور» علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده «طور» به معنای مطلق کوه است (مفردات)، بآء در «بمیتقهم» سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

3 - نقض میثاق از سوی یهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد .

ورفعنا فوقهم الطور بميثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد ؛ بنابراین جمله «ورفعنا . . .» یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

ص: 257



4- قرار دادن کوه طور بر سر یهود، از معجزات حضرت موسی (ع)

و «اتینا موسی سلطناً مبیناً. و رفعنا فوقهم الطور

بر افراشتن کوه طور، می تواند بیان مصداقی برای جمله «و اتینا موسی سلطناً مبیناً» باشد.

کوه جودی

### 102- {کوه جودی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 44 - 12

12- «عن الصادق (ع) انه قال: يوم النيروز هو اليوم الذي استوت فيه سفينة نوح (ع) على الجودی؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: روز نوروز روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی استقرار یافت.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 48 - 1

1- خداوند، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند.

واستوت علی الجودی... قیل ینوح اهبط

«هبوط» به معنای فرود آمدن است. متعلق «اهبط» - به قرینه «استوت علی الجودی» - کشتی و نیز کوه جودی است؛ یعنی: أنزل من

الفلک و من الجودی... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف «قیل» به قرینه «منا» خداوند است.

### 103- کشتی نوح (ع) در کوه جودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 44 - 4

4- با فرمان الهی به آسمان و زمین، آب ها کاسته شد، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات، به سلامت بر کوه جودی مستقر

گردید.

و غیض الماء و قضی الأمر و استوت علی الجودی

کوه سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 164 - 11

11 - سخن خداوند با موسی (ع) در طور سینا بصورت ایجاد صدا در درخت و قابل شنیدن برای همراگان آن حضرت از هر

ص: 258

امام رضا(ع) درباره سخن گفتن خداوند با موسی(ع) فرمود: . . . فخرج بهم الى طور سيناء ... فكلمه الله تعالى ذكره و سمعوا كلامه ... لان الله عزوجل احده في الشجره ثم جعله منبعثاً منها حتى سمعوه من جميع الوجوه ...

---

توحيد صدوق، ص 121، ح 24، ب 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 574، ح 676.

کوه صفا

### 105- {کوه صفا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 23

23 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « فأوحى الله تعالى إلى جبرئيل ان اهبطهما إلى البلده المباركه مکه فهبط بهما جبرئيل فألقى آدم على الصفا وألقى حواء على المروه ... »؛

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکه فرود آورد. پس جبرئیل آدم(ع) را بر کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد .«...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 158 - 1

1 - کوه صفا و مروه ، دو علامتی که خداوند آنها را نشانه جایگاه عبادت قرار داده است .

إن الصفا و المروه من شعائر الله

بنابراین توصیف «صفا و مروه» به «شعائر الله» می رساند که: خداوند آن دو مکان را علامتی قرار داده تا بندگانش در آن جا، او را عبادت کنند.

کوه طور

### 106- آتش کوه طور

3 - حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان، آتشی را دید و به خانواده اش بشارت داد.

إذ رءا نازًا فقال .. إني ءانست نازًا

«ایناس» (مصدر «ءانست») در معانی «احساس کردن»، «دیدن»، «دانستن» و «شنیدن» استعمال می شود (لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد «دیدن» است.

4 - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد، ندیدند.\*

فقال لأهله امكثوا اني ءانست نازًا

از گفته موسی (ع) که فرمود: «من آتشی را دیدم» می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی (ع) آن آتش را ندیده بودند.

و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

5- موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند.

لعلی ءاتیکم منه بقیس أو أجد علی النار هدی

«قبس»، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). «هدی» مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف «أو» در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی (ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند و گرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

6- موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند.

فقال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

«مکث» به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 11 - 1

1- موسی (ع) در پی مشاهده آتش، از خانواده خویش جدا شده و به طرف آتش حرکت کرد.

راء نارًا .. فلما أتيتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 17 - 1

1- موسی (ع) هنگام جدا شدن از خانواده اش برای آوردن آتش، چوب دستی خود رانیز به همراه داشت.

و ما تلک بیمینک یموسی

«تلک» برای اشاره به مؤنث به کار می رود و دلالت دارد که اطلاق نام خشبه یا عوده (چوب) بر آنچه در دست موسی (ع) است، مسلم گرفته شده است؛ بنابراین از موسی (ع) خواسته شده بود که در جواب، خصوصیات آن چوب را بیان کند تا متوجه باشد که چه چیزی تبدیل به مار خواهد شد. گفتمنی است که از جمله «أهش بها علی غنمی» (در آیه بعد)، استفاده می شود که موسی (ع) پیش از آمدن به کوه طور، آن عصا را به همراه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 4,5

4- موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نارًا

«ایناس» (مصدر «آنس») مرادف «إبصار» (دیدن) است. بنابراین «آنس»؛ یعنی، «بصر و رأی».

5- موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد .

قال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 1

1- موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلی ءاتیکم منها .. أو جذوه من النار ... فلما أتيتها

ص: 260

## 107- آثار آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 7

7 - تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امکتوا .. أو جذوه من النار لعلکم تصطلون

«إصطلاء» (مصدر «تصطلون») به معنای خود را گرم کردن است.

## 108- ارزش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 2

2 - «طور»، کوهی با عظمت و دارای ارزشی در خور سوگند خداوند

و طور سینین

## 109- اطرافیان آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 3

3 - تبریک خداوند به موسی و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودی أن بورک من فی النار و من حولها

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «بورک من فی النار» انشای تبریک باشد.

## 110- انهدام کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 143 - 13، 16، 17، 22

13 - کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد.

ضمیر فاعلی در «جعله» هم می تواند به «رب» برگردانده شود؛ یعنی: «جعل الرب بتجلیه الجبل دكا»، و هم می تواند ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله «تجلی ربه» به دست می آید، برگردد؛ یعنی: «جعل تجلیه الجبل دكا». «دک» مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدکوک، یعنی متلاشی شده) است.

16 - موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن، بی هوش بر زمین افتاد.



فلما تجلی ربه للجبل جعله دكا و خرّ موسى صعقا

«خرو» (مصدر «خرّ») به معنای افتادن و ساقط شدن و «صَعَق» به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله «خرّ موسى صعقا» پس از دو جمله «تجلی ربه» و «جعله دكا»، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی (ع) دخیل بوده است.

17 - موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور، بی هوش شد و بر زمین افتاد.

جعله دكا و خرّ موسى صعقا

«صَعَق» به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

22 - موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد.

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك

### 111- اهمیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 8

8 - نمایان شدن آتش و فراهم آمدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسی (ع)، حادثه ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه «إذ» ظرف است برای «حدیث» (در آیه قبل) و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر (صلی الله علیه و آله) به توجه به آن ماجرا است.

### 112- بالا بردن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 171 - 4, 8, 1

1 - خداوند کوه طور را به لرزه درآورد، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد.

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«نتق» (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. «ال» در «الجبل»، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. «ظله» به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

4 - خداوند با برافراشتن کوه طور بر سر قوم موسی ، از آنان خواست تا با جدیت تمام تورات بپذیرند و رفتار و اندیشه های خویش را بر اساس آن استوار سازند .

خذوا ماء اتینکم بقوه

«خذوا» یعنی بگیرید. «گرفتن» تورات و دیگر کتابهای آسمانی به این است که مورد پذیرش قرار گیرد و به احکام آن عمل شود.

8 - قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظلّه

«إذ» متعلق به فعل مقلّد «اذکروا» است.

ص: 262

### 113- بالا رفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 63 - 2,3,9

2 - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

ورفعنا فوقکم الطور

«الطور» نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) بر آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که طور به مطلق کوه نیز گفته می شود.

3 - هدف از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل ، پذیرش میثاق الهی بود .

و إذ أخذنا میثقتکم و رفعنا فوقکم الطور

9 - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقتکم و رفعنا فوقکم الطور

«إذ» مفعول برای فعل «اذکروا» در آیه 47 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 2

2 - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

ورفعنا فوقکم الطور

«الطور» نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که «طور» به مطلق کوه نیز گفته می شود.

### 114- برکت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 52 - 2

2- کوه طور ، مکانی مبارک و محلی که خداوند از آن ناحیه با موسی (ع) سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

«الأیمن» - که در این برداشت به معنای مبارک گرفته شده است - ممکن است وصف برای «الطور» باشد و ممکن است وصف برای «جانب» گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 4

4 - وادی طور، جایگاهی مقدس و مبارک

فی البقعه المبرکه

«بقعه» به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است

ص: 263

که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

### 115- بنی اسرائیل و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 171 - 8، 2، 1

1 - خداوند کوه طور را به لرزه درآورد، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد.

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«نتق» (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. «ال» در «الجبل»، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. «ظله» به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

2 - قوم موسی هراسان از سقوط کوه برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

8 - قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«إذ» متعلق به فعل مقدر «اذکروا» است.

### 116- تجلی خدا بر کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 143 - 11، 12، 13، 16، 17، 22

11 - خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند.

قال لن ترنی و لکن انظر إلی الجبل

«ال» در «الجبل» عهد حضوری است؛ یعنی: انظر إلی هذا الجبل.

12 - خداوند به موسی (ع) اعلام کرد در صورتی وی را مشاهده خواهد کرد که کوه بر اثر تجلی او پایدار بماند.

و لکن انظر إلی الجبل فإن استقر مکانه فسوف ترنی

13 - کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبیل جعله دکا

ضمیر فاعلی در «جعل» هم می تواند به «رب» برگردانده شود ; یعنی: «جعل الرب بتجلیه الجبیل دکا»، و هم می تواند ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله «تجلی ربه» به دست می آید، برگردد ; یعنی: «جعل تجلیه الجبیل دکا». «دک» مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدکوک، یعنی متلاشی شده) است.

16 - موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبیل جعله دکا و خرّ موسی صعقا

«خرور» (مصدر «خرّ») به معنای افتادن و ساقط شدن و «صَعَقَ» به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله «خرّ موسی صعقا» پس از دو جمله «تجلی ربه» و «جعل دکا»، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش

ص: 264

شدن موسی (ع) دخیل بوده است.

17 - موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور، بی هوش شد و بر زمین افتاد.

جعله دكاً و خرّ موسی صعقا

«صَعِقَ» به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

22 - موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد.

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك

### 117- تقدس کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 5

5 - کوه طور، مکانی مبارک و مورد عنایت خداوند

و وعدنکم جانب الطور الأيمن

در برداشت یاد شده «الأيمن» از ماده «یمن» گرفته شده و به معنای مبارک است. این کلمه گرچه وصف برای «جانب» است، ولی وصفِ جز هر چیز، وصف کل آن نیز شمرده می شود. انتخاب کوه طور برای مواعده، نشان از ویژگی خاص آن دارد.

### 118- حقیقت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 11 - 2

2 - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید.

فلما أتيتها

### 119- خانواده موسی (ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 1

1 - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

«إذ» اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است؛ یعنی، «اذکر إذ قال موسی لأهله..»؛ زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یادآور».

ص: 265



## 120- دعوت به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 9

9- نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بینی اسرئیل قد أنجینکم . . . ونزلنا علیکم المنّ والسلوی

## 121- ذکر معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 10

10- قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقمکم و رفعنا فوقکم الطور

«إذ» مفعول برای فعل مقدر «أذکروا» می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

## 122- رویش درختان زیتون در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 20 - 2، 1

1 - رویش درختان زیتون در ارتفاعات کوه سینا به وسیله باران، کاری خدایی است.

و شجره تخرج من طور سیناء

«شجره» عطف بر «جَنّات» است. «طور» به معنای کوه و «سیناء» شبه جزیره ای در مصر است. اضافه «طور» به «سیناء» اضافه ظرفیه و به تقدیر «طور فی سیناء» می باشد؛ یعنی: [با آن آب باران] درختی که از طور سینا بر می آید [پدید آوردیم].

2 - طور سینا، مرکز رویش درختان زیتون

و شجره تخرج من طور سیناء

## 123- رؤیت آتش کوه طور

2- پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقتکم ورفعنا فوقکم الطور . . . ثم تولیتم من بعد ذلک

«ثم» در جمله «ثم تولیتم» حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا «من بعد ذلک» رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که

«ثم» برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و... مضمون جمله بعد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 6

6 - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی(ع) و نیز نکره آمدن «ناراً»، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی(ع) قابل مشاهده بوده است.

### 124- سمت راست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 52 - 1

1- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأيمن

«ایمن» یا از «یمن» به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از «یمن» که به معنای «سمت راست» است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت «الایمن» وصف کلمه «جانب» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 4

4 - سمت راست کوه طور ، میقات و وعده گاه شرفیابی بنی اسرائیل برای پاسخ گویی به دعوت خداوند بود .

و وعدنکم جانب الطور الأيمن

«ایمن» به معنای «یمن» (طرف راست) است و مراد از «جانب راست طور» دامنه و یا فضای سمت راست آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 3

3 - آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور ، هم زمان بانزدیک شدن وی به آتش

فلما أتيتها نودی من شطی الواد . . . من الشجرة

«شاطئ» به معنای «جانب» است و «الایمن» - مقابل «الایسر» (چپ) - صفت برای شاطئ» می باشد. بنابراین «شاطئ الواد الایمن»؛ یعنی، طرف راست وادی.

### 125- سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 1

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور

ص: 267

«طور» در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 2 - 1,2

1 - سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

«سینین»، در اصل نام نوعی درخت است که به آن «سَیناء» نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، «سَیناء» یا «سینین» گفته شود و کوه طور - که در آن سرزمین است - به «طور سینین» یا «طور سَیناء» مشهور گردد.

2- «طور» ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی در خور سوگند خداوند

و طور سینین

### 126- عظمت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 2 - 2

2- «طور» ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی در خور سوگند خداوند

و طور سینین

### 127- غرش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 143 - 17

17 - موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکاً و خرّ موسی صعقاً

«صَعِقَ» به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

## 128- فلسفه بالارفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 93 - 3

3 - پذیرش میثاق الهی ، هدف از بر افراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل بود .

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

ص: 268

وقوع جمله «رفعنا...» در میان جمله های «أخذنا ميثاقكم» و «خذوا ما آتيناكم» و بیان نکردن هدف و غایتی برای برافراشتن کوه می نمایاند که: همان پذیرش میثاق و اطاعت از فرمان الهی (خذوا...) هدف و غایت بر افراشتن کوه باشد. (اقتباس از المیزان)

### 129- فلسفه سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 4

4- برخورداری انسان از خلقت برتر، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر، زیتون، طور سینا و شهر مکه، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است.

والتین... لقد خلقنا الإنسان في أحسن تقويم

### 130- قداست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 4

4- وادی طور، جایگاهی مقدس و مبارک

في البقعه المباركه

«بقعه» به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 2

2- کوه طور، مکانی مقدس

و الطور

از این که طور سینا، مورد سوگند خداوند قرار گرفته است، تقدس آن استفاده می شود.

### 131- کوه طور و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

ورفعنا فوقکم الطور

«الطور» نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که «طور» به مطلق کوه نیز گفته می شود.

ص: 269



10 - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقم و رفعنا فوقکم الطور

«إذ» مفعول برای فعل مقدر «أذکروا» می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

### 132- لرزش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 171 - 1

1 - خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظله

«نتق» (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکنیدن است. «ال» در «الجبل»، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. «ظله» به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

### 133- معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 63 - 9

9- قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقم و رفعنا فوقکم الطور

«إذ» مفعول برای فعل «اذکروا» در آیه 47 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 64 - 2

2- پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقم و رفعنا فوقکم الطور . . . ثم تولیتم من بعد ذلک

«ثم» در جمله «ثم تولیتم» حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا «من بعد ذلک» رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که «ثم» برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . . . مضمون جمله بعد دارد.

## 134- مناجات در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 9

9- نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان، از نعمت های

ص: 270

خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بینی اسرئیل قد أنجینکم . . . ونزلنا علیکم المنّ والسلوی

### 135- موسی (ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 52 - 1

1- خداوند از سمت راست کوه طور، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الایمن

«ایمن» یا از «یمن» به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از «یمین» که به معنای «سمت راست» است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت «الایمن» وصف کلمه «جانب» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 5

5- موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما، خود را به محل آتش برساند .

لعلی آتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدی

«قبس»، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). «هدی» مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف «أو» در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی (ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند وگرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 11 - 2,3,4

2- آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلما أتیها

3- موسی (ع) با نزدیک شدن به آتش، با ندایی مواجه شد که او را با نام صدا می زد .

فلما أتیها نودی یموسی

4- ندای « یاموسی » ناگهانی و بدون گذشت زمانی از لحظه رسیدن موسی (ع) به آتش ، به او خطاب شد .

فلما أتيتها نودی یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 36 - 3،5

3- خداوند در وادی طوی (در کوه طور) موسی (ع) را بر اجابت خواسته هایش آگاه ساخت .

قد أتیت سؤلک

5- وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

ص: 271

قال ربّ اشرح . . قال قد أتيت سؤلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 37 - 4

4 - نعمت عطا شده به موسی (ع) در کوه طور، هم سان نعمت گران قدری بود که در گذشته موسی (ع) به او عطا شده بود.

و لقد منّا علیک مرّه أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 40 - 35, 38, 41

35 - موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود.

وفتتک فتوناً. . ثمّ جئت علی قدر یموسی

38 - بازگشت موسی (ع) از مدین و آمدن به وادی طوی در کوه طور، براساس تقدیر و برنامه تنظیم شده از جانب خداوند بود.

فلبث سنین فی أهل مدین ثمّ جئت علی قدر یموسی

از معانی «قدر» قضای الهی و تقدیر او است. گفته شده است: این کلمه، اسم مصدر برای «قدر» به معنای مقدر ساختن است (لسان العرب). راغب نیز می گوید: «قدر» زمان و مکان مقدر شده برای هر چیز است.

41 - خداوند در کوه طور، با ملاحظت و مهربانی با موسی (ع) سخن گفت.

یموسی

تصریح مکرر نام موسی (ع) در مقاطع مختلف خطاب الهی، گویای عنایت خداوند به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 6

6 - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع)، وعده خداوند به او در کوه طور \*

ب- ایتی

جمع آوردن «آیات» با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی (ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی (ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 1

1 - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسى لأهله

«إذ» اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است؛ یعنی، «اذکر إذ قال موسی لأهله..»؛ زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یاد آور.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 272

13 - نمل - 27 - 8 - 7

7 - مکالمه خدا با موسی در وادی طور

نودی آن بورک من فی التّار و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 9 - 3

3 - سخن گفتن بیواسطه خدا با موسی در وادی طور

فلما جاءها نودی .. إنه أنا الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 10 - 1,8

1 - فرمان خدا به موسی (ع) در وادی طور ، مبنی بر افکندن عصای خویش

و ألق عصاک

8 - اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

یموسی لا تخف إتی لا یخاف لدی المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 12 - 2

2 - « ید بیضا » ، دومین معجزه عطا شده به موسی (ع) از جانب خدا در وادی طور

و ألق عصاک .. و أدخل یدک فی جیبک تخرج بیضاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 4,6

4 - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نازًا

«ایناس» (مصدر «آنس») مرادف «إبصار» (دیدن) است. بنابراین «آنس»؛ یعنی، «بصر و رأی».

6 - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إتی ءانست نارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی (ع) و نیز نکره آمدن «ناراً»، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی (ع) قابل مشاهده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 1

1 - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلی ءاتیکم منها . . . أو جذوه من النار ... فلما أتيتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 273



13 - قصص - 28 - 31 - 1

1 - فرمان الهی به موسی ، در وادی طور مبنی بر افکندن عصای خویش

وَأَنْ أَلْقَ عَصَاكَ

«إلقاء» (مصدر «ألقى») به معنای انداختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 32 - 1

1 - فرمان دیگر خداوند به موسی (ع) در وادی طور مبنی بر بردن دست خویش به گریبان

اسلک یدک فی جیبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 33 - 5

5 - موسی (ع) در وادی طور ، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت .

قال ربّ إني قتلت منهم نفسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 46 - 1

1 - مکالمه خداوند با موسی (ع) در وادی طور

و ما كنت بجانب الطور إذ نادينا

**136- موسی (ع) و آتش کوه طور**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 8,9,10,11,12

8 - مشاهده موسی ، آتشی را از دور در وادی طور

إني ءانست نارا

«ایناس» (مصدر «آنست») معادل «إبصار» (دیدن) است؛ یعنی، آتشی به نظرم رسید.

9- تنها موسی (ع)، نظاره گر آتش وادی طور و همراهانش محروم از مشاهده آن

إتیءانست نارًا

10- تصمیم موسی (ع) به حرکت به سمت آتش طور

ساتیکم منها بخبر أوءاتیکم

11- امید موسی (ع)، به یافتن اطلاعاتی از محل برافروخته شدن آتش، برای یافتن راه و ادامه مسیر سفر

ساتیکم منها بخبر

جمله «ساتیکم منها بخبر» به تقدیر «ساتیکم من عندها بخبر نهتدی به» است؛ یعنی، به زودی از آن جا اطلاعی خواهم آورد که با کمک آن راهمان را پیدا کنیم.

12- موسی (ع)، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

ص: 274

أوءاتیکم بشهاب قیس لعکم تصطلون

«شهاب» به شعله آتش و «قیس» به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. «اصطلاء» (مصدر «تصطلون») نیز به معنای گرم شدن است؛ یعنی، یا شعله ای از آتش برگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 4، 1

1 - ندای خداوند به موسی (ع) در پی رسیدن وی به آتش طور

فلما جاءها نودی

4 - قرار گرفتن موسی (ع) در احاطه آتش طور

نودی أن بورک من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 9 - 2، 1

1 - تأکید خداوند، بر الهی بودن ندای برخاسته از دل آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار .. یموسی إنه أنا الله

2 - موسی، در شگفتی و حیرت از ندای برآمده از آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النار .. یموسی إنه أنا الله

تصریح خداوند به «إنه أنا الله» می تواند از آن جهت باشد که موسی با شنیدن ندا از درون آتش، در شگفتی فرورفت و حیران ماند؛ به گونه ای که سخت نیازمند راهنمایی روشن و صریح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 11، 8

8 - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ نکنند .

قال لأهله امکتوا .. لعلی ءاتیکم منها بخیر أو جدوه من النار

11 - « عن أبي جعفر (ع) قال : لَمَّا قَضَى موسى الأجل و سار بأهله نحو بيت المقدس أخطأ الطريق ليلاً » فقال لأهله امكثوا إني آنست ناراً... » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که قرارداد موسی [با شعیب] پایان یافت و همراه با اهلس به سوی بیت المقدس رهسپار گردید، شب هنگام راه را گم کرد. پس به اهلس گفت: «امکثوا إني آنست ناراً...».

### 137- نقش آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 8 - 2

2 - تجلی خدا در آتش طور برای موسی (ع)

نودی آن بورک من فی النار و من حولها

در این که مراد از «من فی النار» (آن که در آتش است) و «من حولها» (آن که پیرامون آتش است) چیست، میان مفسران

ص: 275

اختلاف است. برخی گفته اند: مراد از «من فی النار» موسی است؛ زیرا وی چنان به آتش نزدیک گشته بود که گویا در میان آن است، و مراد از «من حولها» فرشتگانند. برخی عکس آن را گفته اند؛ یعنی، «من فی النار» فرشتگان و «من حولها» موسی است. دسته ای نیز بر آنند که مراد از «من فی النار» خداوند و «من حولها» موسی است؛ بدین معنا که: «مبارک است آن که در آتش تجلی کرده و آن که پیرامون آن است». برداشت یاد شده بر پایه احتمال اخیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 30 - 2

2 - آتش طور، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلما أتيتها نودی .. یموسی إنی أنا الله رب العلمین

### 138- نقش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 36 - 5,6

5 - وادی طوی در کوه طور، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود.

قال رب اشرح .. قال قد أتیت سؤلک

6 - هارون (ع) در وادی طوی به مقام نبوت و رسالت برگزیده شد.

هرون أخی .. و أشركه فی أمری ... قد أتیت سؤلک

چنانچه مراد از «أشركه فی أمری» درخواست نبوت و رسالت برای هارون(ع) باشد، اجابت آن در وادی طوی انجام پذیرفت.

### 139- یهود و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 1,3,4

1 - خداوند، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان، از ایشان پیمان گرفت.

ورفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

«طور» علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده «طور» به معنای مطلق کوه است (مفردات)، باء در «بمیثقهم» سببیه است و بدیهی

است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

3 - نقض میثاق از سوی یهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد .

ورفعنا فوقهم الطور بميثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد ; بنابراین جمله «ورفعنا . . .» یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

4 - قرار دادن کوه طور بر سر یهود ، از معجزات حضرت موسی (ع )

ص: 276

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً. و رفعنا فوقهم الطور

بر افراشتن کوه طور، می تواند بیان مصداقی برای جمله «و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً» باشد.

کوه قاسیون

#### 140- {کوه قاسیون}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 30 - 20

20 - کوه قاسیون در دمشق ، مکان کشته شدن هابیل توسط برادرش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده: بدمشق. حبل یقال له قاسیون فیه قتل ابن آدم اخاه.

---

الدرالمنثور، ج 3، ص 61.

کوه مروه

#### 141- {کوه مروه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 23

23 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « فأوحی اللّٰه تعالیٰ الی جبرئیل ان اهبطهما الی البلده المبارکه مکة فهبط بهما جبرئیل فألقى آدم علی الصفا وألقى حواء علی المروه . . . » ;

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکه فرود آور. پس جبرئیل آدم(ع) را بر کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد .«...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 158 - 1

1 - کوه صفا و مروه ، دو علامتی که خداوند آنها را نشانه جایگاه عبادت قرار داده است .

إن الصفا و المروه من شعائر الله

بنابراین توصیف «صفا و مروه» به «شعائر الله» می رساند که: خداوند آن دو مکان را علامتی قرار داده تا بندگانش در آن جا، او را عبادت کنند.

کوه ها

## 142- آثار استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 277



2- عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یس--لونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

### 143- آثار عظمت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یس--لونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

### 144- اتقان کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقینا فیها روسی

### 145- اجزای کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تكون الجبال کالعهن المنفوش

### 146- استبعاد تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

ویس-لونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

ص: 278

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 7 - 1

1 - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

«رواسی» به معنای کوه های استوار و پابرجا و «شامخات» به معنای «مرتفعات» (کوه های بلند) است.

7 - وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فراتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 5, 4, 2 - 1

1 - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتاداً

«أوتاد» (جمع «وتد»); یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به «میخ»، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است؛ زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

2 - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل ... و الجبال أوتاداً

4 - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون ... ألم نجعل ... و الجبال أوتاداً

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

5 - وجود کوه های استوار در زمین ، از نعمت های خداوند به انسان ها است .

ألم نجعل . . . و الجبال أوتادًا

بیان وصف کوه ها، بین مجموعه آیاتی که بیانگر بعضی از نعمت های خداوند به انسان ها است؛ نشان می دهد که استواری کوه ها نیز از جمله آن نعمت ها است.

### 148- استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 6

6- زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

ص: 279

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 3

3- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقينا فيها روسى

«رواسى» (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

### 149- استقرار کوه ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 4

4 - خداوند ، قرار دهنده کوه ها در زمین است .

و ألقى فى الأرض روسى

### 150- اسکان در کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 5

5- امکان مأوى گرفتن انسان در دل صخره ها و سنگر گرفتن در شکاف کوه ها ، از نعمت های الهی

و جعل لكم من الجبال أكناً

### 151- امتناع کوه ها از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها

لام در «ليعدّب..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «ليعدّب» قرینه است

که مراد از «الأمانه» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

## 152- امتناع کوه ها از قبول امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 280

4- آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

5- خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عرضنا الأمانة على السموت والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها

### 153- انقياد کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده ( خضوع و انقياد ) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أن الله يسجد له من في السموت ومن في الأرض . . . والشجر والدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقياد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 1

1 - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

### 154- انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 90 - 2

2- شکافته شدن آسمان ها ، قطعه قطعه شدن زمین و انهدام کوه ها ، امری بسزا ، در برابر ادعای باطل فرزند گزینی خداوند

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا

فعل «تکاد» - که بر «وقوع نزدیک» دلالت دارد - در معنای مجازی «سزاوار بودن» به کار رفته و ممکن است مراد این باشد که برخورد این

سخن با مقام قدس الهی، مانند برخورد چیزی با ارکان جهان هستی است؛ که همه چیز را متلاشی کند و از میان ببرد. و یا این که خشم خداوند از این سخن به حدی است که جای آن دارد، آسمان و زمینی باقی نگذارد و همه چیز را نابود کند و کوه ها را درهم بریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 5 - 3

3 - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بَسَّتِ الْجِبَالَ بَسًّا

ذکر «بَسًّا» به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

ص: 281



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 6 - 1

1 - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثاً

«هباء» به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و «منبث» به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 14 - 3

1 - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حملت الأرض و الجبال

3 - نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حملت الأرض و الجبال فذکتا دکه و حده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 15 - 1

1 - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ في الصور... و حملت الأرض... فيومئذ وقعت الواقعة

به گفته مفسران، واژه «واقعه» همانند واژه های «حاقه»، «قارعه»، «غاشیه» و... در قرآن - که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است - عَلم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 9 - 1

1 - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تكون الجبال كالعهن

«عهن» به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره «قارعه» چنین آمده است: «و تكون الجبال كالعهن المنفوش»؛ (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 10 - 1

1 - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

«نسف»، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 20 - 3

3 - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فكانت سرابًا

ص: 282

«سراب» درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق «سراب» گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبیحی از کوه نمایان می شود.

### 155- اهمیت امانت عرضه شده به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 2

2 - امانت عرضه شده الهی بر آسمان ها ، زمین و کوه ها و انسان ها ، بس عظیم و سنگین است .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَح

تعبیر «أبين أن يحملنها وأشفقن منها» و تعلیل قبول امانت از سوی انسان به «إِنَّه كان ظلوماً جهولاً» حکایت می کند که آن امانت، بس عظیم و سنگین است.

### 156- اهمیت پناهگاههای کوهستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 9

9- اهمیت مسکن ، سایه ، پناهگاه های کوهستانی و پوشش های مقاوم و متنوع در زندگی انسان

والله جعل لكم من بيوتكم سكناً .. ظللاً ... أكنناً ... سربيل تقيكم الحرّ ...

### 157- اهمیت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 3

3- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 31 - 4

4- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم . . . سبلاً لعلهم یهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 6

6 - نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

ص: 283

در صورتی که «طور» به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

### 158- بلندی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 1

1 - آفریش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

«رواسی» به معنای کوه های استوار و پابرجا و «شامخات» به معنای «مرتفعات» (کوه های بلند) است.

### 159- پرشی از فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 3

3 - تعدادی از مردم صدر اسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) توضیح می خواستند .

و یس--لونک عن الجبال

### 160- پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 34 - 4

4 - پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطّامه الکبری

«کبری» اسم تفضیل است و قیامت را - در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد - برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

### 161- تاریخ پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمدند .

والأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 284

8 - کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمده اند .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي

### 162- تاریخ خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 2

2- پیدایش کوه ها ، پس از آفرینش زمین بوده است . \*

و جعلنا في الأرض روصي أن تميد بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است؛ بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

### 163- تبدیل کوه ها به ریگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 14 - 2

2- کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت به صورت انبوهی از ریگ های روان در خواهد آمد .

و كانت الجبال كشيًا مهيلًا

«کشیب» به معنای ریگ انباشته شده و «مهیل» (اسم مفعول از ماده «هیل») به معنای شیء روان است (صحاح اللغه).

### 164- تبدیل کوه ها به غبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 6 - 1,2

1 - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فكانت هباء منبثًا

«هباء» به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و «منبث» به معنای پراکنده است.

2- انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباء منبثاً

به کارگیری فعل ماضی «فکانت» در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

ص: 285



## 165- ترس کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 4,5

4- آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

5- خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

## 166- تسبیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 6,9

6- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ

9- هم آوایی موجودات طبیعت (کوه ها ، پرندگان و . . .) با پیامبران در تسبیح خداوند

وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

تعبیر «كُنَّا فَاعِلِينَ» (ما در گذشته این کار را انجام می دادیم) برای بیان این حقیقت است که کوه ها و پرندگان تنها با داوود و سلیمان هم آوا نشدند؛ بلکه پیش از این نیز با پیامبران الهی هم آوا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 10 - 10,5,4

4- فرمان خداوند به کوه ها ، جهت هم صدا شدن با داوود (ع) در تسبیح خداوند

يَجِبَالُ أُوتِي مَعَهُ

«أُوتِي» (از مصدر «اوب») در اصل به معنای نوعی از بازگشت است (مفردات راغب) و مراد از آن - چنان که مفسران نیز گفته اند - تکرار و رجوع در تسبیح گوئی است.

5- هم صدایی کوه ها با داوود (ع) در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد آتینا داود منّا فضلاً یجبال أوّبی معه

جمله «یا جبال أوّبی معه»، بدل اشتمال و یا بدل کل از کل برای «فضلاً» است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

10- هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد آتینا داود منّا فضلاً یجبال أوّبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که «الطیر» عطف به ضمیر مجرور «معه» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 2,5

2- کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

ص: 286

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

5- همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذَالْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ . إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ

جمله «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ..» می تواند تعلیل برای «ذالاید...» باشد؛ یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح بپردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 19 - 4

4- تمامی کوه ها و پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) همراه او به تسبیح می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ .. وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَهُ كُلَّ لَهُ أَوَّابٌ

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که واژه «کَلَّ» شامل «جبال» (کوه ها) هم بشود.

### 167- تسخیر کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 6

6- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 1

1 - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

### 168- تسطیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عن الجبال ... فیذرها قاعاً صفصفاً

«قاع» به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و «صفصف» به معنای زمین همواری است که امکان روییدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 20 - 3

3 - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

ص: 287

«سراب» درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق «سراب» گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبیحی از کوه نمایان می شود.

### 169- تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 4,5

4- تمامی کوه های زمین ، در آستانه قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یس - لونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفاً

«نسف» به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

5- متلاشی شدن کوه ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و به فرمان او است .

فقل ینسفها ربی نسفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 108 - 1

1- با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبرها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از «داعی» - که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد - کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

### 170- تنوع رگه های کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 10

10- وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غرابيب سود

### 171- تنوع رنگ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 10

10 - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

ص: 288

و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غرابيب سود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - قارعه - 101 - 5 - 4

4 - اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تكون الجبال كالعهن المنفوش

### 172- ثبات کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 10 - 7

7 - خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار قرار داده است .

و ألقى في الأرض روسي

«رواسی» جمع «راسیه» از ماده «رسو» به معنای «ثبوت و استواری» است. مراد از آن کوه هایند که بر اساس وصف غالب شان نام گذاری شده اند. گفتنی است که «ألقى» وقتی همراه «فی» باشد معنای استقرار را می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - فصلت - 41 - 10 - 7

7 - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلک ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدر فیها أقوتها فی أرب

### 173- حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 47 - 2

2- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

«نسیّر» (از ماده سیر) یعنی «حرکت می دهیم» و «بارزه» به معنای «ظاهر و آشکار» است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 1

1 - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ص: 289



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 10 - 2

2 - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 5 - 3، 1

1 - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجّاً . و بسّت الجبال بسّاً

«بسّ» در دو معنا به کار می رود: 1- به حرکت واداشتن (القاموس المحيط); 2- خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

3 - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بسّت الجبال بسّاً

ذکر «بسّاً» به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 20 - 2، 1

1 - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیرت الجبال

2 - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیرت الجبال فکانت سراباً

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

وإذا الجبال سیّرت

### 174- حرکت کوه های یخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 32 - 2

2 - حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه \*

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

ص: 290

## 175- خالق کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 1

1 - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

«رواسی» (جمع «راسیه») به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 1

1 - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

«رواسی» به معنای کوه های استوار و پابرجا و «شامخات» به معنای «مرتفعات» (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 2

2 - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. . و الجبال أوتاداً

## 176- خدانشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 7

7 - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

## 177- خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 3

3- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و أَلْقَيْنَا فِيهَا رُوسِي

«رواسی» (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 291

4- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

والله .. جعل لكم من الجبال أكنفاً

### 178- رگه های سرخ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 9

9- آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أن الله أنزل من السماء .. و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غر

«جُدَدٌ» (جمع «جُدَّة») در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. «غریب» (مفرد «غریب») به معنای سیاه پر رنگ و «أسود» (مفرد «سود») به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

### 179- رگه های سفید کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 9

9- آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أن الله أنزل من السماء .. و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غر

«جُدَدٌ» (جمع «جُدَّة») در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. «غریب» (مفرد «غریب») به معنای سیاه پر رنگ و «أسود» (مفرد «سود») به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

### 180- رگه های سیاه کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 27 - 9

9 - آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أن الله أنزل من السماء . . . و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غر

«جَدَد» (جمع «جَدَّة») در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. «غریب» (مفرد «غرایب») به معنای سیاه پر رنگ و «أسود» (مفرد «سود») به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

ص: 292

## 181- سجده کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 1

1 - سجده ( خضوع و انقیاد ) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبنندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . . . و الشجر و الدواب

«سجود» (مصدر «يسجد») به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

## 182- سرعت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 14 - 2

2 - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدگتا دگه و حده

«دگ» به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

## 183- سکون کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 1

1 - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و ترى الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

## 184- شدت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 14 - 2

2 - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

«دک» به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

### 185- شعور کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 7

ص: 293



7- طبیعت ( کوه ها ، پرندگان و . . . ) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 6

6 - آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 7

7 - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبحن بالعشيّ و الإشراق

### 186- شگفتی حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 10 - 3

3 - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیراً

مفعول مطلق «سیراً»، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

### 187- عرضه امانت به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند، تکالیف دین را، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن، سر باز زدند.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

لام در «لِيَعَذَّبَ..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «لِيَعَذَّبَ» قرینه است که مراد از «الأمانة» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

ص: 294

## 188- عرضه تکلیف به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 72 - 1

1 - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا

لام در «لِيعَذَّبَ ..» در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل «لِيعَذَّبَ» قرینه است که مراد از «الأمانة» در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله)، وقتی میسر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

## 189- عوامل انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 7، 2

2- از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن .. و تلك الأمثل نضربها

«تصدّع» (مصدر «متصدّعاً») به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

7- فروتنی و «فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها» ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل .. و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

## 190- عوامل خشوع کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 7، 2، 1

1 - صخره های سستبر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيت خاشعاً متصدّعاً من خشية الله

2- از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن .. و تلك الأمثل نضربها

«تصدع» (مصدر «متصدعاً») به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

7- فروتنی و «فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها» ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل .. و تلك الأمثل نضربها للناس لعلهم يتفكرون

ص: 295

## 191- فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 105 - 2

2- عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

ویس - لونک عن الجبال فقل ینسفها ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 6 - 2

2- انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباء منبثاً

به کارگیری فعل ماضی «فکانت» در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

## 192- فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 19 - 9

9- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 15 - 7

7- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقى فی الأرض روسی . . . و أنهرًا و سبلاً لعلکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از «تهتدون» هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

### 193- فواید کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 296

8- کوه ها ، محل پیدایش معادن

و أنبتنا فیها من کل شیء موزون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر «فیها»، «رواسی» باشد. در این صورت مراد آیه، پیدایش معدنها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 3، 2، 1

1- خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار در زمین قرار داده است تا آن را چونان بستری آرام برای انسان مهیا سازد .

و ألقى فی الأرض روسی أن تمیدبکم

«رواسی» (جمع راسیه) از ماده «رسو» بوده و به معنای ثبوت و استواری است و مراد از آن کوههاست که به خاطر وصف غالبشان به این نام، نام گذاری شده اند و «القاء» وقتی با «فی» همراه باشد به معنای قرار دادن است.

2- کوه ها ، از جنبش ها و لرزش های زمین جلوگیری می کند .

و ألقى فی الأرض روسی أن تمیدبکم

«مید» در لغت اضطراب و لغزش چیزهای بزرگ را گویند و چون این آیه در مقام بیان نعمتهای خداست و اضطراب و لرزش زمین نعمت نیست، معلوم می شود که «أن تمیدبکم» در اصل «لأن لاتمیدبکم» یا «کراهیه أن تمیدبکم» بوده است؛ یعنی، کوهها را در زمین قرار داد تا زمین شما را نلرزاند.

3- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى فی الأرض روسی أن تمیدبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 1

1- آفرینش کوه های استوار برای جلوگیری زمین از لرزاندن و جنباندن انسان ها است .

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

«رسا» به معنای «ثَبَّت» و «رَسَخ» است و به کوه ها از آن جهت که خود راسخ و استواراند و مانع اضطراب و لرزش زمین می شوند،

«رواسی» گفته می شود. «مید» (مصدر «تمید») به معنای اضطراب و حرکت به سمت های گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 5,6

5- زمین ، بدون وجود کوه ها ، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست .

و ألقى في الأرض روسي أن تميد بكم

6- کوه ها ، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر ، نقش دارند .

و ألقى في الأرض روسي أن تميد بكم

«مید» در لغت، «اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ» را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که «أن تمید»، «أن لاتمید» و یا «کراهیه تمید بکم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 297



3- سطح زمین ، بدون وجود کوه ها فاقد ثبات و استقرار\*

و ألقينا فيها روسي

خداوند، پس از مسأله امتداد و گسترش سطح زمین، از وجود کوه ها به عنوان عناصری استوار (رواسی) یاد کرده است. از این مطلب استفاده می شود که ثبات و استقرار سطح روین زمین، مدیون استواری کوه ها است و بدون وجود کوه ها، فاقد ثبات و استواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 5, 4, 2

2 - وجود کوه های استوار و بلند ، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فيها روسي شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است؛ می تواند درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

4 - کوه ها ، از منابع تأمین آب برای بشر

و جعلنا فيها روسي شمخت و أسقینکم ماء

یادآوری سیراب شدن بشر از آب های گوارا - پس از بیان آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین - می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

5 - آب ساری و جوشیده از کوه ها ، آبی گوارا و مناسب برای نوشیدن انسان ها

و أسقینکم ماء فراتاً

«فرا» ، به معنای گوارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 1

1 - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتاداً

«أوتاد» (جمع «وتد»); یعنی، میخ‌ها. تشبیه کوه‌ها به «میخ»، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه‌ها است؛ زیرا بدون وجود کوه‌ها، حرکت لایه‌های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله‌های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می‌زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 1

1 - سودمندی آسمان، شب، روز، زمین، آب، گیاه و کوه‌ها برای انسان و دام، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است.

متعاً لكم ولأنعمكم

«متعاً» مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب); ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است; یعنی، «تمتعاً لكم».

ص: 298

## 194- قانونمندی خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 3

3 - آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتادًا

## 195- مراحل خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 4

4 - آفرینش کوه های استوار ، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز ( مرحله )

و جعل فیها روسی من فوقها . . . فی أربعه ایام

برداشت یاد شده براین اساس است که «فی أربعه ایام» ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

## 196- مطالعه استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 19 - 2، 1

1 - خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلى الجبال کیف نصبت

«نصب» به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغه)

2 - تحقیق و تدبیر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلى الجبال کیف نصبت

## 197- منافع استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آفریش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافعى درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلی . . . و إلی الأرض کیف سطح

آیه شریفه، گرچه توجّه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

ص: 299

## 198- منشأ استقامت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 32 - 2

2- آفرینش کوه های پایدار و تزلزل ناپذیر، نشان قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است.

ءأنتم . . . و الجبال أرسیها

## 199- منشأ استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 1

1- خداوند، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذى مدّ الأرض و جعل فیها روسی و أنهرًا

«مدّ» به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. «رواسی» (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 32 - 1

1 - خداوند، کوه ها را استوار و پابرجا قرار داد.

و الجبال أرسیها

فعل «أرسی»؛ یعنی، ثابت و استوار ساخت (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 19 - 2، 1

1 - خداوند، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلى الجبال کیف نصبت

«نصب» به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقایس اللغه)

2- تحقیق و تدبیر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

وإلى الجبال كيف نصبت

### 200- منشأ انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 12

12 - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

ص: 300

و یوم ینفخ فی الصور . . . و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر «تری الجبال. . .» در ادامه «یوم ینفخ فی الصور. . .» می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

## 201- منشأ حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 12

12 - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور . . . و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر «تری الجبال. . .» در ادامه «یوم ینفخ فی الصور. . .» می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

## 202- نقش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 4

4- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم . . . سبلاً لعلهم یتهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 2

2- رود ها و نهر های جاری بر بستر شکاف های زمین و کوه های استوار بر پهنه آن ، نمودی دیگر از تدبیر خدای یگانه

و جعل خللها أنهرًا و جعل لها روسی

«خلال» (جمع «خلل») به معنای شکاف ها است. «نهر» (مفرد «أنهار») مشترک لفظی است میان آب جاری و مکانی که در آن آب روان باشد. بنابراین، عبارت «جعل خللها أنهرًا» را می توان به دو صورت زیر معنا کرد: 1- شکاف های زمین را مکانی برای جریان آب

قرار داده است. 2- در بستر شکاف های زمین آب های روان قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 1

1 - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 301



2- وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رُوسِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 6

6 - نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

وَالطُّور

در صورتی که «طور» به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

ص: 302

### 13- کھانت

#### 1- تهمت کھانت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 42 - 4

4- اتهام کھانت به قرآن و کاهنی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

#### 2- تهمت کھانت به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 29 - 7

7- اتهام کھانت و جنون به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از سوی کافران

فما أنت بنعمت ربک بکاهن و لا مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 42 - 4

4- اتهام کھانت به قرآن و کاهنی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

#### 3- قرآن و کھانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 42 - 2

2- قرآن، به تحقیق از سنخ کھانت و کلامی کاهنانه نیست .

و لا بقول کاهن

#### 4- محمد (صلی الله علیه و آله) و کهنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 29 - 5

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مصون از هر گونه کهنات و جنون، در پرتو عنایت پروردگار خویش

فما أنت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 42 - 1

1 - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، به تحقیق کاهن نبود.

و لا بقول کاهن

#### 5- ناپسندی کهنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 29 - 9

9- « کهنات »، امری مذموم و نکوهیده\*

فما أنت بنعمت ربك بكاهن

از این که وجود نعمت الهی، عامل مصونیت از کهنات شمرده شده است؛ نوعی تنافر میان آن دو، استفاده می شود؛ یعنی، کاهن به دور از رحمت الهی است.

#### 6- نقش کهنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 10

10 - « و سئل أبو عبد الله (ع) عن قوله: « يعلمون ظاهراً من الحياه الدنيا »؟ فقال: منه الزجر و النجوم؛

در مجمع البیان آمده است که از امام صادق (ع) درباره معنای این سخن خداوند «يعلمون ظاهراً من الحياه الدنيا» سؤال شد. فرمود: از جمله آنها (یعنی از جمله دانش های ظاهری حیات دنیا) نوعی کهنات و استفاده از علم نجوم است.».



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

